

بسم الله الرحمن الرحيم

این جزوه جهت ترویج فرهنگ مهدویت و ارتقای سطح علمی اساتید و دانشجویان محترم در موضوع ظهور و شرایط و اوضاع قبل از ظهور در قالب پاسخ به سوالات و شبهات دوران قبل از ظهور می باشد که برگرفته شده از پرسمان دانشجویی است. لازم به ذکر است که فهرست مطالب بیان شده به ترتیب سوالات در متن جزوه آمده است امید است مورد استفاده اساتید و دانشجویان محترم واقع شود.

م.بیدی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

خاستگاه و ضرورت مباحث مهدویت	میراث دار پیامبران
منجی گرایی در میان ادیان و ملل	قائم
فوتوریسم (آینده گرایی)	مهدی
منجی گرایی در غرب	اباصالح
منجی گرایی در آمریکا، آسیا و آفریقا	بقیة الله
مهدویت نزد شیعه و اهل سنت	حجة الله
نام امام زمان (عج) در قرآن	صاحب الزمان
حکمت بیان اوصاف	خاتم الاوصیاء
مهدی یا عیسی علیهما السلام	غیبت و طول عمر امام مهدی (عج)
چرایی شناخت امام	فلسفه غیبت امام زمان (عج)
ولادت و امامت حضرت مهدی (عج)	دروغ گوئی و تعیین وقت ظهور
امامت در کودکی	سستی در حفظ عقاید حقه
شهادت امامان و ضرورت نصب امام بعدی	چرایی دوازده امام
چهره و سیمای مبارک	طول عمر امام مهدی (عج)
اوصاف اخلاقی و درونی	از لحاظ علمی و

هدف از نیابت و سفارت
استقامت و ایستادگی در سختی ها

تعداد و اسامی نائبان
کسب آمادگی برای ظهور

ولایت فقیه در عصر غیبت
اتحاد و همدلی

کارکردهای امام در عصر غیبت
رعایت حقوق دیگران

فریادرسی امام زمان (عج)
اطاعت از نایبان امام

زندگی و محل سکونت امام زمان (عج)
منتظران گناهکار

زندگی امام زمان (عج)
دعای سلامتی امام زمان (عج)

مکان های
اوقات دعا

ازدواج امام زمان (عج)
دعاها و زیارت نامه ها

اسامی فرزندان امام
دعای ندبه

جزیره خضراء
دعا برای ظهور امام زمان (عج)

سرداب امام زمان (عج)
صلوات ضراب اصفهانی

سرداب مقدس
صلوات بر امام زمان (عج)

تهمت و ادعای نادرست
دعای فرج «الهی عظم البلاء»

انتظار امام زمان (عج)
دعای افتتاح

وظیفه ما
دعای عهد

حق خواهی و حق مداری

خاستگاه و ضرورت مباحث مهدویت

خاستگاه مهدویت

پرسش ۱. خاستگاه و منشأ اصلی انتظار ظهور «مصلح و نجات دهنده بزرگ» چیست؟

منشأ و خاستگاه انتظار ظهور «نجات دهنده بزرگ» را می توان در گزینه های زیر تحلیل و تبیین کرد:

یک. ندای فطرت و طبیعت ذات بشر

چشمداشت آمدن یک مصلح آسمانی و امید به آینده ای روشن و استقرار صلح و عدل، امری فطری و طبیعی است که با ذات و وجود آدمی سر و کار داشته و با آفرینش هر انسانی همراه است و زمان و مکان نمی شناسد و به هیچ قوم و ملّتی اختصاص ندارد. بر این اساس همه افراد- طبق فطرت ذاتی خود- مایلند روزی فرا رسد که جهان بشریت در پرتو ظهور رهبری از نابسامانی ها نجات یابد. بر این اساس می توان ادعا کرد که هر فرد علاقه مند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی و رشد و بالندگی، خواهان و آرزومند قیام یک منجی جهانی و مصلح کل است و در انتظار ظهور چنین شخصی لحظه شماری می کند.

دو. ظلم ستیزی و نجات مستضعفان

باور داران به رسولان الهی، عموماً افراد تهی دست و تحت ستم جامعه بوده اند که از اطاعت سردمداران کفر و باطل سرپیچی کرده و در طریق حق و ظلم ستیزی گام نهاده بودند. این امر باعث واکنش شدید جبهه باطل و درگیری و نزاع همیشگی آنان با گروه حق و خداپرست شده است. البته به علّت وجود توان و امکانات بیشتر، گاهی غلبه و سلطه ظاهری با باطل گرایان بوده و فشارها و سخت گیری های فراوانی از سوی آنان اعمال می شده است.

سفیران الهی نیز که رهبری صالحان، مستضعفان و ستم دیدگان را عهده دار بوده اند، همواره با اشراف، فرعونیان و ستمکاران (گروه باطل) نزاع و درگیری داشته اند. آنان با ابلاغ پیام الهی و بشارت ظهور منجی، پیروان خود را به استقامت و صبر و بردباری و انتظار فرج دعوت می کردند و ریشه های اعتقاد به آمدن نجات دهنده الهی^۱ را در دل و جان یکتاپرستان و مؤمنان می کاشتند، قرآن به صراحت، به این مطلب اشاره کرده، می فرماید: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ**

^۱ (۱) ر. ک: نگارنده، آینده جهان، صص ۵۸-۶۰ ..

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۲؛ «ما در زبور (و کتاب‌های آسمانی پیشین)، پس از نوشتن در لوح (محفوظ)، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند».

معنای روشن آیه شریفه این است: «بنندگان شایسته خدا بر سراسر جهان، حکومت عادلانه و انسانی خویش را برقرار خواهند ساخت».

شیخ طوسی در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است:

«إِنَّ ذَلِكَ وَعَدَ اللَّهُ لِلْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّهُمْ يَرِثُونَ جَمِيعَ الْأَرْضِ»^۳؛ «این وعده قطعی خدا

بر مؤمنان است که آنان تمامی زمین و زمان را به ارث خواهند برد». البته آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در جای خود به آنها پرداخته خواهد شد.

سه. شکست و ناکامی حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی

مشکلات دائمی جهان (جنگ‌ها، ستیزش‌ها، نابرابری‌ها، ناامنی‌ها، بیدادگری‌ها و ...)؛ نیازها و خواسته‌های ضروری بشر (در زمینه رشد اقتصادی، ارتباطات، بهداشت، رفع فقر مادی و معنوی و ...)؛ ایده‌ها و آرمان‌های همیشگی بشر (صلح، عدالت، امنیت، آرامش، تعالی روحی و معنوی و ...)؛ تجارب گذشته انسان‌ها (در ضعف و ناتوانی دولت‌ها و حکومت‌ها و فراوانی مشکلات) و ...

باعث خواست آگاهانه و طلب عاشقانه ظهور منجی و مصلح الهی از سوی بیشتر انسان‌ها است. در واقع همه حکومت‌ها، گروه‌ها، اندیشه‌ها و مکاتب، تمامی ترندها و برنامه‌های خود را برای رفع کاستی‌های جامعه بشری به کار می‌گیرند؛ ولی به دلایل مختلف موفق به این کار نمی‌شوند. روشن است که عامل بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های جوامع، خود حکومت‌ها و مکاتب و گروه‌ها هستند که بیشتر در صدد تأمین منافع مادی خود بوده‌اند؛ نه برطرف ساختن کاستی‌ها و موانع رشد و شکوفایی انسان‌ها^۴.

چهار. فلسفه تاریخ و معناداری آن

بر اساس «فلسفه نظری تاریخ» ظهور «منجی موعود»، فرجام متعالی و شکوهمند آینده جهان و سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است.

بر این اساس روند طولانی مدت تاریخ، دارای هدف، غایت و معنای

^۲ (۲). انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵ ..

^۳ (۳). تفسیر تبیان، ج ۷، ص ۲۵۲ ..

^۴ (۱). ر. ک: نگارنده، مقاله «جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی»، فصلنامه انتظار، ش ۶، ص ۱۴۵ ..

مشخصی است و آن تحقق جامعه موعود الهی و رسیدن بشر به اوج سعادت و کمال مادی و معنوی است. این معناداری تاریخ، در فکر و ذهن بشر سایه انداخته و او را متوجه فرجام متعالی تاریخ ساخته است. البته هدفی که قرآن برای کاروان بشری ترسیم می‌کند، «عبادت و عبودیت» و در نتیجه رسیدن به قرب الهی است و منظور از آن، معنای وسیع و گسترده‌ای است که شامل کلیه شئون زندگی انسان در روی زمین می‌گردد **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ**^۵.

این ایده در دورانی از تاریخ، به کمال و تمام تحقق خواهد یافت و آن عصر «ظهور مهدی موعود» است^۶. پس معناداری تاریخ و کشف غایت و هدف آن، می‌تواند منشأ توجه انسان‌ها به ظهور مصلح بزرگ باشد.

پنج. قانون سیر تکاملی جامعه‌ها

یکی از دلایل منطقی این موضوع، قانون سیر تکاملی جامعه‌ها است. از آن روز که انسان خود را شناخته، هیچ‌گاه زندگی یکنواختی نداشته است؛ بدین جهت پیشرفت‌ها و تحولات فراوانی در نوع مسکن، تغذیه، وسیله نقلیه، پوشش و علم و دانش او صورت گرفته است. عجیب اینکه به هیچ یک از اینها قانع نیست و باز برای وصول به سطحی بالاتر و برتر، تلاش و کوشش می‌کند.

عشق به تکامل در درون جان آدمی، شعله‌ای جاودانه و خاموش ناشدنی است و همچنان انسان را به سوی جامعه‌ای پیش می‌برد که «تکامل‌های اخلاقی»، در کنار «تکامل‌های مادی» قرار گیرد. یکی از بارقه‌های امید مردم برای رسیدن به آینده‌ای روشن و دنیایی پراز صلح و صفا و برادری و برابری - آن هم با ظهور منجی موعود - در پرتو «قانون تکاملی جامعه‌ها» روشن می‌شود.

شش. قانون کنش و واکنش‌های تاریخی

آزمون‌های تاریخی به ما نشان می‌دهد که همواره تحول‌ها و انقلاب‌های وسیع، عکس‌العمل مستقیم فشارهای قبلی بوده است و شاید هیچ انقلاب گسترده‌ای در جهان رخ نداده، مگر اینکه پیش از آن، فشار شدیدی در جهت مخالف وجود داشته است. بر اساس این قانون می‌توان ثابت کرد که وضع کنونی جهان، آبستن انقلابی بزرگ و جهانی است. فشار جنگ‌ها، مظالم، بیدادگری‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها، توأم با ناکامی و سرخوردگی انسان‌ها، از قوانین فعلی برای از بین بردن یا کاستن این فشارها، سرانجام واکنش شدید خود را آشکار خواهد ساخت. در نهایت این خواست‌های واپس زده انسانی، در پرتو آگاهی روزافزون ملت‌ها، چنان عقده اجتماعی تشکیل می‌دهد که از نهانگاه ضمیر باطن جامعه، با یک جهش برق‌آسا، خود را ظاهر ساخته و سازمان نظام کنونی جوامع انسانی را به هم می‌ریزد و طرح نوینی ایجاد می‌کند. این طرح و برنامه انقلابی و گسترده، همان قیام و ظهور مهدی موعود است که در واکنشی قاطعانه و کوبنده در برابر همه تبعیض‌ها، ستمگری‌ها، حق‌کشی و فسادگری‌ها است.

^۵ (۱). ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶ ..

^۶ (۲). ر. ک: نگارنده، جستارهایی در مهدویت، صص ۴۲ - ۴۸ ..

در نهاد انسان ها، همواره عشق به نیکی، زیبایی و آگاهی نهفته است.

باور به ظهور مصلح جهانی، جزئی از این عشق و زیباخواهی است. در واقع ظهور امام مهدی (عج)، بروز کامل این فضایل و خوبی ها است و این مطلوب و خواست همه انسان های بصیر و پاک سرشت و نقطه اوج این علاقه و عشق ورزی است. چگونه ممکن است عشق به تکامل همه جانبه در درون جان انسان باشد و چنان انتظاری نداشته باشد! مگر تحقق رشد و کمال نهایی جامعه انسانی بدون آن امکان پذیر است؟!

احساسات و دستگاه های وجودی انسان، نمی تواند هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشد؛ زیرا همه جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است و وجود او نمی تواند از بقیه جهان، جدا باشد. از این به هم پیوستگی به خوبی می توانیم نتیجه بگیریم که اگر انسان ها انتظار مصلح بزرگ را می کشند که جهان را آکنده از صلح و عدالت و نیکی می کند؛ دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر و عملی است که عشق و انتظار آن در درون جان ما است.

عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب، نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است.^۷

هشت. اتفاق ادیان و مصلحان بشری

تمام ادیان آسمانی به پیروان خود، عصر درخشان و سعادت عمومی، آینده مشعشع و صلح جهانی و دوران پر خیر و برکت را نوید داده اند که در آن، نگرانی ها، دلهره ها و هراس ها مرتفع شود و به یمن ظهور شخصی بزرگ و مردی خدایی - که به تأییدات الهی مؤید است - در روی زمین منطقه و شهر و دهستان و دهی باقی نماند؛ مگر آنکه در آن بانگ دلنواز توحید بلند شود و روشنایی یکتاپرستی، تاریکی شرک را زایل سازد و علم و عدل و راستی و امانت، چهره جهان آرای خود را بنمایانند و همه جا را منور سازند. این موعود عزیز بر حسب استوارترین و صحیح ترین مصادر اسلامی، خلیفه دوازدهم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دوازدهمین رهبر و امام بعد از آن حضرت است. القاب مشهورش در بین مسلمین، مهدی، قائم، منتظر، صاحب الامر، صاحب الزمان و بقیة الله است. در زبان های دیگر، مسیحا، گرزاسبه، وشینو، ارتود، مهمید و ... خوانده شده است.^۸

پس می توان گفت: تقریباً همه کسانی که در این زمینه مطالعه دارند، متفق اند که تمام اقوام جهان، در انتظار یک رهبر بزرگ انقلابی به سر می برند که هر کدام او را به نامی می نامند؛ ولی همگی در اوصاف کلی و اصول برنامه های انقلابی او اتفاق دارند.

نه. ابتنای بر قرآن و حدیث

^۷ (۱). ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، صص ۱۵-۳۵ و ص ۹۷ ..

^۸ (۲). ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، صص ۱۳۵-۱۴۴ ..

اصل مهدویت، مبتنی بر آیات متعددی از قرآن است که دلالت بر پیروزی و فلاح و غلبه سپاه خدا دارند. این آیات علاوه بر آنکه بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و آینده درخشان عالم دلالت دارند، برحسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث، به تحول بی سابقه و بی نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی انجام خواهد گرفت، تفسیر شده است.

آیاتی مانند:

فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ^۹

؛ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ^{۱۰}؛

وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ ...^{۱۱}

؛ ... لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ^{۱۲}

؛ نُزِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ^{۱۳} و

علاوه بر آیات قرآن، مهدویت و تمامی فروع و جزئیات آن، مبتنی بر احادیث معتبر و متواتر است؛ زیرا کتابهای حدیث و صحاح و مسانید و اصول سنت و شیعه در این زمینه، از حد احصا و شمارش خارج است.

بر این اساس نیز «اصل مهدویت» مورد اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و سنی است.

منجی گرایی در میان ادیان و ملل

مصلح جهانی

پرسش ۲. آیا اعتقاد به وجود مصلح جهانی، مخصوص مسلمانان است یا اینکه ادیان دیگر نیز به آن اعتقاد دارند؟

بر اساس مطالعات و بررسی های صورت گرفته در متون دینی مذاهب مختلف و باورها و اعتقادات اقوام و ملل جهان، اعتقاد به ظهور «منجی و مصلح جهانی» و باورداشت آینده ای روشن و مطلوب، عقیده ای عمومی و فراگیر است و اختصاص به یک یا دو مذهب ندارد.

^۹ (۱). مائده (۵)، آیه ۵۶ ..

^{۱۰} (۲). صافات (۳۷)، آیه ۱۷۲ ..

^{۱۱} (۳). انفال (۸)، آیه ۷ ..

^{۱۲} (۴). فتح (۴۸)، آیه ۲۸ ..

^{۱۳} (۵). قصص (۲۸)، آیه ۵ ..

تمامی ادیان ابراهیمی و بیشتر مذاهب موجود، معتقد و منتظر آمدن «نجات دهنده‌ای» در واپسین دوره از تاریخ هستند که در آن عصر طلایی، جامعه جهانی، آکنده از صلح و صفا، معنویت و نورانیت و قسط و عدالت خواهد بود.

کاستی‌ها و دشواری‌ها، زدوده شده و رذایل و ناراستی‌ها از بین خواهد رفت.

انسان‌ها به مراحل بالای کمال و تعالی معنوی و مادی دست یافته، از نعمت و برکات بی‌شمار بهره‌مند خواهند شد. مسئله عقیده به ظهور یک رهبر الهی و آمدن نجات دهنده‌ای در آخرالزمان، به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی،

با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی دور کرده و در انتظار ظهور «مصلح موعود جهانی» در پایان جهان، لحظه شماری می‌کنند.

نام‌های موعود در بعضی از کتاب‌های ادیان و ملل مختلف چنین است:

۱. «صاحب»، در صحف ابراهیم؛

۲. «قائم»، در زبور سیزدهم؛

۳. «قید مو»، در تورات به لغت ترکوم؛

۴. «ماشیح» (مهدی بزرگ)، در تورات عبرانی؛

۵. «مهمید آخر»، در انجیل؛

۶. «سروش ایزد»، در زمزم زرتشت؛

۷. «بهرام»، در ابستاق زند و پازند؛

۸. «بنده یزدان»، در زند و پازند؛

۹. «لند بطلاوا»، در هزارنامه هندیان؛

۱۰. «خوراند» در جاویدان؛

۱۱. «خجسته» (احمد)، در کندرال فرنگیان؛

۱۲. «خسرو» در کتاب مجوس؛

۱۳. «پرویز»، در کتاب برزین آذر فارسیاب؛

۱۴. «فردوس اکبر»، در کتاب قبروس رومیان؛

۱۵. «کلمة الحق»، در صحیفه آسمانی؛

۱۶. «صمصام الاکبر»، در کتاب کندرال؛

۱۷. «بقیة الله»، در کتاب دوه‌ر؛

۱۸. «قاطع»، در کتاب قنطره؛

۱۹. «سوشیانس»، در کتاب زند و هومومن یس (زرتشتیان)؛

۲۰. «منصور» در کتاب دید براهمه؛

۲۱. «ایستاده» (قائم)، در کتاب شاکمونی؛

۲۲. «ویشنو»، در کتاب ریگ ودا؛

۲۳. «فرخنده» (محمد)، در کتاب وشن جوک؛

۲۴. «راهنما» (هادی و مهدی)، در کتاب پاتیکل؛

۲۵. «پسر انسان»، در عهد جدید (اناجیل) و ...^{۱۴}.

البته اعتقاد به وجود «منجی موعود» (مهدویت) یک عقیده اصیل اسلامی است که ریشه قرآنی دارد و احادیث متواتری - به ویژه در منابع معتبر روایی شیعه - درباره آن وارد شده است.

به عبارت دقیق‌تر این باورداشت در بین اسلام و مذهب شیعه، ملموس‌تر، یقینی‌تر و روشن‌تر است و یکی از ارکان مهم اعتقادی آن به شمار می‌رود.

با این حال این حقیقت معهود و اندیشه اصیل، ریشه در کهن‌ترین آموزه‌های آسمانی و فرهنگ‌های بشری دارد.

فوتوریسم (آینده‌گرایی)

^{۱۴} (۱). ر. ک: اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی (از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان)، (انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۸۰، ج اول)، ص ۴۶ و ۴۷ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
توجه ویژه به آینده و چشمداشت تغییر و تحولی ژرف در آتیه، با تعبیر و اصطلاحات مختلفی - چون فوتوریسم و فلسفه تاریخ - تبیین شده است.

«فوتوریسم» (Futurism)؛ یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ
فوتوریسم عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی: زوراستر یانسیسم (مذهب زرتشت)، جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان و ارتودوکس) و به طور کلی در میان مدعیان نبوت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی بالاتفاق، بشارت ظهور همچو مصلحی را داده‌اند. در این راستا دو مذهب عمده اسلام - تشیع و تسنن - هم در ظهور یک «مهدی» در دوران واپسین زمان اتفاق نظر دارند^{۱۵}.

بر این اساس فوتوریسم، یکی از مسائلی است که در بحث‌های تئولوژیک تمام مذاهب آسمانی، درباره آن گفت و گو شده است.

«دارمستتر» طی کنفرانسی می‌گوید: «می‌دانید که محمد [ص] چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟ وقتی که او ظهور کرد، در عربستان علاوه بر شرک ملی باستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود (آیین یهود، دیانت عیسوی و کیش زرتشت)

نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می‌شد، عبارت بود از: اعتقاد به یک وجود فوق الطبیعه که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت را به جهان باز آورد و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد ...»^{۱۶}.

بشاراتی که در این باره در کتاب‌های آسمانی مقدس و کتب مدعیان نبوت وارد شده، بی‌شمار است؛ از جمله: زبور، زند، حکم، صفیناه، اشعیاء، شاکمونی (هندو)، انجیل متی، دید و پاتکیل (هند)، جاماسب، انجیل یوحنا، دانیال و

در اینجا به بعضی از این باورها و اعتقادات اشاره می‌شود:

۱. در کتاب معروف زند، آمده است: «پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، آدمیان بر تخت نیک بختی خواهند نشست».

۲. در کتاب جاماسب نامه از زرتشت نقل می‌کند: «مردی بیرون آید از زمین تازیان ... مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق و بر آیین نیای خویش و با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند»^{۱۷}.

زرتشتیان، منتظر سه موعود هستند که هر یک از آنان به فاصله هزار سال از دیگری، ظهور خواهند کرد (هوشیدر، هوشیدر ماه و سوشیانس). از نظر اینان:

^{۱۵} (۱) ر. ک: سید هادی خسرو شاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، (انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۴، ج دوم)، ص ۵۵ ..

^{۱۶} (۲) دار مستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم، ترجمه محسن جهانسوز (تهران: کتابفروشی ادب، ۱۳۱۷)، ص ۵ ..

^{۱۷} (۱) حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۳ ..

«در آخرین هزاره از عمر جهان، از خاندان بهروز خداپرست و پرهیزکار، آخرین آفریده اهورامزدا، متولد می شود. در سی سالگی امانت رسالت به وی واگذار شده و به واسطه نشانه متوقف شده خورشید در وسط آسمان، ظهور او به عالمیان بشارت داده خواهد شد. از ظهور وی، اهریمن و دیو دروغ، نیست و نابود گردد.

یاران آن موعود- که از جاودانان هستند- قیام می کنند و همراه وی خواهند بود تا مردگان برخیزند و جهان معنوی روی نماید»^{۱۸}.

۳. در آیین بودا اندیشه منجی موعود، با مفهوم میتریه (مهربان) تبیین شده است. بوداییان او را آخرین بودا از بودایان زمینی می دانند که هنوز نیامده است؛ اما خواهد آمد تا همه انسان ها را نجات دهد. در بعضی از کتاب ها آمده است:

«پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتاب آموزه های بودایی افول می کند ...

[پس] یک راهنما خواهد بود. او برای مردم رفاه و بهروزی می آورد. آن گاه که

چنین فضایی بهشت گون فراهم آمد، میتریه از آسمان نزول می کند؛ بودایی خویش را به کمال می رساند و درمه را به فرهیختگان می آموزد»^{۱۹}.

۴. یهودیان در انتظار طولانی، باور به آمدن مصلح (مسیح یا ماشیح) دارند.

به نظر آنان روزی «مسیح» خواهد آمد و سرزمین بنی اسرائیل (ارض موعود) را به آبادانی خواهد کشاند^{۲۰}.

۵. مسیحیان معتقدند: سرانجام روزی خواهد آمد که عیسی مسیح، بار دیگر بازگشته، جهان را به سعادت خواهد رساند و مسیحیان را نجات خواهد داد.

در کتاب مقدس از آمدن مسیح، با عنوان «تحقق ملکوت خدا» یاد شده است.

در انجیل متی می گوید: «چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد؛ با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آنها را از همدیگر جدا خواهد کرد؛ چنان که شبانی میوها را از بزاها جدا می کند»^{۲۱} ...».

در انجیل لوقا آمده است: «پس باید که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ های شما و مانند آن کسانی باشید که آقای خود را انتظار می کشند؛ کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند، دفعه تاً در را گشایند. خوشا به

^{۱۸} (۲). فصلنامه انتظار، ش ۱۵، ص ۱۶۳ ..

^{۱۹} (۱). همان، ص ۱۵۸ ..

^{۲۰} (۲). کتاب مقدس (ترجمه فاضل خان همدانی)، کتاب دانیال، فصل ۱۲، بندهای ۱-۳ ..

^{۲۱} (۳). متی، باب ۲۵، بندهای ۳۱-۳۳ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
حال آن نوکران که چون آقا آید، آنها را بیدار یابد و من با شما می گویم: به درستی کمر خود را بسته، آنها را نشانید و نزدشان آمده، آنان را خدمت خواهد کرد»^{۲۲}.

۶. در کتاب **باسک** - یکی از کتاب های هندویان - آمده است: «دور دنیا تمام شود به پادشاه عدلی که در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد

و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین ها و کوه ها، پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان ها و زمین آنچه باشد، خبر دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید»^{۲۳}.

۷. «شاکمونی» - پیغمبر هندویان - در کتاب مذهبی خود می گوید: «پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «کشن» بزرگوار تمام شود و او کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها شود و دین خدا، یک دین شود و دین خدا زنده گردد»^{۲۴}.

۸. در کتاب وشن جوک (از کتاب هندوها) چنین آمده است: «سرانجام دنیا، به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد»^{۲۵}.

۹. در کتاب دیگری به نام «دید» آمده است: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود آورد»^{۲۶}.

در آیین هندو، موعود نجات بخش موسوم به «کالکی» (Kalki)، در پایان آخرین دوره زمانی از ادوار چهارگانه جهانی؛ یعنی، «کالی گه» ظهور خواهد کرد.

بنابر تفکر هندویی جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل شده است.

در چهارمین دوره (عصر کالی) فساد و تباهی سراسر جهان را فرا می گیرد، زندگانی اجتماعی و معنوی به نازل ترین حد خود می رسد و موجبات زوال نهایی را فراهم می سازد. این عصر کالی یوگه است که بنا بر باورهای هندویی

ما اکنون در آن به سر می بریم^{۲۷}. در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین و دهمین تجلی «ویشنو» (موسوم به کالکی) سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان در

^{۲۲} (۴). لوقا، باب ۱۲، بندهای ۳۵-۳۷ ..

^{۲۳} (۱). حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۵۴؛ بشارات عهدین، ص ۲۴۶ ..

^{۲۴} (۲). مصلح جهانی و مهدی موعود، ص ۶۰ ..

^{۲۵} (۳). مهدی انقلابی بزرگ، ص ۵۴؛ بشارات عهدین، ص ۲۷۲ ..

^{۲۶} (۴). بشارات عهدین، ص ۲۴۵ ..

^{۲۷} (۱). فصلنامه انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۷ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
می‌نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینش نو مهیا می‌شود تا در مهیاوگی آتی، دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابد.^{۲۸}

۱۰. دیدگاه اسلام نیز درباره «منجی موعود» تحت اندیشه مهدویت، مطرح است

نتیجه آنکه در تمامی دین‌های الهی و نیز بسیاری از مکاتب بشری و مسلک‌های مختلف، این باور وجود دارد که ستم و شرّ و بدبختی، نخواهد پایید و بالاخره عرصه گیتی، شاهد خیزش کسی خواهد بود که غلبه نهایی عدل، نیکی و آسایش را به ارمغان خواهد آورد. می‌توان نتایج و آموزه‌های زیر را از این باور برداشت کرد:

- اصل وجود «منجی و مصلح موعود»، امری پذیرفته شده است.

- ظهور و قیام این نجات دهنده بزرگ، در برهه‌ای حساس از زمان خواهد بود.

- تغییر و تحولات فراوانی در جهان (قبل و بعد از ظهور) روی خواهد داد.

- ریشه شرّ و فساد و ظلم برکنده شده و پلیدی‌ها و اهریمنان نابود خواهند شد.

- جهان رو به عمران و آبادانی خواهد گذشت و طبیعت و زندگی طراوت و حلاوتی ویژه خواهد یافت.

- در آن زمان، یکتاپرستان، ستمدیدگان و فرودستان نجات یافته و حاکمان و سروران روی زمین خواهند شد.

- خیر و نیکی و تقوا در جهان حاکم شده و آیین حق و یکتاپرستی، همگانی و فراگیر خواهد شد.

- بیشتر مؤلفه‌های این «قیام آسمانی» در ادیان یکسان است و ما تنها شاهد تعابیر و الفاظ مختلف از آن واقعه و یا اسامی متعدد «یک منجی خاص» هستیم.

در واقع همه اینها، یک نفر است؛ چنان که گفته‌اند: سوشیانت مزدیسنان، به منزله کریشنای برهمنان، بودای پنجم بوادائیان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی مسلمانان است.^{۲۹}

مهدویت در جهان

پرسش ۳. آیا عقیده به ظهور منجی، به غیر از ادیان در میان غربی‌ها و سایر اقوام نیز مطرح بوده است؟

باورداشت ظهور یک نجات دهنده بزرگ و رفع کاستی‌ها و مشکلات جامعه بشری و برچیده شدن بساط ظلم و تبه‌کاری از میان انسان‌ها، منحصر به شرقی‌ها و یا ادیان نیست؛ بلکه این یک اعتقاد عمومی و جهانی است که به

^{۲۸} (۲). اوپانیشاد، ترجمه محمد داراشکوه، ج ۲، ص ۶۳۷ ..

^{۲۹} (۱). دایرةالمعارف فارسی، ج ۱، ص ۱۳۷۳؛ خورشید مغرب، ص ۵۳ ..

شکل های مختلف، در عقاید و اندیشه های اقوام گوناگون دیده می شود. این حکایت از ریشه دار بودن و فراگیری اندیشه «منجی گرایی» در کل جهان است. البته باید خاطر نشان ساخت، این اعتقاد- چنان که در میان شیعه بسیار عمیق، عینی و راهبردی است- در بین بیشتر مکاتب و اقوام به عنوان آموزه های اصیل و بنیادین مطرح نیست و به عنوان باوری فرعی و احتمالی تلقی می شود. در واقع

شیعه با اندیشه «مهدویت» زنده و پویا است و با آن زندگی می کند و نفس می کشد و آن را رکن اساسی، اعتقاداتش می داند؛ اما در میراث مکتوب و شفاهی بیشتر ملل و ادیان، تنها اشاراتی گذرا به آن شده و مطالبی اجمالی درباره آن طرح گشته است. این اعتقاد، هنوز به عنوان باوری اثرگذار و یقینی تبدیل نشده و جایگاه استراتژیک خود را نیافته است! با این حال همین اشارات و بیانات نیز، نشانگر فراگیری و ریشه دار بودن اندیشه «ظهور رهایی بخش بزرگ» و حقانیت و درستی آن است.

منجی گرایی در غرب

یکی از اعتقادات غربیان مسیحی، باور به بازگشت عیسی مسیح- به عنوان نجات دهنده مسیحیان و تحقق بخش ملکوت و سلطنت الهی- است. با این حال در میان اقوام مختلف غربی نیز سخن از یک منجی بزرگ مطرح بوده و پاره ای از افراد از چنین انتظاری بهره برداری کرده اند.

نام پنج تن از مدعیان که از انگلستان برخاسته اند، جیمزنا یلور، یوحنا سوئکات، ریچارد برادرز، جان نیکولز و هنری جیمز پرینس ذکر شده است.^{۳۰}

برخی از فیلسوفان و دانشمندان غربی نیز آشکارا اعلام کرده اند که جهان در انتظار مصلحی بزرگ است که زمام امور جهان را به دست گرفته، همه انسان ها را زیر یک پرچم و یک شعار گرد می آورد؛ به عنوان نمونه: دانشمند بزرگ انیشتین می گوید: «روزی که سراسر جهان را صلح و صفا فرا گیرد و مردم با یکدیگر دوست و برادر باشند، دور نیست»^{۳۱}.

به طور فهرستوار می توان به بعضی از اقوام و نژادهای غربی اشاره داشت:

۱. نژاد اسلاو بر این عقیده بودند که از مشرق زمین، یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

۲. نژاد ژرمن معتقد بودند: یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام می کند و «ژرمن» را بر دنیا حاکم می گرداند.

۳. اهالی صربستان، انتظار ظهور «مارکو کر الیویچ» را داشتند.

^{۳۰} (۱). حکومت جهانی مهدی، ص ۵۹ ..

^{۳۱} (۲). همان، ص ۷ ..

۴. ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که:

آرتور از جزیره آلون، ظهور کند و نژاد ساکسون را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۵. اسن ها معتقدند: پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

۶. اقوام اسکاندیناوی بر این باورند که: برای مردم دنیا بلاهایی می رسد و جنگ های جهانی اقوام را نابود می سازد؛ آن گاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود.

۷. اقوام اروپای مرکزی، در انتظار ظهور «بوخص» می باشند.

۸. یونانیان می گویند: «کالویرگ» نجات دهنده بزرگ ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد و

منجی گرایی در آمریکا، آسیا و آفریقا

بر اساس تحقیقات و بررسی های صورت گرفته، اعتقاد به ظهور یک منجی در میان چینی ها، مصریان و سایر ملل و تمدن ها و نحله های فکری رایج بوده است.

در میان قبایل سرخ پوست آمریکایی این عقیده رایج است که روزی «گرد» سرخپوستان، ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد ساخت.

ایرانیان باستان معتقد بودند: «گرازاسپه» قهرمان تاریخی آنان، زنده است و در کابل خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

چینی ها باور داشتند که: «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد.

گروهی از مصریان (که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر «ممفیس» زندگی می کردند)، معتقد بودند: سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیبی بر جهان مسلط می شود؛ اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می رساند.

گروهی دیگر از مصریان باستان معتقد بودند که فرستاده خدا در آخرالزمان، در کنار خانه خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می کند.

ملل و اقوام مختلف هند، در انتظار مصلحی هستند که ظهور کرده، حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد.

برهمنیان از دیر زمان بر این عقیده بودند که در آخرالزمان، «ویشنو» ظهور می کند و بر اسب سفیدی سوار می شود. شمشیر آتشین در دست گرفته و مخالفان را خواهد کشت و تمام دنیا برهنم گردیده و به این سعادت برسد.

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
اعتقاد به منجی هستی در میان بومیان مکزیک نیز وجود داشته است و ...^{۳۲}.

از مجموع آنچه گفته شده، این نتیجه به دست می‌آید که انتظار ظهور یک مصلح آسمانی و نجات دهنده بزرگ، منحصر در ادیان نیست و جنبه منطقه‌ای ندارد؛ بلکه گسترده، فراگیر و جهانی است و ریشه در فطرت انسان‌ها و نیازمندی آنان به رفع مشکلات و دشواری‌هایشان به دست یک انسان برتر دارد.

مهدویت در اسلام

مهدویت نزد شیعه و اهل سنت

پرسش ۴. دیدگاه اهل سنت در مورد امام مهدی (عج) چیست؟ آیا ظهور مهدی موعود، از مسائل اتفاقی بین مسلمین است؟

عقیده به مهدویت و باور به ظهور و قیام مهدی موعود- به عنوان نجات دهنده عالم بشریت و اصلاح‌گر موعود- باور و اعتقادی است که بر اساس کتاب و سنت، پدید آمده و بیشتر مسلمانان به آن اذعان دارند. این باورداشت- به عنوان اندیشه اصیل اسلامی، بر پایه استوارترین دلایل عقلی و نقلی بنا نهاده شده و هیچ یک از مسلمانان- به جز عده‌ای اندک، به انکار و یا تردید آن نپرداخته است.

«اهل سنت و شیعه، در طی اعصار و مرور قرن‌ها، بر این اتفاق داشته و دارند که در آخرالزمان، یک نفر از اولاد رسول صلی الله علیه و آله و فرزندان علی و فاطمه علیهم السلام- که صفات و علاماتش در احادیث مذکور است- در هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد، ظهور نماید و جهان را پر از عدل و داد کند. همه او را هم نام و هم کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و ملقب به مهدی معرفی کرده‌اند و همه اتفاق دارند بر اینکه تا او ظهور نکند، سیر این عالم و این جامعه بشری به پایان نخواهد رسید و تا این دادگستر بزرگ و رهبر حکومت عدل جهانی قیام نکرده است، بشر باید

منتظر ظهور او باشد و بداند که جهان، محکوم ظلم ستمگران و فسادگران نیست و سرانجام همه تباهی‌ها و نگرانی‌ها به راحتی و امنیت و آسایش مبدل می‌شود و مستکبران و مفسدان، ریشه کن می‌گردند»^{۳۳}.

از مصادر معتبر تاریخ و حدیث استفاده می‌شود که در تمامی عصرها و دوران‌ها، این یک عقیده عمومی امت اسلام بوده است و همه بر آن اتفاق داشته‌اند، لذا مدعیان دروغین مهدویت را- به جهت اینکه واجد صفات و نشانی‌های مهدی موعود نیستند- رد می‌کردند و هرگز در مقام رد آنها، صحت اصل و اساس این عقیده را منکر نمی‌شدند. خلاصه اتفاق مسلمین بر اصل ظهور مهدی (عج) و بعضی از ویژگی‌ها و خصوصیات او، همیشه مورد قبول بوده و علمای بزرگ اهل سنت، به آن تصریح و تأکید کرده‌اند.

^{۳۲} (۱). او خواهد آمد، ص ۸۷ و ۸۸؛ ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۴۴ و ۴۵ ..

^{۳۳} (۱). لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۱۶۳ ..

کسانی که در تاریخ، مطالعه و پژوهش دارند، می دانند که ظهور مصلح منتظر و مهدی آل محمد علیه السلام، مورد اتفاق و مسلم نزد تمام مسلمین بوده است؛ چنان که چهار نفر از بزرگان علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت - ابن حجر شافعی مؤلف القول المختصر، ابوالسرور احمد بن ضیاء الحنفی، محمد بن احمد مالکی و یحیی بن محمد حنبلی - در جواب استفتایی، به صحت اصل ظهور مهدی در آخر الزمان و اینکه عالم را پر از عدل و داد کند. و عیسی به آن حضرت اقتدا نماید و اوصاف دیگر آن حضرت، رسماً فتوای مستدل و قاطع داده اند^{۳۴}.

این اتفاق نظر به حدی است که تندروترین گروه های اهل سنت (وهابیان) نیز این موضوع را پذیرفته و از آن به طور جدی دفاع می کنند و از عقاید مسلم اسلامی می دانند. حتی احمد امین از هری مصری - به رغم پاره ای سخنان غیر منصفانه درباره مهدویت - اعتراف می کند:

«اما در مورد اهل سنت باید گفت: ایشان نیز بدین عقیده (اندیشه ظهور مهدی) گرویده و به آن ایمان دارند». آن گاه خاطرنشان ساخته که ابن حجر عسقلانی، احادیث وارد شده درباره امام مهدی (عج) را بر شمرده و آنها را در حدود پنجاه حدیث یافته است. همچنین می گوید: «امام شوکانی، به منظور اثبات درستی این عقیده، کتابی نوشته و آن را «التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر والدجال والمسیح» نامیده است^{۳۵}.

ابن خلدون نیز - به رغم انکار احادیث مربوط به مهدویت - اذعان می کند:

«اعلم ان فی المشهور بین الکافه من اهل الاسلام علی ممرّ الاعصار انه لابدّ فی آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البيت يؤید الدین و یظهر العدل ...»؛ «مشهور بین همه مسلمانان - در همه عصرها - این است که به یقین در آخر الزمان، فردی از خاندان نبوت ظهور می کند؛ که دین را مدد می رساند و عدل را می گستراند.

مسلمانان از او پیروی می کنند و به همه کشورهای اسلامی حاکم می شود.

او مهدی نام دارد و از شرایط ظهور او قیام دجال است که در روایات صحیحه مطرح شده است و عیسی نیز پس از او نازل می شود و دجال را می کشد و یا در کشتن او، مساعدت می کند و در نماز به مهدی اقتدا خواهد کرد^{۳۶}.

ابن حجر هیثمی گفته است: «اعتقاد به وجود مهدی منتظر، بنابراین احادیث، صحیح امری لازم است. عیسی و دجال در زمان او ظاهر می شوند و هر جا «المهدی» به طور مطلق آورده شود، مراد او است^{۳۷}.

^{۳۴} (۲). ر. ک: البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، باب ۱۳؛ به نقل از: امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۲۸۱ ..

^{۳۵} (۱). المهدی و المهدویت، ص ۴۱ و ۴۸ و ۱۱۰؛ به نقل از: در انتظار ققنوس، ص ۴۶ و ۴۷ ..

^{۳۶} (۲). مقدمه العبر، ص ۳۶۷ ..

^{۳۷} (۳). البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۶۹ ..

ابن ابی الحدید، روشن تر از همه می گوید: «قد وقع اتفاق الفريقين من المسلمين اجمعين على ان الدنيا والتكليف لا ينقضی الا علیہ»؛ «میان همه فرقه های مسلمین، اتفاق قطعی است که عمر دنیا و احکام و تکالیف پایان نمی پذیرد؛ مگر پس از ظهور مهدی (عج)»^{۳۸}.

و سوییذی نیز گفته است: «آنچه علما بر آن اتفاق نظر دارند، این است که مهدی آن کسی است که در آخرالزمان قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند و احادیث راجع به مهدی و ظهور او بسیار است»^{۳۹}.

در میان اندیشمندان اهل سنت، بیش از پنجاه کتاب درباره ظهور و قیام «مهدی موعود»، نوشته شده که به بیان شخصیت و ویژگی های آن حضرت و علایم ظهور و وقایع و خصوصیات عصر ظهور، می پردازند. بعضی از این کتابها، عبارت است از:

۱. البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ملاعلی متقی هندی (م ۹۷۵)؛

۲. عقدالدرر فی اخبار الامام المنتظر، جمال الدین یوسف دمشقی (قرن هفتم)؛

۳. مناقب المهدی، حافظ ابی نعیم اصفهانی (م قرن پنجم)؛

۴. العرف الوردی فی اخبار المهدی، سیوطی (م ۹۱۱)؛

۵. البیان فی الاخبار صاحب الزمان، محمدبن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸)؛

۶. مهدی آل الرسول، علی بن سلطان محمد هروی حنفی؛

۷. فرائد فوائد الفکر فی ظهور المهدی المنتظر، شیخ مرعی.

همچنین کتاب هایی مانند: مسند احمدبن حنبل، سنن ابن ماجه، سنن ابوداود، الجامع الصحیح ابو عیسی ترمذی، المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، کنز العمال متقی هندی و ... به این انگاره مهم دینی پرداخته اند.

بر این اساس، احادیث نبوی درباره قیام مهدوی، به اندازه ای فراوان است که در کمتر موضوعی به این میزان حدیث نقل شده است. به همین جهت، دانشمندان علم حدیث، در موارد فراوانی، به متواتر بودن احادیث مهدی، تصریح کرده اند. احمدبن محمدبن صدیق شافعی مغربی در کتاب ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، متواتر بودن روایات مربوط به مهدی موعود را به شیوه ای بی نظیر و بی سابقه اثبات می کند^{۴۰}.

^{۳۸} (۱). شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۵۳؛ آینده جهان، ص ۱۴۶ ..

^{۳۹} (۲). امامت و مهدویت، ج ۲ ص ۳۱۲؛ آینده جهان، ص ۱۴۵ ..

^{۴۰} (۱). ر. ک: ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۷ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
حافظ ابو عبدالله گنجی شافعی نیز می گوید: «احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی - به دلیل راویان بسیاری که دارد - به حد تواتر رسیده است»^{۴۱}.

ابن حجر عسقلانی در کتاب **فتح الباری** می گوید: «اخبار متواتری رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند»^{۴۲}.

بیهقی نوشته است: «احادیث مربوط به خروج مهدی، صحیح ترین اسناد را دارد»^{۴۳} و ...

این امر به حدی برای برخی از علمای اهل سنت، دارای اهمیت و اعتبار بوده که با انکارکنندگان ظهور مهدی مخالفت کرده اند. در کتاب های **فرائد السطین**،

البرهان، العرف الوردی و ... از جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد صلی الله علیه و آله»^{۴۴}؛ «هر که ظهور مهدی را انکار کند، به آنچه بر محمد نازل شده، کفر ورزیده است».

در روایت دیگری نیز نقل کرده اند: «من کذب بالمهدی فقد کفر»^{۴۵}؛ «هر کس مهدی را انکار کند، به راستی کافر است».

معرفی مهدی موعود

در منابع روایی اهل سنت، روایات معتبر و صحیحی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی موعود نقل شده که برای معرفی و شناخت آن حضرت قابل توجه است.

ابتدا چند روایت در این زمینه نقل می شود؛ آن گاه سیمای کلی آن حضرت در احادیث و منابع اهل سنت بیان می گردد.

۱. شیخ ابراهیم حموی شافعی در **فرائد السمطین** از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی اثنا عشر اولهم اخی و آخرهم ولدی؛ قیل یا رسول الله! و من اخوک؟ قال: علی بن ابی طالب، قیل، فمن ولدک؟ قال: المهدی (عج)؛ یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً و الذی بعثنی بالحق بشیراً و نذیراً لو لم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج به ولدی المهدی فینزل روح

^{۴۱} (۲). البیان، باب ۱۱؛ منتخب الاثر، ص ۳۶ ..

^{۴۲} (۳). فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲ ..

^{۴۳} (۴). الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد، ص ۱۲۷ ..

^{۴۴} (۱). ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۰۸؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۲؛ البرهان، ص ۱۷۷ ..

^{۴۵} (۲). عقد الدرر، ص ۱۵۷؛ منتخب الاثر، ص ۱۴۹ ..

الله عیسی بن مریم فیصلی خلقه»^{۴۶}؛ «خلفا و جانشینان من و حجت های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند: اول آنان برادر من و آخرشان فرزندم؛ گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود:

علی بن ابی طالب. سؤال شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی، که زمین را

از قسط و عدل آکنده می سازد؛ همان سان که از ظلم و جور پر شده است.

قسم به آنکه مرا به حق، به عنوان بشارت دهنده و ترساننده برانگیخت! اگر از عمر دنیا یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز چنان طولانی سازد تا فرزندم مهدی خروج کند. (پس از خروج او) عیسی پسر مریم پشت سرش به نماز می ایستد».

۲. در سنن ابی داوود و تذکره خواص الامه از عبدالله بن عمر نقل شده است که گفت: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يخرج من آخر الزمان رجل من ولدي اسمه كاسمي و كنيته ككنيتي يملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً، فذلك المهدي»^{۴۷}؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر الزمان، مردی از فرزندان من قیام می کند که اسم او، همانند اسم من و کنیه اش مثل کنیه من است؛ زمین را از عدل پر می سازد؛ چنان که از ظلم پر شده است و او مهدی (عج) است».

۳. متقی هندی در کنز العمال آورده است: «انّ عليّاً سأل النبي: امّا آل محمد المهدي ام من غيرنا؟ قال رسول الله: بل منّا يَخْتِمُ الله به كَمَا فَتَحَ بنا و بنا يُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتْنَةِ، كَمَا انْقَذُوا مِنَ الشَّرِكِ و بنا يُؤَلِّفُ الله بَيْنَ قُلُوبِكُمْ بعدَ عداوةِ الشَّرِكِ»^{۴۸}؛ «علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا مهدی (عج) از ما آل محمد است یا از غیر ما است؟ حضرت فرمود: بلکه [او] از ما است. خداوند به سبب او ختم کند (اتمام بخشد)؛ چنان که به ما آغاز کرد. به ما از فتنه نجات یابد، چنان که از شرک نجات یافتند. خداوند به سبب ما دل های آنان را پس از کینه و دشمنی به یکدیگر پیوند داد».

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «لا تقوم الساعة حتّى ... يخرج من عترتي ...

مَنْ يَمْلأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»^{۴۹}؛ «قیامت فرا نرسد تا اینکه کسی از عترتم به پا خیزد و زمین را همچنان که پر از ظلم و تجاوزهای آشکار شده، آکنده از عدل و داد کند».

^{۴۶} (۳). کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰، ج ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۱ ..

^{۴۷} (۱). تذکره الخواص الامه، ص ۳۷۷؛ سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۴۲۰ ..

^{۴۸} (۲). کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۳ ..

^{۴۹} (۱). عقد الدرر، ص ۳۶؛ الدر المنثور، ج ۷، ص ۴۸۴ ..

۵. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لِيَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عَتَرَتِي رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنَايَا أَجْلَى الْجَبْهَةِ يَمْلِكُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ يَفِيضُ الْمَالَ فَيضًا»^{۵۰}؛ «همانا خداوند از عترتم، مردی را برمی انگیزاند که دندان هایش برآق و گشاده اند و پیشانی اش بلند و تابنده است. زمین را آکنده از عدل می کند و مال را به نحوی خاص زیاد می گرداند».

۷. در کتاب «الجمع بين الصحاح الستة» روایت مشهوری را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که: «لو لم يبق من الدنيا إلّا يومٌ واحدٌ لطوّلَ اللهُ ذلکَ اليومَ حتّى يُبعثَ رجلٌ مِنّی و من اهل بیتی یواطیءُ اسمه اسمی»^{۵۱}؛ «اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را چنان طولانی کند تا در آن روز مردی از من یا از بیتم قیام می کند که اسم او اسم من است ...».

با بررسی و مطالعه منابع روایی اهل سنت، سیمای کلی حضرت مهدی (عج) را چنین می توان تصویر کرد: او خلیفه در پایان امت من، امیر در پایان فتنه ها و انقطاع زمان، مالک و فرمانروای زمین، پادشاه و فرمانروای انسان ها، امام و پیشوای مردم، ولی و سرپرست امت، سلطان مشرق و مغرب و ... است.

- او از اهل بیت است؛ خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند؛

- مهدی از خاندان پیامبر و از فرزندان فاطمه است؛

- مهدی از فرزندان حسین است؛

- او کسی است که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند؛

- او مال را فراوان می بخشد و آن را شمارش نمی کند؛

- معادن را استخراج و اموال را تقسیم می کند؛

- مال را می بخشد و بر کارگزاران خود سخت گیری می کند و بر مسکینان مهربانی می ورزد؛

- خداوند، زمین را به واسطه او زنده می کند. او در آنجا عدالت می ورزد، در نتیجه زمین با عدل زنده می شود؛ بعد از آنکه از ظلم مرده بود؛

- از خلافت او ساکنان زمین و آسمان خشنودند؛

- خداوند او را برای فریادرسی مردمان برمی انگیزد؛ امت در زمان او متنعم و بهره مند می شوند و زمین محصولات خود را، بیرون می ریزد.

^{۵۰} (۲). ینابیع المودّة، ص ۴۲۳؛ اسعاف الراغبین، باب ۳، ص ۱۳۵ ..

^{۵۱} (۳). العمدہ، ص ۴۳۴؛ ارشاد مفید، ص ۳۲۶ ..

- او بر تمام کشورها و شهرها مستولی می شود و لشکرهای کفر را شکست می دهد.

- دین اسلام و توحید به وسیله او، عالم گیر خواهد شد و در زمین کسی نخواهد ماند، مگر اینکه به توحید خداوند گواهی دهد و ...^{۵۲}.

در پایان باید خاطر نشان کرد که، به رغم فراوانی و تواتر احادیث مربوط به مهدی آخرالزمان، این اعتقاد به صورت جدی و پررنگ در میان اهل سنت شیوع ندارد^{۵۳}.

تفاوت شیعه و اهل سنت

پرسش ۵. تفاوت مکتب تشیع و اهل سنت را درباره مهدی موعود بیان کنید؟

موارد اختلاف

۱- ۱. شخصی یا نوعی بودن مهدی (عج)؛ یکی از اختلافات مهم در این باره آن است که آیا مهدی (عج) شخصیتی معین و شناخته شده است یا شخصیتی نامعین و ناشناخته است که با این نام و اوصاف خواهد آمد. بسیاری از علمای اهل سنت، مهدویت را «نوعی» دانسته، می گویند: پس از این در آخرالزمان، در زمانی نامشخص فردی نامعین، از پدر و مادری ناشناخته با این نام و اوصاف متولد خواهد شد و انجام وظیفه خواهد کرد.

اما شیعه امامیه و شماری از اهل سنت، مهدی (عج) را شخصی، یعنی فردی شناخته شده و معین می دانند و معتقدند: او بیش از این متولد شده و هم اکنون به زندگی خود ادامه می دهد. معتقدان به شخصی بودن مهدویت، مصداق بشارت های رسول خدا درباره مهدی را، همان مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام دانسته اند.

در بررسی احادیث مهدی و اسناد و مدارک دیگر اسلامی، به دلایل و شواهدی بر می خوریم که مهدویت شخص را تأیید می کند^{۵۴}. «مهدویت نوعی» پیامدهای منفی فراوانی دارد؛ چون بر اساس آن، در جهان کنونی، اولی الامر معصوم، امام و خلیفه قریشی تبار و فردی معصوم از اهل بیت که همراه قرآن باشد، وجود نخواهد داشت. در نتیجه شمار زیادی از احادیث صحیح رسول خدا تکذیب خواهد شد و از آنجا که ساحت مقدس رسول حق، از هر گونه دروغی منزّه است؛ پس باید اولی الامر معصوم، خلیفه ای قریشی تبار و فردی معصوم از اهل بیت، در جهان وجود داشته باشد.

۱- ۲. تولّد و نام پدر حضرت مهدی (عج)؛ شیعه معتقد است رهبر موعود، محمد بن حسن عسکری است که سال ۲۵۶ ه. ق متولّد شد و پدرش امام حسن عسکری بر امامت او تصریح کرده است. او سپس به اذن خدا، غیبت صغری

^{۵۲} (۱). برای مطالعه بیشتر و بررسی منابع روایات ر. ک: نگارنده، آینده جهان، ص ۱۴۶- ۱۵۰ (به نقل از: کنز العمال، ج ۱۴؛ ینابیع المودة؛ العرف الوردی فی الاخبار المهدی؛ المعجم الکبیر؛ البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان؛ فرائد السمطين؛ عقد الدرر؛ المهدی المنتظر؛ الفتن و الملاحم و ...).

^{۵۳} (۲). عبدالعلیم سبتوی، المهدی المنتظر (مکه: مکتبة المکتبة، ۱۴۲۰)، ج ۱، ص ۶۰..

^{۵۴} (۱). برای مطالعه و ارزیابی این دلایل ر. ک: فصلنامه انتظار، شماره ۱۱ و ۱۲، (مقاله مهدویت و مذاهب اسلامی)، ص ۳۴۳- ۳۴۶..

و کبری نمود. غیبت صغری هنگامی بود که خداوند، وی را از نیرنگ حکومت عباسی نجات داد. وی از هنگام تولد، مخفی زیسته، پدرش او را از دیده‌ها، پنهان می‌کرد. پس از وفات پدرش در ۲۶۰ ه. ق شیعیان به واسطه نواب اربعه، با او ارتباط داشتند. نیابت آنان ۶۹ سال (۲۶۰-۳۲۹ ه. ق) طول کشید.

غیبت کبری، پس از وفات نایب چهارم آغاز شد.

اما بیشتر اهل سنت معتقدند که مهدی هنوز متولد نشده و در آخرالزمان به دنیا می‌آید. برخی از آنان نیز روایت‌هایی نقل می‌کنند که مهدی آخرالزمان، هم نام پیامبر بوده و پدرش هم نام پدر گرامی رسول خدا (عبدالله) است.

دسته‌ای از اهل سنت که تولد حضرت مهدی را پذیرفته‌اند، درباره سال ولادت یا ماه و روز آن و نیز پدر گرامی او، اختلافاتی با شیعه دارند.

برخی از علمای اهل سنت (مانند عبدالله بن محمد مفارقی، ابن طلحه شافعی، دیار بکری و ...) سال ولادت مهدی را ۲۵۸ ه. ق دانسته‌اند؛ ولی علمایی مانند ابن اثیر، ابن عربی، سبط ابن جوزی حنفی، صلاح الدین صفری، ابن صباغ مالکی، ابن حجر مکی همانند شیعه سال ولادت او را ۲۵۵ ه. ق می‌دانند.

درباره ماه و روز ولادت مهدی موعود نیز - علاوه بر نیمه شعبان - ۲۳ رمضان، ۹ ربیع‌الاول، ۸ شعبان و ... اشاره شده است.^{۵۵}

یکی دیگر از اختلافات، درباره تبار و نام پدر مهدی موعود است. برخی از اهل سنت، آن حضرت را از نسل امام حسن علیه السلام و بسیاری او را از نسل امام حسین دانسته‌اند. شماری از دانشمندان سنی - همانند عالمان شیعه - نام پدر مهدی را حسن و آن حضرت را فرزند امام حسن عسکری دانسته‌اند. برخی نیز بر اساس زائده‌ای که در یک حدیث وجود دارد، نام پدر آن حضرت را، همانند نام پدر رسول اکرم صلی الله علیه و آله «عبدالله» دانسته‌اند.

۱-۳. اعتقاد یا اعتراف؛ اعتقاد بنیادین به «اندیشه مهدویت»، شیعه را از سایر مکاتب و مذاهب متمایز می‌کند. شیعه حیات و بالندگی خود را مدیون مهدویت است؛ با آن زندگی و رشد می‌کند؛ نفس می‌کشد؛ امید رستگاری و نجات دارد؛ هدایت و راهنمایی می‌شود و ... شیعه مهدویت را در امتداد «امامت» قرار داده و تمامی مسائل و امور سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی خود را بر اساس آن تفسیر و تبیین می‌کند. از آنجا که امامت در نزد شیعه، امری، ضروری، مداوم و جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشری است؛ لذا نمی‌توان محدودیت و پایانی برای آن قائل شد؛ از این رو «مهدویت» تجلی کامل الگوی «امامت» است.^{۵۶}

به نظر ماربین، مستشرق معروف آلمانی در کتاب **انقلاب بزرگ**، از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم - که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه شده است - همانا اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور او است. حتی اگر آثار

^{۵۵} (۱). ر. ک: فصلنامه انتظار، شماره ۱۱ و ۱۲، مقاله مهدویت و مذاهب اسلامی)، ص ۳۴۰ و ۳۴۱ ..

^{۵۶} (۱). ر. ک: نگارنده، مقاله انتظار و انقلاب، فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۲۸ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
معتقدات مذهبی از بین برود، شیعه دارای آن سرمایه‌ای خواهد بود که شوکت و اقتدار حکومت خود را نگاه خواهد داشت.^{۵۷}

اما اندیشه مهدویت در نزد اهل سنت، بار اعتقادی و عملی خاصی ندارد و تنها اعتراف به روایات و اذعان به ظهور یکی از فرزندان پیامبر - مهدی موعود - در آخرالزمان است. این اعتراف و اقرار، تأثیر خاصی بر عملکرد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اهل سنت ندارد و چشم‌انداز نوینی فرا روی آنان نمی‌گشاید.

حتی بحث «انتظار» و بهره‌مندی از آثار گران مایه این آموزه مثبت، جایگاه برجسته‌ای در نظر و رأی آنان ندارد! متأسفانه روایات متواتر نبوی - که در آثار معتبر اهل سنت وجود دارد - با کم‌توجهی آنان رو به رو شده و به دست فراموشی سپرده شده است!!

نام امام زمان (عج) در قرآن

پرسش ۶. مدتی پیش یکی از بچه‌ها پرسید: چرا با وجود اینکه پیامبران و امامان علیهم السلام همه از به وجود آمدن حکومت حضرت مهدی (عج) خبر داده‌اند

و خدا نیز در قرآن، در برابر چنین مسئله مهمی سکوت نکرده؛ اما چرا نامی (به طور مستقیم) از امام زمان (عج) نبرده است؟! ما در پاسخ آیه «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرَ لَكُمْ» و آیه‌ای که مربوط به جانشینی و خلیفه الهی بشر بر روی زمین و این گونه آیات را آوردیم؛ اما باز گفتند: بر مبنای گفته خود قرآن حضرت مسیح به آسمان رفته و هنوز زنده است و مسیحیان نیز معتقدند که «بَقِيَّةُ اللَّهِ»، همان عیسی مسیح است و سخنانی دیگر که بالاخره هم ایشان سخن ما را نپذیرفتند؛ بدین وسیله می‌خواستم پاسخی که قانع کننده باشد و چون و چرایی نتوان در آن آورد، بیان کنید؟

این پرسش حاوی نکاتی است که مهم‌ترین آن نحوه برداشت از آیات قرآن و استدلال به آن است. کسی که به قرآن استناد می‌جوید، باید احاطه کاملی بر روش تفسیر قرآن، آیات محکم و مشابه، مباحث تاریخی، معارف اعتقادی و ...

داشته باشد؛ آن‌گاه بگوید: چون قرآن گفته: «حضرت عیسی زنده است»؛ پس او همان «بَقِيَّةُ اللَّهِ» است. در حالی که بدون در نظر گرفتن این مسائل و با بی‌توجهی به سایر مفاهیم دینی و برداشت احتمالی (و کاملاً شخصی)؛ نمی‌توان نظری درست و یا شبهه‌ای اساسی ایراد کرد؟! به هر حال در پاسخ به این پرسش و بررسی روش‌های «مفهوم سازی قرآن»، به چند نکته اشاره می‌شود:

یک. تبیین قرآن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله

^{۵۷} (۲). همان، ص ۱۲۹ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
عدم تصریح به خصوصیت و تعداد و نام امامان - از جمله حضرت مهدی - موضوعی استثنایی نیست. قرآن خود متکفل بیان تمام مصادیق و جزئیات فروع معارف و دستورالعمل ها نیست تا عدم تصریح به نام امامان، امری خلاف انتظار و غیر موافق با سبک ویژه قرآن باشد. نماز نمونه خوبی از این قبیل مسائل است.

در بین احکام و دستورات دین، نماز جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد و تأکیدات فراوانی بر اقامه آن شده است:

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي^{۵۸}؛

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ^{۵۹}؛

فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ^{۶۰}؛

أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ^{۶۱} و

اما به راستی آیا در آیات قرآن، نشانی از تعداد رکعت ها و خصوصیات و جزئیات این فریضه، وجود دارد؟

قرآن درباره سایر دستورهای دین (مانند زکات، حج، خمس و ...) نیز از این نظام پیروی کرده است؛ یعنی، تکیه اصلی را بر تثبیت این واجبات گذاشته و بیان جزئیات و خصوصیات دیگر را به «سنت» واگذار کرده است.

همین دغدغه و پاسخ آن، بر زبان ابوبصیر و امام صادق علیه السلام نیز جاری شده است. ابوبصیر درباره آیه ۵۹ سوره نساء أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ^{۵۹} به طرح پرسشی می پردازد. روشن است که تردید درباره «الله» و «الرسول» در میان نبود؛ اما عبارت «اولی الامر» و اجمالی که در آن نهفته است، وی را بر آن داشت تا بپرسد: چرا قرآن نام و مشخصات «اولی الامر» را نبرده است؟ اگر واقعاً حق با شیعه است و مراد از آن، اهل بیت پیامبرند؛ چرا آنان را به نام معرفی نکرد «فماله لم یسم علیاً و اهل بیه»؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله آیه «نماز» نازل شد، خداوند در آن سه رکعت و چهار رکعت [نماز] را نام نبرد تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را شرح داد. آیه زکات نازل شد، خدا نفرمود که باید از چهل درهم، یک درهم داد؛ بلکه رسول خدا آن را شرح کرد. آیه حج نازل شد و به مردم دستور نداد که هفت دور طواف کنند؛ بلکه رسول خدا آن را برای مردم توضیح داد. آیه أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ^{۵۹} درباره علی، حسن و حسین علیه السلام نازل شد و رسول خدا درباره علی علیه السلام فرمود: من به شما

^{۵۸} (۱). طه (۲۰)، آیه ۱۴ ..

^{۵۹} (۲). حج (۲۲)، آیه ۴۱ ..

^{۶۰} (۳). حج (۲۲)، آیه ۷۸ ..

^{۶۱} (۴). هود (۱۱)، آیه ۱۱۴ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
وصیت می کنم درباره کتاب خدا و خاندانم؛ زیرا من از خدای عزوجل خواسته ام میانشان جدایی نیفکند تا آنها را کنار حوض به من رسانند. خدا این خواست مرا برآورد ...»^{۶۲}.

بر اساس این حدیث و بعضی ادله عقلی، وظیفه بیان مصداق ها و موارد و نیز تبیین جزئیات بر عهده پیامبر صلی الله علیه و آله است. این انگاره، شیعه را بر آن

داشت تا بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید ورزد و بر عدم امکان اکتفا به قرآن در تشخیص امور پای فشارد. البته به نظر شیعه، مشروعیت و صحت مندرجات و محتویات «سنت»، از موافقت با قرآن و اصول حاکم بر آن به دست می آید.

سند حجیت و اعتبار روایات، «قرآن» است؛ ولی فهم صحیح معارف و وظایف دینی، بدون مراجعه به سنت نبوی صلی الله علیه و آله و احادیث اهل بیت علیه السلام ممکن نیست.

در اینجا ممکن است سؤال شود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله این معارف و احکام جزئی و تفسیری را از کجا به دست آورده است؟ از آیات قرآن استفاده می شود که جمع و قرائت آیات قرآن و نیز بیان مراد و مقاصد و شرح و تبیین آنها، از ناحیه خدای متعال است: **إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ. فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ. ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ**^{۶۳}؛ «جمع قرآن (کلمات در آیات، آیات در سوره ها و ...) و قرائت قرآن بر عهده ما است و هنگامی که بر تو قرآن را خواندیم، تو [پیامبر] نیز پیروی کن و قرآن را همین گونه بخوان. سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ما است».

بنابراین بیان و تشریح مقاصد آیات هم از ناحیه خداوند است و وسیله وحی دیگری - جز وحی قرآنی - در اختیار پیامبر اکرم قرار می گیرد. قرآن می فرماید:

أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ^{۶۴}؛ «ما بر تو آن را نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند».

بر اساس این آیه، وظیفه تبیین و توضیح آیات قرآن - به خصوص در بیان جزئیات و مصداق ها - بر عهده رسول خدا است و این مسئله، تمام سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینه معارف و دستورالعمل های دینی را شامل می شود.

این توضیحات نشان می دهد عدم ذکر مصداق ها، به نام ائمه اطهار - به ویژه مهدی موعود - اختصاص ندارد و غالب معارف و احکام دینی را شامل می شود.

^{۶۲} (۱). اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ «إِنَّ الرِّسُولَ إِلَيْهِ نَزَّلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَلَمْ يُسَمَّ لَهُمْ ثَلَاثًا وَلَا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ الَّذِي قَسَّرَ لَهُمْ ذَلِكَ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِ ...» ..

^{۶۳} (۱). قیامت (۷۵)، آیات ۱۷ - ۱۹ ..

^{۶۴} (۲). نحل (۱۶)، آیه ۴۴ ..

جزوه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
بنابراین، برای شناخت نام امامان معصوم علیه السلام باید سراغ سنت نبوی رفت؛ همان گونه که در تفسیر و تبیین معارف و فرائض دینی، به آن نیازمندیم.

دو. روش‌های مختلف معرفی شخصیت‌ها

قرآن برای شناساندن شخصیت‌های الهی، از سه راه وارد می‌شود و در موردی طبق مصالحی، از شیوه خاصی پیروی می‌کند:

۱-۲. معرفی با اسم؛ چنان که قرآن در مواردی از پیامبر اسلام، به اسم یاد می‌کند: **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ**^{۶۵}؛ «محمد پیام آوری بیش نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند».

۲-۲. معرفی با عدد؛ یکی از روش‌های قرآن، معرفی با عدد است و لذا «نقباء بنی اسرائیل» را با عدد معرفی کرده است: **لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً**^{۶۶}؛ «خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده مراقب برانگیختیم».

۲-۳. معرفی با صفت؛ یکی دیگر از طرق شناسایی شخصیت‌های الهی، معرفی با صفت است. خداوند متعال در قرآن، کسانی را که باید مسلمانان از آنها اطاعت کنند، با صفت «اولی الامر» معرفی کرده است: **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ**^{۶۷}. پس معرفی با صفات یکی از شیوه‌های صحیح معرفی است که درباره حضرت مهدی (عج) نیز صادق است.^{۶۸}

تأکید بر روش توصیفی

از روش‌های بسیار جالب قرآن، تأکید بر صفات و ویژگی‌ها و عدم اصرار بر ذکر نام اشخاص است. شاید حکمت این روش، توجه دادن امت به صفات و ویژگی‌های خوب و بد در طول زمان است تا بر اساس اوصاف ذکر شده، به شناخت اشخاص و تطبیق صفات بر آنان بپردازند و اهمیت و جایگاه اشخاص را با میزان صفات تجلی یافته، در آنان بسنجند.

روش «بیان توصیفی»، به قرآن، طراوت و تازگی و دوام می‌بخشد؛ زیرا در هر برهه‌ای از زمان، زمینه تطبیق افراد و جوامع بر شاخصه‌های ذکر شده در قرآن فراهم می‌شود و امکان دستیابی به داوری قرآن در مسائل نو و فتنه‌های فردی و اجتماعی تأمین می‌گردد. قرآن کلام فصل است **«أَنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ»** و بین حق و باطل تمیز می‌دهد و راهنمای انسان در فتنه‌ها است؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

^{۶۵} (۱). آل عمران (۳)، آیه ۱۴۴ ..

^{۶۶} (۲). مائده (۵)، آیه ۱۲ ..

^{۶۷} (۳). نساء (۴)، آیه ۵۹ ..

^{۶۸} (۴). برای مطالعه بیشتر ر. ک: جعفر سبحانی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، صص ۱۸۲-۱۸۵ ..

«هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریک، شما را فرا گرفت؛ به قرآن روی آورید». از سوی دیگر، حکومت شایستگان، نیاز همیشگی جوامع دینی است و به بخشی از امت اسلامی و یا قطعه‌ای خاص از تاریخ، اختصاص ندارد.

برای راهنما و فصل الخطاب شدن در گستره‌ای چنین پهناور، بیان شاخصه‌ها، شایستگی‌ها و ویژگی‌های صالحان و مفسدان، حق و باطل، خوب و بد و ... بهترین راه شمرده می‌شود. بدین سبب قرآن - جز در موارد ضروری - از بردن نام مؤمنان، منافقان، حواریون، پادشاهان، مشرکان ... صرف نظر کرده است تا مخاطبان قرآن، به صفات و ویژگی‌ها - نه نام‌ها - توجه کنند و امکان بهره‌گیری‌های نو از قرآن فراهم شود. بنابراین شیعه معتقد است مسلمانان در آیات بسیاری، به ائمه اطهار علیه السلام رهنمون شده‌اند و وظیفه دارند با تطبیق ویژگی‌های یاد شده در قرآن، امام خود را بشناسند و پاسخ نیازهای دینی،

اجتماعی و سیاسی خود را از درگاه آنان جویا شوند. بر اساس همین نکته، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرًا مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَّكَبِ الْفِتْنِ»؛ «هر کس امر ولایت ما را از قرآن به دست نیاورد؛ نمی‌تواند از فتنه‌ها مصون بماند».

از این روایت به دست می‌آید که امر ولایت اهل بیت علیه السلام - به خصوص امامت حضرت مهدی و تشکیل حکومت جهانی به دست او - در قرآن وجود دارد و توصیفات موجود در قرآن، ما را به این امر رهنمون می‌شود. در زمینه ظهور و قیام آن حضرت و جامعه آرمانی مهدوی، می‌توان توصیفات و اشارات زیر را از قرآن به دست آورد:

۱. غلبه نهایی حق بر باطل و شکست جبهه کفر و فساد و نفاق^{۶۹}؛

۲. جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی زمین و حاکمیت صالحان و نیکان^{۷۰}؛

۳. گسترش و فراگیری دین حق در برهه‌ای خاص از زمان^{۷۱}؛

۴. از آن روز موعود، تحت عناوین ایام الله^{۷۲}، وقت معلوم^{۷۳}، روز نصرت و پیروزی^{۷۴} و طلوع فجر و سلامتی^{۷۵} و ... یاد شده است؛

۵. در آیاتی از آن حضرت با نام‌های نعمت باطنی^{۷۶}، بقیه الله^{۷۷}، کلمه باقیه^{۷۸}،

^{۶۹} (۱). ر. ک: اسراء (۱۷)، آیه ۸۱ ..

^{۷۰} (۲). قصص (۲۸)، آیه ۵، انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵ ..

^{۷۱} (۳). توبه (۹)، آیه ۲۳ ..

^{۷۲} (۴). ر. ک: جائیه (۴۵)، آیه ۱۴، ابراهیم (۱۴)، آیه ۵ ..

^{۷۳} (۵). ر. ک: حجر (۱۵)، آیات ۳۶ - ۳۸ ..

^{۷۴} (۶). عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۰ ..

^{۷۵} (۷). قدر (۹۷)، آیه ۵۰ ..

^{۷۶} (۸). لقمان (۳۱)، آیه ۲۰ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
اولی الامر^{۷۹}؛ مهتدون^{۸۰} (مهدی)؛ اقامه کننده نماز^{۸۱}، مضطر^{۸۲}، جنب الله^{۸۳}، حزب الله^{۸۴}، فجر^{۸۵}، «نهار اذا تجلی»^{۸۶} و ... نام برده است.

۶. خداوند، [با مهدی موعود]، نور خود را کامل می کند^{۸۷}؛

۷. در آن عصر، زمین بعد از مرگش، زنده می شود^{۸۸}؛

۸. او منصور از جانب خدا و انتقام گیرنده از دشمنان است^{۸۹}؛

۹. زمین، به نور پروردگار، روشن خواهد شد^{۹۰}؛

۱۰. در روز پیروزی، ایمان آوردن کافران، سودی به حالشان نخواهد داشت^{۹۱}؛

۱۱. هر چه در روی زمین است، تسلیم و مطاع او خواهند شد^{۹۲}؛

۱۲. حضرت مهدی **يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ** است^{۹۳}؛

۱۳. او تأمین کننده امنیت و آرامش در روی زمین است^{۹۴}.

حکمت بیان اوصاف

نتیجه اینکه اگر نام حضرت مهدی (عج) در قرآن نیست؛ ولی صفات و خصوصیات حکومت او در قرآن وارد شده است. اصولاً قرآن در معرفی افراد، مصالح عالی را در نظر می گیرد. گاهی مصالح ایجاب می کند که افراد را با نام معرفی کند

^{۷۷} (۹). هود (۱۱)، آیه ۸۶ ..

^{۷۸} (۱۰). زخرف (۴۳)، آیه ۲۸ ..

^{۷۹} (۱). نساء (۴)، آیه ۵۹ ..

^{۸۰} (۲). بقره (۲)، آیه ۹ ..

^{۸۱} (۳). حج (۲۲)، آیه ۴۱ ..

^{۸۲} (۴). نمل (۲۷)، آیه ۶۲ ..

^{۸۳} (۵). زمر (۳۹)، آیه ۵۶ ..

^{۸۴} (۶). هود (۱۱)، آیه ۸۶ ..

^{۸۵} (۷). فجر (۸۹)، آیه ۱ ..

^{۸۶} (۸). لیل (۹۲)، آیه ۲ ..

^{۸۷} (۹). صف (۶۱)، آیه ۸ ..

^{۸۸} (۱۰). حدید (۵۷)، آیه ۱۷ ..

^{۸۹} (۱۱). شوری (۴۲)، آیه ۴۱ ..

^{۹۰} (۱۲). زمر (۳۹)، آیه ۶۹ ..

^{۹۱} (۱۳). سجده (۳۲)، آیه ۲۹ ..

^{۹۲} (۱۴). آل عمران (۳)، آیه ۸ ..

^{۹۳} (۱۵). نور (۲۴)، آیه ۳۵ ..

^{۹۴} (۱۶). همان، آیه ۵۵ ..

جزوه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
و گاهی مصالح ایجاب می‌کند که تنها به صفات افراد بپردازد. این مسئله درباره حضرت مهدی (عج) بدین جهات است:

یکم. تشکیل چنین حکومتی در مواردی، صریحاً و در موارد دیگر، به طور اشاره در قرآن وارد شده است. آیاتی که در سوره «توبه» و «صف» از انتشار و گسترش اسلام در سطح جهانی نوید می‌دهد؛ مانند **لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ** اشاره به تشکیل این حکومت است؛ زیرا به تصریح مفسران، مضمون این آیه - که پیشگویی از گسترش فراگیر و همه جانبه اسلام در سطح جهان است - هنوز تحقق نیذیرفته است.

دوم. اگر نام امام زمان را نبرده، به جهت مصلحتی است که برای اهل فضل و درک مخفی نیست؛ زیرا به همان علت که نام علی علیه السلام را نبرده، نام آن حضرت را نیز ذکر نکرده است. اگر نام این پیشوایان گرامی را می‌برد، کینه‌های دیرینه بدر واحد و حنین، بار دیگر زنده می‌شد و لذا مطلب را به صورت کلی مطرح کرده و فرموده است: **أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**^{۹۵}؛ بردن نام گذشتگان، (مانند لقمان و ذی‌القرنین) قابل قیاس با افراد آینده نیست. درباره گذشتگان حسدها و کینه‌ها تحریک نمی‌گردد و افراد سودجو و شهرت طلب، نمی‌توانند از آن سوء استفاده کنند؛ ولی بردن نام آیندگان، این محذور را دارد^{۹۶}.

حال این سؤال مطرح می‌شود که: آیا ذکر نام، دردی را دوا می‌کند؟

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اگر هم در قرآن، به صراحت نام آن حضرت برده می‌شد، باز در طول تاریخ، شیادان و مدعیان دروغین مهدویت، پیدا می‌شدند و نام خود را امام زمان می‌گذاشتند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و از انتظار مردم، استفاده نادرست کنند.

بر این اساس، شیوه قرآن مجید در رابطه با ائمه هدی علیه السلام، این است که به معرفی شخصیت «ممتاز» و برجستگی‌های آنان بپردازد؛ نه معرفی شخص.

این نحوه بیان در مورد حضرت مهدی، گسترده‌تر و شفاف‌تر است. چون به ویژگی‌های رفتاری آن حضرت و جامعه موعود نیز اشاره می‌کند.

این خصوصیات و پیش‌بینی‌ها تاکنون تحقق نیافته و بر اساس روایات، تنها به دست مهدی (از فرزندان رسول خدا و فاطمه زهرا) تحقق خواهد یافت.

به هر حال معرفی شخصیت و ویژگی‌ها، زمینه‌ساز پذیرش معقول و دور کننده از تبعیت و پیروی کورکورانه است. این روش - به ویژه در شرایطی که شخص از جهاتی تحت تبلیغات سوء قرار گرفته یا جامعه به هر دلیلی آمادگی پذیرش وی را نداشته باشد - بهترین روش است. این مسئله در مورد حضرت مهدی (عج) صادق است.

^{۹۵} (۱). انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵ ..

^{۹۶} (۲). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۱۸۵ ..

بحث بعدی در رابطه با این سؤال است که آیا صفات مذکور در قرآن (مانند بقیة الله) می تواند در مورد حضرت عیسی صادق باشد؟ به یقین چنین نیست؛ چون هیچ دلیل و شاهد روایی معتبری بر این نیست. تنها در روایت ضعیفی از

اهل سنت نقل شده که: «لا مهدی الا عیسی»^{۹۷}. توضیح آنکه برخی از خاورشناسان یا دیگر منکران ظهور حضرت مهدی (عج)، به حدیثی از محمد بن خالد جندی متوسل می شوند که مهدی موعود را همان پیامبر خدا حضرت عیسی بن مریم دانسته است. در این باره بد نیست بدانیم که هیچ دانشمندی از جهان اسلام، دیده نشده که متعرض این حدیث شده و آن را مورد تمسخر و انتقاد شدید قرار نداده باشد؛ یعنی، این روایت بالاتفاق رد شده و پذیرفته نشده است.

بیان بطلان و ردّ این حدیث نیازمند تلاش و کوشش نیست؛ چون با تمام احادیث صحیح و متواتر مخالف است (به خصوص روایاتی که می گوید: مهدی، از فرزندان رسول خدا و فاطمه علیها السلام است). اگر قرار باشد به آنچه روایت می شود- به همه اختلاف ها و گوناگون بودن آنها- استدلال شود؛ در این صورت علم رجال و فن درایه، دانشی لغو و بیهوده خواهد بود ... به هر حال در علم رجال، محمد بن خالد (راوی حدیث)، در زمره افراد دروغ پرداز و مجهول معرفی شده است. حدیث «لا مهدی الا عیسی» فقط در سنن ابن ماجه و تنها از این راوی نقل شده است!!

ذهبی (از علمای اهل سنت) گوید: «ازدی گفته است: [این روایت] حدیث منکر و نادرستی است و ابو عبدالله حاکم گفته: ناشناخته و مجهول است. من می گویم: «لا مهدی الا عیسی بن مریم» حدیثی نادرست است که ابن ماجه نقل کرده است»^{۹۸}.

قرطبی هم می گوید: «و گفته اش «ولا مهدی الا عیسی»، با احادیث این باب تعارض دارد ... حدیث های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله در نصّ بر خروج مهدی از

خاندانش و فرزند فاطمه، ثابت و صحیح تر از این حدیث است. پس باید بر اساس آنها قضاوت کرد، نه این یک روایت»^{۹۹} و

به هر حال از نظر علم رجال و درایه، این حدیث مردود است و با سایر احادیث معتبر و متواتر، تضاد دارد و از درجه اعتبار ساقط است^{۱۰۰}. به غیر از این روایت، هیچ کس ادعا نکرده است که مهدی، همان عیسی بن مریم است و آن گاه نتیجه گرفته شود که: «بقیة الله» همان عیسی است!!

^{۹۷} (۱). سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۰، ح ۴۰۳۹ ..

^{۹۸} (۲). میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۳۵ ..

^{۹۹} (۱). التذکره، ج ۲، ص ۷۰۱ ..

^{۱۰۰} (۲). ر. ک: سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۲۲۴ - ۲۳۰ ..

قرآن در سوره «هود» می‌فرماید: **بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**^{۱۰۱}؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گذاشته [از سرمایه‌های حلال]، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «این آیه، اولین آیه‌ای است که قائم (عج) آن را تلاوت می‌کند و سپس می‌گوید: من بقیة الله و حجت خدا و نماینده او در زمین بر شما (مردم) هستم. [مردم به سوی او می‌آیند و بر او سلام می‌کنند] و نحوه سلامشان نیز چنین است: **«السلام عليك يا بقیة الله في ارضه»**^{۱۰۲}.

امام صادق علیه السلام نیز به مردی فرمود که چنین به حضرت قائم سلام کند: **«السلام عليك يا بقیة الله»**. سپس آن حضرت این آیه را قرائت فرمود: **«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ ان كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»**^{۱۰۳}.

بر اساس این روایات، «بقیة الله» کسی به جز حضرت مهدی (عج) نیست و ربط دادن آن به «حضرت عیسی» بی پایه و نادرست است. اصولاً مسیحیان،

حضرت عیسی را «بقیة الله» - به آن معنایی که ما در نظر داریم - نمی‌دانند؛ بلکه او را خدا (خدای پسر یا پسر خدا) می‌دانند!! در حالی که «بقیة الله» به معنای باقی مانده و ذخیره خداوند است و مصداقی جز «حجة بن الحسن العسکری» ندارد.

ظهور عیسی علیه السلام

مسلمانان و مسیحیان، هر دو به ظهور عیسی مسیح علیه السلام در آخرالزمان اعتقاد دارند. پس اصل ظهور و بازگشت آن حضرت مورد پذیرش است؛ اما بر اساس روایات معتبر، حضرت عیسی علیه السلام پس از قیام و ظهور امام مهدی (عج) ظهور کرده و تحت فرمان و رهبری او خواهد بود. در واقع یکی از یاران و وزیران امام مهدی (عج) و فرمانده قسمتی از سپاه آن حضرت، عیسی علیه السلام است.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرماید: «مهدی متوجه می‌شود که عیسی در قدس (در نزدیکی مناره بیضاء) فرود آمده است؛ در حالی که دست‌های خود را بر بال‌های دو فرشته نهاده، آب از موهایش فرو می‌چکد. پس [امام] مهدی می‌گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی می‌گوید: نماز برای تو اقامه شده است. پس عیسی پشت سر او نماز می‌خواند و با او بیعت می‌کند و می‌گوید:

من به عنوان وزیر و معاون برانگیخته شده‌ام، نه به عنوان امیر و امام»^{۱۰۴}.

^{۱۰۱} (۳). هود (۱۱)، آیه ۸۶ ..

^{۱۰۲} (۴). تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۶۸، المهدی الموعود عند علماء اهل السنة، ص ۱۳۱ ..

^{۱۰۳} (۵). تفسیر فرات الکوفی، ص ۶۳؛ کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲ ..

^{۱۰۴} (۱). الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۲۲؛ یوم الخلاص، ج ۱، ص ۵۵۳ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنین می فرماید: «مهدی از نسل من است؛ وقتی خروج می کند، عیسی بن مریم برای یاری اش فرود می آید، او (مهدی) را پیش رو قرار داده، پشت سرش اقتدا می کند»^{۱۰۵}.

در روایت دیگری آمده است: «عیسی، وزیر قائم (عج) و پرده دار و جانشین آن حضرت است. به کرامت [و دستور] حضرت حجت، امنیت را بر شرق و غرب عالم گسترش می دهد»^{۱۰۶}.

نتیجه این مباحث آن است که به یقین آن منجی موعود- که مورد بشارت همه مکاتب و ادیان است و پیامبر اسلام نیز بارها به آن اشاره فرموده- حضرت مهدی (عج) است. و بقیه الله نیز کسی جز او نیست.

چرایی شناخت امام!

پرسش ۷. اصلاً چرا باید امام زمان را بشناسیم و شناخت کافی از او داشته باشیم؟

شناخت، زمینه ساز اعتقاد و ایمان و در نتیجه عمل و تعهد است. چه زیبا فرموده است امیر بیان حضرت علی علیه السلام که: «انَّ قِیمَةَ کُلِّ امری و قدره معرفته»^{۱۰۷}؛ «ارزش و منزلت هر کسی [به اندازه] معرفت او است».

در قرآن و احادیث، شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار بوده و امری واجب برای هر شخص مؤمن و متدین دانسته شده است و شناخت امام، پیوندی ناگسستنی با معرفت خدا و پیامبر دارد و زمینه ساز بینش عمیق در دین و منش درست و پسندیده در زندگی است. «امام»، پیشوا، راهنما و راهبر انسان ها به سوی تکامل و تعالی و حجت و خلیفه خدا بر روی زمین است. «امام»، انسان کامل، برگزیده خالق، معصوم و پاک سرشت و واسطه فیض الهی است و مقامی بس والا در میان آفریده های خداوند دارد. «امام» طریق وصول به «حقیقت» و مبین و مفسر «شریعت» است و ... همان گونه که اطاعت و تبعیت از امام و دوستی او، بایسته و واجب است، شناخت شخصیت و ویژگی های او نیز ضروری است. در روایات و نصوص معتبر دینی نیز، سفارش خاصی به شناخت «امام» شده است.

در یکی از روایات مشهور شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«مَنْ مات ولم یعرف امام زمانه، ماتَ میتةً جاهلیَّةً»^{۱۰۸}؛ «هر کسی بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی مرده است».

امام صادق علیه السلام این جاهلیت را چنین معرفی می کند: «جاهلیة کفر و نفاق و ضلال»^{۱۰۹}.

^{۱۰۵} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۵، ح ۲۵۵؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷ ..

^{۱۰۶} (۱). معجم الاحادیث المهدی، ج ۱، ص ۵۳۰؛ حلیة الابرار، ج ۲، ص ۶۲۰ ..

^{۱۰۷} (۲). بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۴ ..

^{۱۰۸} (۱). الغدير، ج ۱۰، ص ۳۶۰؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۸۴۰؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۳۵ ..

^{۱۰۹} (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۳ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
با توجه به این روایات، اهمیت شناخت امام زمان (عج) را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

یک. شرط اسلام واقعی

بر اساس روایات مختلف (از جمله حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة»)، معرفت امام عصر، شرط اسلام است و اگر کسی بدون شناخت امام از دنیا برود، گویا از اسلام واقعی و اصیل بی بهره بوده است.
پس شناخت امام زمان، آن گاه می تواند انسان را از مرگ جاهلی دور کند که بتواند به دستورات او پاینده بوده و از ارشادات و هدایت های او بهره مند شود.

دو. رسیدن به هدایت واقعی

شناخت امام عصر علیه السلام، چراغ هدایت و رمز دین داری است و نتیجه آن، دستیابی به صراط مستقیم، خداشناسی، حق شناسی و راه کمال و سعادت است.

یکی از دعا های مهم در عصر غیبت، این دعا است که می گوئیم: «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تُعرفنی نفسک لم اعرف رسولک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تُعرفنی رسولک لم اعرف حجّک؛ اللهم عرفنی حجّک فانک ان لم تُعرفنی حجّک ضللت عن دینی»^{۱۱۰}؛ «خداوندا! خود را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خداوندا! رسولت را به من بشناسان که اگر رسول خود را، به من نشناسانی، حجّت را نخواهم شناخت. خداوندا! حجّت خودت را به من بشناسان که اگر حجّت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد». سه. رسیدن به ثواب یاری او

بر اساس بعضی از روایات، شناخت امام زمان (عج) و باور قلبی به او، باعث نزدیکی هر چه بیشتر انسان به او می شود. اگر با این معرفت از دنیا برود، از پاداش های بیشماری برخوردار خواهد شد که یکی از آنها درک ثواب یاری امام عصر علیه السلام در زمان ظهور است؛ یعنی، چنین شخصی، همچون کسی است که در لشکر آن حضرت بوده و یا زیر

پرسش ۸. نحوه ولادت حضرت مهدی (عج) در روایات اسلامی چگونه است؟

با توجّه به اینکه از سال ۲۴۲ ه. ق جنگی بین رومیان و عباسیان اتفاق نیفتاده، چطور مادر امام زمان، نوه پادشاه روم هستند، در حالی که اصلاً جنگی اتفاق نیفتاده بود تا ایشان اسیر شوند!!

یک. نحوه ولادت

^{۱۱۰} (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۳ ..

ولادت بزرگ مردی از تبار آخرین پیامبر خدا، یکی از نقطه های درخشان تاریخ و مهم ترین بحث درون دینی است. باید دانست که روایات مربوط به او، به صراحت می گوید: امام مهدی (عج)، نهمین فرزند حسین بن علی است.

بدین معنا که حضرت سجاد، نخستین فرزند امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام دومین فرزند و فرزندزاده آن حضرت است و ... بر این اساس امام حسن عسکری علیه السلام، پدر گرامی حضرت مهدی (عج)، هشتمین فرزند امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی (عج)، نهمین فرزند از نسل سیدالشهدا علیه السلام است. بر اساس ده ها روایت و شواهد تاریخی و گفتار مورخان، نسب شناسان و محدثان، حضرت مهدی (عج)، بدون شک در زمان پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام، تولّد یافته و دنیا را به نور وجود خویش روشن ساخته است. آن حضرت در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق در زمان حکومت معتمد عباسی، در سامرا متولّد شد و این مسئله را جز عده ای خاص نمی دانستند و برای نوع مردم پنهان بود تا مبدا مورد گزند دژخیمان عباسی و خصم بدنهاد قرار گیرد!! در روایات، به ولادت پنهانی آن حضرت اشاره شده بود: «يُخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلادَتُهُ وَ لَا يَحِلُّ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يُظْهَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»^{۱۱۱}؛ «ولادتش بر مردم پوشیده می ماند و بردن نامش تا روزی که خداوند فرمان ظهورش دهد، روا نیست».

خبر و نحوه ولادت امام زمان (عج)

موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه فرزند امام موسی کاظم علیه السلام می گوید:

«حکیمه دختر امام جواد علیه السلام گفت: امام حسن عسکری علیه السلام کسی را به دنبال من فرستاد؛ وقتی به خدمتش رسیدم، فرمود: عصر امشب افطار نزد ما بمان؛ امشب شب نیمه شعبان است و خداوند امشب، حجّتش را ظاهر خواهد فرمود. او حجّت خدا در زمین است. حکیمه گفت: عرض کردم: مادرش کیست؟

فرمود: نرجس؛ گفتم: قربانت شوم، اثری از حمل در او نمی بینم! فرمود: همان است که گفتم.

حکیمه گوید: به منزل مولا وارد شدم، سلام کردم و نشستم. نرجس جلو آمد تا کفش مرا از پایم در آورد، به من گفت: سرورم حالت چطور است؟ گفتم: به عکس، تو سرور من و سرور خاندانم هستی. نرجس حرف مرا رد کرد و گفت: این چه حرفی است عمه؟! به او گفتم: دختر عزیزم! خداوند امشب به تو پسری عطا خواهد کرد که آقا و سرور دنیا و آخرت است. نرجس با اظهار حیا و خجالت نشست.

حکیمه گفت: وقتی نماز عشا را خواندم، افطار کردم و به رختخواب رفتم؛ خوابم برد. نیمه شب برای نماز برخاستم، نمازم تمام شد؛ دیدم نرجس خوابیده و هیچ تغییری در وضع او ایجاد نشده است. نشستم و به تعقیبات مشغول شدم؛ باز دراز کشیدم و دوباره با نگرانی بیدار شدم، نرجس خوابیده بود که بلند شد و نماز خواند.

^{۱۱۱} (۱). امام کاظم علیه السلام: بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۲ ..

حکیمه گوید: دچار تردید شدم، ناگاه صدای امام حسن عسکری علیه السلام از همان محلی که نشسته بود، بلند شد که: «ای عمه! شتاب مکن، نزدیک است». پس سوره «سجده» و «یس» را خواندم؛ در همین اثنا نرجس به نگرانی بیدار شد، به سوی او از جا پریدم و گفتم: «اِسْمُ اللَّهِ عَلَیکَ» و سپس گفتم: آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری عمه! گفتم: خیالت راحت و دلت آرام باشد، همان است که گفتم.

مرا رخوت و آرامش فرا گرفت و به نرجس حالت ولادت دست داد، با احساس وجود مولایم (مهدی علیه السلام) به خود آمدم، پارچه را از رویش کنار زدم، دیدم اعضای هفتگانه را بر زمین نهاده، سجده می کند. او را در بغل گرفته، به خود چسباندم. پاک و پاکیزه بود. بلافاصله امام عسکری علیه السلام صدایم زد:

«عمه! پسر مرا بیاور». او را به نزدش بردم، امام دو دست خود را زیر بدن و پشت نوزاد نهاد و دو پای او را روی سینه خویش گذاشت. زبانش را در دهان طفل فرو برد، دست خود را بر چشم و گوش و اعضای فرزند کشید.

سپس فرمود: «فرزندم! سخن بگو؛ نوزاد گفت: «اشهد ان لا اله الا اله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً رسول الله». آن گاه بر امیرمؤمنان و سایر امامان درود فرستاد و بعد از سلام بر پدرش، سکوت کرد. امام عسکری علیه السلام فرمود: طفل را نزد مادرش ببر تا به او سلام کند؛ آن گاه نزد من برگردان. طفل را پیش مادرش بردم، سلام کرد؛ او را برگرداندم و همان جا که پدرش نشسته بود، گذاشتم.

سپس امام فرمود: عمه روز هفتم باز نزد ما بیا. حکیمه گوید: صبح شد، آمدم به امام عسکری علیه السلام سلام عرض کنم، پارچه را برداشتم و دنبال مولایم (مهدی) گشتم؛ او را ندیدم. به امام علیه السلام عرض کردم:

فدایت شوم! مولایم چه شد؟ فرمود: عمه او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی، فرزندش را به او سپرد.

روز هفتم که شد، به منزل امام شرفیاب شدم، سلام کردم و نشستم.

فرمود: پسر مرا بیاور. مولایم را که پارچه ای به دورش پیچیده شده بود، نزد او آوردم. مثل دفعه پیش، او را گرفت، زبان خود را در دهانش فرو برد؛ مثل اینکه شیر و عسل به او می خوراند؛ سپس فرمود: پسر مرا سخن بگو:

طفل گفت: «اشهد ان لا اله الا الله» و بر پیامبر، امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام تا پدرش درود فرستاد و مدح نمود. و سپس آیه ۵ و ۶ سوره «قصص» را تلاوت کرد: وَ نُرِيدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتَضَعُّوْا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَیْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ. وَ نَمَكِّنْ لَهُمْ فِی الْاَرْضِ وَ نُرِیْ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا یَحْذَرُونَ^{۱۱۲}.

در نهایت امام عسکری علیه السلام به عمه اش حکیمه خاتون فرمود:

^{۱۱۲} (۱). بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲، ح ۳؛ برای مطالعه روایات مربوط به تولد حضرت مهدی ر. ک: کتاب الغیبه صغری، ص ۲۳۷؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۴۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ منتخب الاثر، ص ۳۲۱-۳۲۴..

«عمه جان! هنگامی که من از دنیا رفتم و شیعیانم دچار اختلاف شدند، به افراد مورد اعتماد از آنها، داستان ولادت [مهدی] را بازگویی؛ لیکن باید این داستان پیش تو و آنها پوشیده و مخفی بماند که خداوند وّلی خودش را از دیدگان مردم غایب خواهد کرد و از بندگان مکتوم نگه خواهد داشت. کسی او را نخواهد دید تا روزی که جبرئیل رکاب اسبش را برای او بگیرد تا خداوند کاری را که شدنی است، انجام دهد ...»^{۱۱۳}.

دو. داستان مادر حضرت مهدی (عج)

حکایت نرجس خاتون و ازدواج او با امام حسن عسکری علیه السلام، یکی از شگفتی‌های تاریخ و معجزه‌های خاندان وحی است که در منابع مختلفی آمده است^{۱۱۴}. نرجس، نام‌های دیگری نیز چون سوسن، صیقل و ملیکه داشت. او دختر «یوشعا» پسر قیصر روم و از نوادگان «شمعون» یکی از حواریون مسیح علیه السلام بود که به طریقی معجزه‌آسا از سوی خداوند برای همسری امام یازدهم برگزیده شد.

خلاصه داستان چنین است:

هنگامی که نرجس در روم بود، خواب‌های شگفت‌انگیزی دید. یک بار خواب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت عیسی علیه السلام را دید که او را به عقد ازدواج حضرت حسن عسکری علیه السلام در آوردند. در خواب دیگری، شگفتی‌های دیگری دید و به دعوت حضرت فاطمه علیها السلام، مسلمان شد. وی اسلام خود را از خانواده و اطرافیان خویش پنهان می‌داشت تا آن‌گاه که میان مسلمانان و رومیان جنگ در گرفت و قیصر خود به همراه لشکر، روانه جبهه‌های جنگ شد. نرجس در خواب فرمان یافت که به طور ناشناس، همراه کنیزان و خدمت‌کاران، به دنبال سپاهی برود که رهسپار مرز هستند. او چنین کرد و در مرز، برخی از طلایه‌داران سپاه اسلام، آنان را اسیر ساختند و بی‌آنکه بدانند او از خانواده قیصر است، او را همراه سایر اسیران به بغداد بردند.

این واقعه در اواخر دوران امامت حضرت هادی علیه السلام روی داد. کارگزار آن حضرت، نامه‌ای را که امام هادی به زبان رومی نوشته بود، در بغداد به نرجس رساند و او را از برده‌فروشی خریداری کرد و به سامرا نزد امام هادی علیه السلام برد.

آن حضرت، آنچه را نرجس در خواب‌های خود دیده بود، به او یادآوری کرد و بشارت داد که او همسر امام حسن عسکری علیه السلام و مادر فرزندی خواهد بود که بر سراسر جهان متولی می‌شود و زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد. آن‌گاه امام هادی علیه السلام نرجس را به خواهر خود حکیمه - که از بانوان بزرگوار خاندان امامت بود -

^{۱۱۳} (۱). شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۴۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۹ ..

^{۱۱۴} (۲). برای مطالعه در این زمینه ر. ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱؛ دلائل الامامة، ص ۲۶۲؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۰۸، ح ۱۷۸؛ مناقب آل ابی طالب،

ج ۴، ص ۴۴؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶ و ...

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
سپرد تا آداب اسلامی و احکام را به او بیاموزد و مدتی بعد نرجس به همسری امام حسن عسکری علیه السلام درآمد^{۱۱۵}.

اینکه در سؤال آمده است «بعد از سال ۲۴۲ ه. ق جنگی بین رومیان و عباسیان روی نداده است»، صحیح نیست؛ بلکه در سال ۲۴۱ و پیش از آن و پس از آن، بین عباسیان و رومیان بارها جنگ و تبادل اسیر روی داده است^{۱۱۶}.

در کتاب **تاریخ العرب و الروم** آمده است: در سال ۲۴۷ ه. ق جنگ‌هایی بین مسلمانان و رومیان در گرفت و غنایم بسیاری به چنگ مسلمانان افتاد.

در سال ۲۴۸ ه. ق نیز یکی از سرداران سپاه اسلام (بلکاجور)، با رومیان جنگید و طی آن بسیاری از اشراف روم اسیر شدند^{۱۱۷}.

پرسش ۹. با توجه به اهمیت ولادت مهدی موعود و لزوم روی آوردن مردم به آن حضرت و اطلاع از تولد او؛ چرا این امر پنهانی صورت گرفت؟

اصولاً چه دلیلی به «مخفی بودن» ولادت مهدی (عج) در دست هست؟

ابتدا گفتنی است که پیشوایان معصوم ما، مخفی بودن ولادت مهدی، را پیش گویی کرده و در این رابطه مسلمانان را آگاه ساخته بودند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «انظروا من تخفی علی الناس ولادته فهو صاحبکم»^{۱۱۸}؛ «بنگرید آن کس که ولادتش بر مردم پنهان است؛ همو صاحب شما است».

و نیز فرمود: «همانا قائم آن کسی است که تولدش از مردم مخفی است»^{۱۱۹}.

پیش‌تر امام سجاد علیه السلام فرموده بود: «ولادت امام قائم، بر مردم مخفی است؛ به طوری که می‌گویند: متولد نشده است. بنابراین در حالی ظهور می‌کند که در گرو بیعت هیچ کس نیست»^{۱۲۰، ۱۲۱}.

^{۱۱۵} (۱). صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۲۳؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۴۰ و ۴۱۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۴-۱۲۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۳۶۳-۳۶۵؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶-۱۰ و ...

^{۱۱۶} (۲). برای مطالعه بیشتر ر. ک: تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۸۷ ..

^{۱۱۷} (۳). پیشوای دهم حضرت امام حجة بن الحسن المهدی، ص ۲۶ و ۲۷ ..

^{۱۱۸} (۱). کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۶۷ ..

^{۱۱۹} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، ح ۷۵۱ ..

^{۱۲۰} (۳). همان، ص ۴۶۶، ح ۱۲۶ ..

^{۱۲۱} رحیم کارگر، دفتر بیست و هفتم (مهدویت) (پیش از ظهور)، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: هشتم، ۱۳۹۰.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید: «... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غَلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْمَوْلُود»^{۱۲۲}؛ «... تا اینکه خداوند جوانی از ما را برانگیزد که دارای ولادت پنهانی است ...». و ده ها روایت دیگر که بر حتمی بودن «خفای ولادت مهدی» و ضرورت آن دلالت دارند. در این رابطه توجه به چند نکته بایسته است:

یک. مصون ماندن از خطر مرگ

خلفای بنی عباس از طریق روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرين عليهم السلام نقل شده بود، می دانستند که دوازدهمین امام، همان مهدی (عج) است که زمین را پر از عدل و داد می کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می کوبد و دولت جبّاران را سرنگون می سازد و طاغوتیان را به قتل می رساند و خود امیر مشرق و مغرب جهان می شود.

آنان چون این مسئله را می دانستند، در صدد بودند تا نور الهی را خاموش کنند و آن امام همام را به قتل رسانند. از این رو جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند و حتی قابله هایی را مأمور کردند تا درون خانه امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند؛ لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خداوند به اراده خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت.

شیخ مفید (ره) در این رابطه می نویسد: «به دلیل مشکلات آن دوران و جست و جوی شدید سلطان وقت و کوشش بی امان برای یافتن آخرین حجت خدا، ولادت آن حضرت بر همگان، مخفی ماند»^{۱۲۳}.

تلاش بی وقفه بنی عباس برای یافتن فرزندی از امام یازدهم، در بیشتر منابع تاریخی گزارش شده است. مورخان گفته اند: معتمد عباسی، به قابله ها دستور داده بود تا وقت و بی وقت، سرزده، وارد خانه سادات شوند؛ به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام و در درون خانه بگردند و تفتیش کنند و از حال همسر او با خبر گردند و گزارش دهند. اما آنان از هیچ چیز آگاه نگشتند. احمد بن عبیدالله بن خاقان - که کار خراج قم را بر عهده داشته - درباره موضوع کاوش، به امام حسن عسکری علیه السلام چنین گزارش کرده است: «وقتی خبر بیماری امام عسکری علیه السلام شایع شد، خلیفه به دنبال پدرم فرستاد. او به دارالخلافه رفت و همراه پنج تن از کارمندان نزدیک خلیفه - که از معتمدان بودند - بازگشت.

پدرم به آنان دستور داد تا خانه امام را در کنترل خود گرفته و لحظه به لحظه از احوال و اخبار وی اطلاع داشته باشند؛ آن گاه برخی از طبیبان را فرا خواند، و دستور داد شبانه روز بر بالین امام حضور داشته باشند. پس از دو یا سه روز به او اطلاع دادند که امام ضعیف تر شده است و او دستور داد، طبیبان بر مراقبت های خود بیفزایند؛ آن گاه پیش قاضی القضاة رفت و از او خواست ده نفر از معتمدان خود را - که از نظر دین و ورع، کاملاً به آنان اطمینان دارد - به منزل امام عسکری بفرستد که شبانه روز در آنجا باشند. این وضع ادامه داشت تا آنکه امام وفات کرد. پس از این

^{۱۲۲} (۴). کافی، ج ۱، ص ۳۴۱ ..

^{۱۲۳} (۱). الارشاد، ص ۳۴۵ ..

حادثه، خانه امام عسکری علیه السلام، به دستور خلیفه بررسی دقیق شد و همه چیز مهر و موم گردید و پس از آن، تلاش های پی گیرانه ای برای یافتن فرزندی از آن حضرت آغاز شد. حتی کنیزان امام نیز تحت نظر قرار گرفتند تا معلوم شود کدام یک از آنها باردار است. یکی از آنان را - که احتمال حمل درباره اش می رفت - در حجره ای تحت مراقبت قرار دادند تا وقتی که باردار نبودن وی مسلم شد. آن گاه میراث امام را میان مادر و برادرش جعفر تقسیم کردند ...»^{۱۲۴}. به طور مسلم، چنین حساسیت شدیدی از طرف دستگاه خلافت، بدان سبب بود تا گذشته از کنترل امام یازدهم، در صورت عدم دسترسی به او (و یا فرزندش مهدی)؛ دست کم بتوانند اعلام کنند که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است.

دو. اقدامات امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام، خود از پیش گویی ها آگاه بود و اهمیت و عظمت آن مولود را به درستی می دانست و از حساسیت دشمنان درباره تولد این نوزاد، غافل نبود. اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را نیز کاملاً می شناخت؛ از این رو به گونه ای مقدمات و پیش زمینه های ولادت فرزندش را فراهم ساخت که نه تنها دشمنان؛ بلکه بسیاری از دوستان هم از این امر آگاه نشدند.

امام حسن عسکری علیه السلام خود درباره فلسفه «خفای ولادت فرزندش» مهدی (عج) چنین می فرماید: «بنی امیه و بنی عباس» به دو علت بر روی ما شمشیر کشیدند:

نخست اینکه می دانستند در خلافت، هیچ حقی ندارند و می ترسیدند که ما ادعای خلافت کنیم و خلافت به محل اصلی خودش برگردد. دوم اینکه، از اخبار متواتر دریافت بودند که نابودی سلطنت ستمکاران و زورگویان، به دست قائم ما صورت می گیرد و شکی هم نداشتند که خودشان از ستمگران و زورگویان هستند!! بنابراین به امید اینکه از تولد قائم (عج) جلوگیری کنند، یا بتوانند او را بکشند؛ در کشتار اهل بیت رسول خدا و از بین بردن نسل آن حضرت تلاش بسیار کردند؛ اما خداوند نخواست سر امر بر آنها آشکار شود؛ بلکه اراده فرمود که بر خلاف میل کافران، نور خود را تمام کند و خیر بشریت را محقق سازد»^{۱۲۵}.

بنابراین تدبیر، کیاست، حزم و دوراندیشی امام عسکری علیه السلام ایجاب می کرد تا آن حضرت به گونه ای این مأموریت را به انجام رساند که دشمنان، در هدف های شوم خود، ناکام بمانند و چنین هم شد!

سه. شباهت به ولادت ابراهیم و موسی علیه السلام

ولادت پنهانی حضرت مهدی (عج) و حفظ جان او و ... مانند ولادت حضرت ابراهیم و موسی علیه السلام است. در واقع خداوند درباره آن حضرت، همان کار را کرد که درباره موسی کرد؛ چنان که دشمنان مهدی نیز همان روش

^{۱۲۴} (۱). رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۶۸ ..

^{۱۲۵} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ح ۶۸۵ ..

فرعون و سیاست فرعونى را دنبال کردند. فرعون دانست که زوال سلطنت او به دست مردى از بنى اسرائيل خواهد بود. اين بود که بازرسانى گماشت تا زنان حامله بنى اسرائيل را زير نظر گيرند و کودکانى را که متولد مى شوند، تحت مراقبت شديد قرار دهند و اگر پسر بود، او را بکشند. بدین گونه، کودکان بسيارى را کشتند تا موسى پديد نیاید ... و با اين همه، خدای متعال، پيامبر خود موسى را حفظ کرد و ولادت او را مخفی داشت و سپس به مادر موسى امر فرمود تا او را در صندوقى گذارد و به رود نيل بسپارد ...^{۱۲۶}.

در روايتى نقل شده است: «فى القائم سنّة من موسى بن عمران؛ فقلت: و ما سنّة موسى بن عمران؟ قال: خفاء مولده»^{۱۲۷}؛ «[امام صادق عليه السلام فرمود:] در قائم سنتى از موسى بن عمران است. [راوى گوید:] پرسيدم: سنت موسى بن عمران چه بود؟

فرمود: مخفى بودن ولادت او ...». امام سجّاد عليه السلام نيز پنهانى بودن ولادت حضرت مهدى (عج) را شبیه ولادت حضرت ابراهيم عليه السلام دانسته است: «فى القائم منّا سنن من سنن الانبياء ... و سنّة من ابراهيم ... اما من ابراهيم فخفاء الولادة و اعتزال الناس»^{۱۲۸}؛ «در قائم ما؛ سنت هاىى از پيامبران هست ... اما سنت او از ابراهيم عليه السلام، پنهانى بودن ولادت و کناره گيرى از مردم است ...».

چهار. نبود بيعت کسی بر گردن او

يکى ديگر از فضايل «خفاى ولادت مهدى (عج)»، اين است که آن حضرت زير بار بيعت کسى نرفت و سلطه هيچ حاکم و پادشاهى را نپذيرفت.

امام صادق عليه السلام فرموده است: «صاحب هذا الامر، تعمى ولادته على هذا الخلق لئلا يكون لاحد في عنقه بيعه اذا خرج»^{۱۲۹}؛ «ولادت صاحب الامر بر اين خلق پوشيده است؛ به جهت اينکه هنگام ظهور، بيعت کسى بر گردنش نباشد».

بنابراين اگر حضرت صاحب در بين مردم حضور داشت و همگان از ولادت او آگاه مى شدند؛ ناچار بايد در برخورد با مردم و ستمکاران - به اقتضای مصلحت اسلام و مسلمين - به نبرد با طاغوت بر مى خاست و يا به جهت تقيه، به سکوت و صلح مى گذراند!! در هر يک از اين دو صورت - همان طور که پدران بزرگوارش به شهادت رسيدند - ايشان نيز کشته مى شد (چنان که در اخبار به اين مسئله اشاره شده است) و سرانجام زمين از حجت خدا خالى شده، اهلش را در خود فرو مى برد و مقصود نهايى از وجود حجت خدا در زمين برآورده نمى شد^{۱۳۰}!!

^{۱۲۶} (۱). منتخب الاثر، ص ۳۵۳ ..

^{۱۲۷} (۲). کمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۸ ..

^{۱۲۸} (۱). همان، ج ۲، ص ۵۶۷ ..

^{۱۲۹} (۲). کمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۰، ح ۱۸؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۶، ح ۲۰۷ ..

^{۱۳۰} (۳). ظهور نور، ص ۵۹ ..

پرسش ۱۰. بر فرض اینکه امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی داشته؛ آیا می توان باور کرد کودکی پنج ساله، به مقام ولایت و امامت منصوب گردد

و به مأموریت حفظ و تحمل احکام الهی، انتخاب شود و در آن سن کم، از حیث علم و عمل، پیشوای مردم و حجت الهی باشد؟

در پاسخ به این پرسش مهم و اساسی، توجّه چند نکته بایسته است:

یک. پیشینه نبوت و امامت در کودکی

از نظر قرآن، نبوت و ولایت در کودکی، نه تنها، امری ناشدنی نیست؛ بلکه به صراحت از نبوت حضرت عیسی علیه السلام و اعطای حکمت به حضرت یحیی خبر داده است. حتّی این مسئله در جامعه شیعی، امری عجیب و ناگهانی نبود؛ بلکه قبل از امام مهدی (عج) نیز امام جواد و امام هادی علیه السلام به امامت رسیده بودند.

در این رابطه چند آیه و روایت نقل می شود:

الف. خداوند خطاب به پیامبرش یحیی علیه السلام می فرماید: **يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا**^{۱۳۱}؛ «ای یحیی! تو کتاب [الهی] را به قوت بگیر و [ما] در همان سن کودکی به او حکم نبوت دادیم».

فخر رازی می گوید: «مراد از حکم در آیه شریفه، همان نبوت است؛ زیرا خداوند متعال عقل او را در کودکی محکم کرد و به او وحی فرستاد.

چرا که خداوند متعال حضرت یحیی و عیسی علیه السلام را در کودکی به پیامبری

برگزید! برخلاف حضرت موسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله که آنان را در بزرگ سالی به رسالت مبعوث کرد»^{۱۳۲}.

ب. قرآن در زبان حضرت عیسی علیه السلام - که در کودکی زبان به سخن گشود و جواب منکران را داد - چنین می فرماید: **قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا**^{۱۳۳}؛ « [کودک] گفت: من بنده خداوند هستم؛ [او] به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است».

^{۱۳۱} (۱). مریم (۱۹)، آیه ۱۲ ..

^{۱۳۲} (۱). تفسیر فخر رازی، ج ۱۱، ص ۱۹۲ ..

^{۱۳۳} (۲). مریم (۱۹)، آیه ۳۰ ..

ج. امام علی النقی علیه السلام، شش سال و پنج ماه از سن شریفش گذشته بود که پدرش از دنیا رحلت فرمود و امامت به او منتقل شد^{۱۳۴}.

د. عبدالله بن جعفر می گوید: من و صفوان بن یحیی به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدیم. ابوجعفر علیه السلام - که سه سال از عمرش می گذشت - ایستاده بود.

عرض کردیم: خدا ما را فدای شما کند! اگر - پناه به خدا - اتفاقی بیفتد، چه کسی بعد از شما [امام] خواهد بود؟! آن حضرت به امام جواد، اشاره کرد و فرمود: این فرزندم. عرض کردیم: او با این سن و سال؟! فرمود: آری، او با همین سن و سال. خداوند تبارک و تعالی با [وجود] عیسی دو ساله احتجاج کرد [و او را به نبوت برگزید]^{۱۳۵}.

ه. شیخ مفید می نویسد: «جمهور شیعه با مخالفان آنها، بر این امر اتفاق دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را دعوت به وزارت، خلافت و وصایت کرد؛ در حالی که سن او کم بود؛ ولی از دیگر کودکان دعوت نکرد»^{۱۳۶}.

وی همچنین می نویسد: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه با حسن و حسین - در حالی که آن دو طفلی بیش نبودند - با نصارا مباحله کرد و قبل از این واقعه، سابقه نداشت که پیامبر به همراهی اطفال مباحله کرده باشد...»^{۱۳۷}.

دو. لزوم شایستگی برای امامت

امامت و ولایت، مقام و منصبی است که به لیاقت و شایستگی افراد بستگی دارد؛ نه سن و سال آنان. ولایت و امامت، مقام بزرگی است که واجد آن مقام، طوری احکام خدایی و علوم نبوت را تحمّل و ضبط می کند که خطا، نسیان و عصیان در ساحت وجود مقدّسش راه ندارد و همواره با عوالم غیبی مرتبط بوده، از افاضات و اشراقات الهی، بهره مند می گردد. به واسطه علم و عمل، پیشوا امام انسانیت و نمونه و مظهر دین و حجت خداوندی است. معلوم است که هر کس قابلیت و استعداد احراز این مقام شامخ را ندارد؛ بلکه باید از حیث روحی، در مرتبه اعلای انسانیت قرار گرفته، لیاقت ارتباط با عوالم غیبی و دریافت علوم و ضبط آنها را داشته باشد. از حیث ترکیبات جسمانی و قوای دماغی نیز در کمال اعتدال باشد تا بتواند حقایق عالم هستی و افاضات غیبی را بدون خطا و اشتباه، به عالم الفاظ و معانی تنزّل دهد و به مردم ابلاغ کند.

پس پیغمبر و امام، از حیث آفرینش ممتازند و به واسطه همین استعداد و امتیاز ذاتی است که خدای متعال، آنان را به مقام شامخ نبوت یا امامت انتخاب می کند. این امتیاز، از همان اوان کودکی، در آنان موجود است تا هر زمان که صلاح بود و شرایط موجود شد و مانعی در کار نبود، آن افراد برجسته،

^{۱۳۴} (۳). مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۰۱ ..

^{۱۳۵} (۴). بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۵، ح ۲۳ ..

^{۱۳۶} (۵). فصول المختارة، ص ۳۱۶ ..

^{۱۳۷} (۱). همان، ص ۳۱۶ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
رسماً به مقام و منصب نبوت و امامت، منصوب و مأمور حفظ و تحمّل احکام شوند. این انتخاب و نصب ظاهری؛ همان
طور که می تواند بعد از بلوغ یا در بزرگسالی انجام گیرد، ممکن است در ایام کودکی نیز تحقق پذیرد^{۱۳۸}.

بر این اساس امامت و ولایت (و نبوت)، به سن و سال نیست؛ بلکه به علم، دانایی، ورع، تقوا و سایر فضایل انسانی و اخلاقی است. حتی دستگاه خلافت نیز به این حقیقت پی برده بود که: «امامت زود هنگام»، پدیده ای اصیل و الهی است؛ نه ساختگی و بی پشتوانه و عاری از واقعیت.

سه. امامت، منصبی الهی

مسئله امامت و ولایت، امری شخصی، وراثتی و انتخابی نبوده و در حیطه اختیارات هیچ کس قرار ندارد؛ بلکه این امر از جانب خدا و بر اساس خواست، اراده و نصب او است.

در واقع امامت برای ائمه اهل بیت علیه السلام، مرکزیت قدرت و نفوذ حکومت- بسان خلفای اموی و عباسی و فاطمی- نیست تا از پدر به پسر منتقل شود؛ بلکه بر اساس انتخاب و فرمان الهی است؛ از این رو امام که فردی برگزیده از سوی خدای متعال است، در تمام زمینه ها، سرآمد و دارای علم و قدرت الهی است. پس اعطای آن به بزرگسال یا کودک، در دست خدا و به خواست و اراده او است و او بهتر از همه می داند که امامت و ولایت را در کجا قرار دهد و چه کسی را به این مقام نصب کند **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ**^{۱۳۹}.

پس امامت حضرت مهدی (عج) نیز خارج از این مدار نبوده و بر اساس تدابیر

و سنت های الهی صورت گرفته است. خداوند متعال- پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام را به امامت برگزید- به او فرمود: **وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**^{۱۴۰}؛ « [به یاد آر] هنگامی که خداوند، ابراهیم را به اموری چند امتحان کرد و او همه را به جای آورد. خداوند، به او فرمود: من تو را به پیشوایی خلق برگزیدم. ابراهیم پرسید: [آیا] این پیشوایی را به فرزندانم نیز عطا خواهی کرد؟ خداوند فرمود:

عهد من [هرگز] به ستمکاران نمی رسد».

در منابع تاریخی آمده است: بنی عامر خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند؛ حضرت آنان را به سوی خدا دعوت نمود و نبوت خود را بر آنها عرضه کرد.

^{۱۳۸} (۱). دادگستر جهان، ص ۱۲۲ و ۱۲۳ ..

^{۱۳۹} (۲). انعام (۶)، آیه ۱۲۴ ..

^{۱۴۰} (۱). بقره (۲)، آیه ۱۲۴ ..

در این هنگام شخصی از آنان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: اگر ما با تو بر اسلام بیعت کردیم و خداوند تو را بر مخالفان غلبه داد؛ آیا در خلافت بعد از تو سهمی داریم؟! آن حضرت فرمود: امر خلافت به دست خداوند است؛ هر کجا که بخواهد قرار می دهد^{۱۴۱}.

چهار. شهادت امامان و ضرورت نصب امام بعدی

یکی از نکات قابل توجه درباره زندگی اهل بیت علیه السلام، فشارها، ظلمها و سختگیریهای حاکمان جور علیه امامان علیهم السلام است؛ به طوری که همه امامان شیعه، به دست ظالمان مقتول یا مسموم می شدند و خطر جانی همیشه ایشان را تهدید می کرد. چه بسا می شد که امامی به شهادت می رسید، در حالی که فرزند او در سنین کودکی قرار داشت و به ضرورت، همان کودک به مقام امامت می رسید.

در فرهنگ اسلام، زمین نباید خالی از حجت بماند و حتماً شخصی به عنوان واسطه فیض الهی و امام امت تعیین گردد؛ پس شخص بعدی - هر چند در دوران کودکی قرار داشت - به مقام امامت می رسید و خلیفه و حجت الهی بر روی زمین می گردید. در روایات آمده است: «لو بقیت الارض بغیر امام ساخت»^{۱۴۲}؛ «اگر زمین بدون امام باشد، [به یقین] در هم فرو می ریزد».

بر این اساس وقتی امام مهدی (عج) پنج ساله بود، پدرش امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید و از آنجایی که زمین نباید خالی از حجت می ماند و مردم نیز باید امام و پیشوایی برای خود می داشتند؛ آن حضرت به امامت رسید و به عنوان آخرین وصی و حجت الهی، رهبری آنان را در دست گرفت.

از طرف دیگر شاید این مسئله (رسیدن به امامت در سن کودکی) برای حفظ جان برخی از امامان، ضروری بوده و دشمنان به تصور کودک بودن آنان، دست از ظلم و جنایت علیه ایشان بردارند. این مسئله در مورد امامان بعد از حضرت رضا علیه السلام اتفاق افتاد و به رغم کینه و بغض شدید خلفا نسبت به امامان، نتوانستند بعد از شهادت امام قبلی، آسیبی به امام بعدی برسانند و البته شاید دشمنان قدرت امامت را باور نمی کردند و آنها را خطری برای حکومت و سلطه خود نمی دانستند. اگرچه جست و جوی شدید آنان از حضرت مهدی (عج) نیز، بیشتر ناشی از شنیدن روایات فراوان در مورد آخرین حجت الهی و قیام و انقلاب او علیه ظالمان و ستمگران بوده است و آنان با باور به این پیش گویی ها، در صدد چاره جویی و نابودی مهدی موعود بودند!! بدین جهت آن حضرت در پنهانی می زیست و دور از چشم این حاکمان جور، هدایت و رهبری مردم را در دست داشت.

امتحان و آزمون مؤمنان

^{۱۴۱} (۲). سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۲ ..

^{۱۴۲} (۱). کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰ ..

شاید یکی از دلایل «امامت در کودکی»، آزمون مسلمانان و سنجش میزان اطاعت و حق پذیری آنان بوده است. اگر کسی با ماهیت و ژرفای امامت آشنا باشد و آن را مقامی از جانب خدا بداند؛ چون و چرایی در سن امامان نخواهد داشت.

اتفاقاً این مسئله در مورد امامان بعد از حضرت رضا علیه السلام - که همگی در سن کودکی یا جوانی به امامت رسیدند - مصداق داشت و شیعیان کمتر دچار اختلاف، تشکیک، چند دستگی و انکار شدند؛ در حالی که قبل از حضرت رضا علیه السلام، فرقه های مختلفی در میان شیعه پدید آمدند که هر یک به امامت شخصی خاص قائل بودند؛ البته کم نبودند انسان های وارسته و مطیعی که در برابر فرمایش امام، سر تعظیم و قبول فرود می آوردند و در برابر مشیت الهی با کمال رضایت آن را می پذیرفتند.

محمد بن حسن عمار گوید:

«من دو سال نزد علی بن جعفر محمد (عموی امام رضا علیه السلام) بودم و خبری که او از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام شنیده بود، می نوشتم. روزی در مدینه خدمتش نشسته بودم؛ ابو جعفر محمد بن علی الرضا (جواد)، در مسجد رسول خدا بر او وارد شد. علی بن جعفر برخاست و بدون کفش و عبا به نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد.

ابو جعفر به او فرمود: ای عمو! بنشین، خدایت رحمت کند. او گفت:

آقای من! چگونه من بنشینم و شما ایستاده باشید؟! چون علی بن جعفر به مسند خود برگشت، اصحابش او را سرزنش کرده، گفتند: شما عموی پدر او هستید [چرا] با او این گونه رفتار می کنید؟! او دست به ریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید! اگر خدای عزوجل این ریش سفید را سزاوار [امامت] ندانست و این کودک را شایسته و سزاوار دانست و به او چنان مقامی داد؛ [آیا] من فضیلت او را انکار کنم؟! پناه به خدا از سخن شما! من بنده (و مطیع) او هستم»^{۱۴۳}.

خصایص و ویژگی های حضرت مهدی (عج)

پرسش ۱۱. در روایات و منابع اسلامی، چه اوصاف و خصال ظاهری برای امام زمان (عج) بیان شده و علت بیان این ویژگی ها چیست؟

برای بیان اهمیت بیان صفات ظاهری امام عصر (عج) می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. راهی روشن برای عموم مردم است تا امام زمان خود را بشناسند.

۲. دلیلی واضح برای رسوا کردن مدعیان دروغین مهدویت است.

^{۱۴۳} (۱). کافی، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۲ ..

۳. برهانی آشکار بر اثبات مهدویت شخصی (و ردّ مهدویت نوعی) است.

۴. مدرکی محکم بر اثبات مهدویت عینی و ردّ مهدویت معنوی (مهدی ساخته ذهنی در اثر فشارهای جامعه) است.^{۱۴۴}

۵. روشی مؤثر برای محسوس کردن وجود امام زمان (عج) و ایجاد تعلق خاطر و عشق و محبت سرشار به آن حضرت است؛ چنان که امام حسن علیه السلام به ابی هاله فرمود: «دوست دارم برای من، پیامبر را مقداری توصیف کنی تا شاید تعلق خاطری بیابم».

اوصاف و ویژگی های ظاهری و جسمانی امام زمان (عج) در روایات به شرح زیر بیان شده است:

۱. چهره و سیمای مبارک

حضرت مهدی (عج) دارای صورتی زیبا و درخشنده است؛

الف. «المهدی من ولدی وجهه کالقمر الدری»^{۱۴۵}؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از فرزندان من است، صورتش همچون ماه تابان است ...».

ب. «... علی خده الأيمن خال»^{۱۴۶}؛ «... بر گونه راستش خالی هست».

ج. «حسن الوجه ... و نور وجهه یعلو سواد لحیته»^{۱۴۷}؛ «مهدی صورتی نیکو دارد ... درخشندگی چهره اش بر سیاهی محاسنش غلبه می کند».

د. «وجهه کالدینار و اسنانه کالمنشار ...»^{۱۴۸} «چهره اش مانند دینار گرد و گلگون و دندان هایش مانند شانه، ظریف و منظم است».

ه. «المهدی طاووس اهل الجنة علیه جلابیب النور»^{۱۴۹}؛ «مهدی، طاووس بهشت است که هاله ای از نور، او را احاطه کرده است».

و. «شاب صبیح الوجه ...»^{۱۵۰}؛ «جوانی گشاده روی است».

^{۱۴۴} (۱). فصلنامه انتظار، ش ۵، ص ۱۵۲ ..

^{۱۴۵} (۱). ینابیع المودة، ص ۱۸۸؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۸۱ ..

^{۱۴۶} (۲). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۶ ..

^{۱۴۷} (۳). منتخب الاثر، ص ۱۸۶ ..

^{۱۴۸} (۴). الغیبة النعمانی، ص ۲۷۴، ج ۱ ..

^{۱۴۹} (۵). کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۸۱ ..

^{۱۵۰} (۶). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۷ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
ز. «شَابٌ حَسَنُ الْوَجْهِ»^{۱۵۱}؛ «جوانی زیبا روی است».

ح. «وَجْهَهُ كَالْكُوكَبِ دَرِّي»^{۱۵۲}؛ «چهره اش مانند ستاره درخشان است».

ط. «مَسْنُونُ الْخَدَّيْنِ»^{۱۵۳}؛ «مهدی دارای گونه های کم گوشت است».

ی. «سَهْلُ الْخَدَّيْنِ عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فَتَاتٌ مَسْكٌ عَلَى رَضَاةٍ عَنبر»^{۱۵۴}؛ «گونه هایی نرم با خالی در گونه راست دارد که مانند دانه مشک بر روی عنبر است».

۲. پیشانی و ابرو و چشم

حضرت مهدی (عج)، دارای پیشانی گشاده، صاف و روشن است. ابروی آن حضرت نیز باریک، کشیده و نزدیک به هم - اما ناپیوسته - است. چشم هایش سیاه و درشت و فرو رفته و پلک های او درخشان است.

الف. «المهدی مَنِّي، أَجَلِي الْجَبْهَةُ أَقْنَى الْأَنْفِ ...»^{۱۵۵}؛ «مهدی از من است، پیشانی باز و نورانی و بینی کشیده و باریک دارد».

ب. «اَكْحَلُ الْعَيْنَيْنِ ... كَثُّ اللَّحْيَةِ ...»^{۱۵۶}؛ «دیدگان مبارکش سرمه کشیده ...

محاسن مبارکش پر مو است ...».

ج. «ازَجٌ، اِبْلَجٌ، ادَعَجٌ، اَعَيْنٌ، اَشَمُّ الْأَنْفِ أَقْنَى أَجَلِي»^{۱۵۷}؛ «ابروهای کشیده، صورتی نیکو، دیدگان مشکی، بینی باریک و نیکو خمیده، و پیشانی باز و درخشان دارد».

د. «مُشْرِفُ الْحَاجِبَيْنِ، غَائِرُ الْعَيْنَيْنِ»^{۱۵۸}؛ «او بلند ابرو است و چشمانی فرو رفته دارد».

۳. قامت و رنگ بدن و صورت

امام علی علیه السلام فرموده اند: «يُخْرِجُ رَجُلٌ مِّنْ وَلَدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ اَبْيَضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ مُبْدَحُ الْبَطْنِ عَرِيضٌ، عَظِيمٌ مُّشَاشٍ الْمَنْكِبَيْنِ، يَظْهَرُ شَامَتَانِ»

۱۵۱ (۷). الغيبة طوسی، ص ۲۶۹؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲ ..

۱۵۲ (۸). دلائل الامامة، ص ۲۳۳ ..

۱۵۳ (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۶ ..

۱۵۴ (۲). کتاب الغيبة، ص ۲۶۶ ..

۱۵۵ (۳). کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۸۱ ..

۱۵۶ (۴). منتخب الاثر، ص ۱۶۶؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۶۰ ..

۱۵۷ (۵). الملاحم و الفتن، ص ۵۸؛ نور الابصار، ص ۱۷۰ ..

۱۵۸ (۶). الزام الناصب، ص ۱۳۸ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
شامّة علی لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شامّةٌ علی شِبْهِ شامّةِ النبی^{۱۵۹}؛ «مردی از فرزندان من در آخر الزمان ظهور می کند که صورتی نقره فام و چهره ای گلگون دارد.

شکمش پهن، ران هایش پر گوشت و شانه هایش عریض است. در پشت او دو علامت هست که یکی به رنگ پوست و دیگری شبیه مهر نبوت است».

۴. سر و مو

امام علی علیه السلام فرموده اند: «حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ یَسِیلُ شَعْرُهُ علی مَنَکَبَیْهِ...»^{۱۶۰}؛ «چهره ای زیبا و موهایی جاذب دارد که بر شانه هایش فرو ریخته است».

«بشعر قَطَط»^{۱۶۱}؛ «مویش کمی مجعد است».

۵. در سیمای جوانان

امام رضا علیه السلام فرموده است: «عَلامَتُهُ اَنْ یَکُونَ شَیْخُ السَّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتّٰی اَنْ النَّاضِرَ اِلَیْهِ لَیَحْسِبُهُ ابْنُ اَرْبَعِیْنَ سَنَةً اَوْ دَوْنَهَا وَ اَنْ مِنْ عَلامَتِهِ اَنْ لَا یَهْرِمَ بِمَرورِ الْاِیامِ وَ اللَّیالی حَتّٰی یَأْتِی اَجَلُهُ»^{۱۶۲}؛ «نشانه مهدی آن است که در سن پیری است؛ ولی جوان به نظر می آید. هر کسی او را ببیند، گمان می کند که چهل سال یا کمتر دارد. یکی دیگر از نشانه های او این است که با گذشت زمان، تا هنگام رسیدن اجل، اثر پیری در او مشاهده نمی شود».

۶. اوصاف اخلاقی و درونی

۱. امام حسین علیه السلام می فرماید: «تَعْرِفُونَ الْمَهْدِیَّ بِالسَّکِیْنَةِ وَ الْوَقارِ وَ بِمَعْرِفَةِ الْحَلالِ وَ الْحَرَامِ وَ بِحَاجَةِ النَّاسِ اِلَیْهِ وَ لَا یَحْتَاجُ اِلَی احَدٍ»^{۱۶۳}؛ «مهدی را با سکینه و وقار، شناخت حلال و حرام، نیاز همگان به او و بی نیازی او از همه خواهید شناخت».

۲. در روایت دیگری آمده است: «یَکُونُ اَوَّلِیِّی بِالنَّاسِ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ اَشْفَقَ عَلَیْهِمْ مِنْ اَبائِهِمْ وَ اُمَّهَاتِهِمْ وَ یَکُونُ اَشَدَّ النَّاسِ تَواضُعاً لِلّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ یَکُونُ اخَذَ النَّاسِ بِمَا یَأْمُرُ بِهِ وَ اکْفَ النَّاسِ عَمَّا یَنْهَی عَنْهُ»^{۱۶۴}؛ «او برای مردم از خودشان اولی تر، از پدر و مادرشان مهربان تر و در برابر خدا، از همه متواضع تر است. آنچه به مردم فرمان می دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می کند و آنچه مردم را از آن نهی می کند، خود بیش از همگان از آن پرهیز می کند».

۱۵۹ (۱). منتخب الاثر، ص ۲۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵ ..

۱۶۰ (۲). کتاب الغیبة، ص ۲۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶ ..

۱۶۱ (۳). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵ ..

۱۶۲ (۴). کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲ ..

۱۶۳ (۱). الغیبة النعمانی، ص ۱۲۷؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۹ ..

۱۶۴ (۲). الزام الناصب، ص ۱۰ ..

۳. دلالتش فی خصلتین: فی العلم و استجابة الدعوة و کلّ ما أخبر به من الحوادث التي تحدث قبل كونها فذلك بعهد معهود اليه من رسول الله صلى الله عليه و آله توارثه عن آبائه عنه عليه السلام»^{۱۶۵}؛ «مهدی، دو نشانه بارز دارد که با آنها شناخته می شود: دانش بیکران و استجابت دعا. آنچه از رویدادها پیش از وقوع آنها سخن بگویند، به صورت پنهانی است که توسط پدران خود، از رسول خدا، به ارث برده است».

۴. امام رضا علیه السلام فرموده است: «... یكون أعلم الناس و احکم الناس و اتقى الناس و اسخى الناس و اعبد الناس ... و یكون محدثاً»^{۱۶۶}؛ «... او داناترین مردم و حکیم ترین، پرهیزگارترین، بردبارترین، سخی ترین و عابدترین آنان است و فرشتگان با او سخن می گویند».

پرسش ۱۲. حضرت مهدی (عج) دارای چه خصایص و ویژگی هایی است که او را متمایز و برتر می کند؟

آیا این خصوصیات، منحصر در آن حضرت است یا دیگر اولیا و پیامبران نیز در آنها با او مشترک هستند؟!

بر اساس منابع معتبر روایی و تاریخ، امام مهدی (عج) خصوصیات و خصال برجسته و والایی دارد که در بعضی از آنها منحصر به فرد بی همتا است و یا جامع همه ویژگی ها و خصایص است که دیگر اولیا و انبیا دارنده بعضی از آنها بودند.

یک. دانشمندترین و حکیم ترین مردم

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرموده است: «ان الله اختار من الايام الجمعة و من الليالي القدر و من الشهور رمضان و اختارني نبياً و اختار علياً لى وصياً و ولياً و اختار من على الحسن و الحسين عليه السلام حجة الله على العالمين تاسعهم اعلمهم و احكمهم»^{۱۶۷}؛ «خداوند متعال از روزها، روز جمعه و از شبها، شب قدر و از ماهها، ماه رمضان را برگزید. مرا نیز پیامبر برگزید و علی را برای من جانشین و ولی انتخاب کرد».

از علی نیز حسن و حسین را حجت برای جهانیان برگزید که نهمین فرزند حسین (قائم)، دانشمندترین و حکیم ترین آنان است».

دو. مورد عنایت مخصوص الهی

امام باقر علیه السلام فرمود: «القائم منا منصور بالربع مؤيد بالنصر تطوى له الارض ...»^{۱۶۸}؛ «قائم ما با «ربع» یاری شده و به نصرت الهی تأیید می شود. زمین برای او رام می گردد و ...».

^{۱۶۵} (۳). عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۷۰ ..

^{۱۶۶} (۴). من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸ ..

^{۱۶۷} (۱). بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۷۲، ج ۱۴؛ کمال الدین، ص ۲۸۱، ج ۳۲ ..

^{۱۶۸} (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱؛ منتخب الاثر، ص ۳۶۰ ..

امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «هرگاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ظهور کند، خداوند او را با فرشتگان نشان دار (بالملائكة المسومین) و مقرب یاری می کند، جبرئیل، پیشاپیش او و میکائیل از طرف راست و اسرافیل از طرف چپ او حرکت می کنند. بهت و رعب و وحشت به فاصله یک ماه راه- از جلو، عقب، چپ و راست او- حرکت می کند (یعنی شعاع هیبت آن حضرت، تا مساحت یک ماه راه را زیر پوشش می گیرد) و فرشتگان مقرب خدا، خدمت گزاران او هستند. همراه او، شمشیری بر کشیده و برهنه است. خداوند متعال، روم، دیلم، هند، کابل و خزر را برای او فتح می کند»^{۱۶۹}.

سه. عصاره و شبیه پیامبران

امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «فی القائم منا سنن من الانبیاء: سنّة من ابینا آدم علیه السلام و سنّة من نوح سنّة من ابراهیم و سنّة من موسی و سنّة من عیسی و سنّة من ایوب و سنّة من محمد صلی الله علیه و آله؛ فأما من آدم، و نوح فطول العمر و أما من ابراهیم، فخفاء الولادة و اعتزال الناس و أما من موسی فالخوف و الغیبة و أما من عیسی فاختلاف الناس فیهِ و أما من ایوب فالفرج بعد البلوی و أما من محمد فالخروج بالسیف»^{۱۷۰}؛ «در قائم ما سنت هایی از پیامبران وجود دارد: سنتی از پدرمان آدم علیه السلام، سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب و سنتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله. اما از آدم و نوح، «طول عمر» و اما از ابراهیم، «پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم» و اما از موسی «خوف و غیبت» و اما از عیسی «اختلاف مردم درباره او» و اما از ایوب «فرج پس از گرفتاری» و اما از محمد صلی الله علیه و آله «خروج با شمشیر» و ...».

چهار. دارای عمری طولانی

امام سجاد علیه السلام درباره آن حضرت فرموده است: «فی القائم سنّة من نوح و هو طول العمر»^{۱۷۱}؛ «در قائم سنتی از نوح است و آن طول عمر (او) است».

پنج. مورد احترام و محبوب امامان و اولیا

مهدی موعود، برگزیده ممتاز الهی و محبوب دل صالحان، اوصیا و انبیا- به خصوص امامان پیش از خود- و مورد احترام و توجه خاص آنان بوده است.

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی»^{۱۷۲}؛ «اگر دوران او را درک می کردم، همه زندگی ام را در خدمت به او می گذراندم».

^{۱۶۹} (۱). الغیبة النعمانی، ص ۲۳۴، ج ۲۲؛ بشارة الاسلام، ص ۱۱۸ ..

^{۱۷۰} (۲). کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۱، باب ۳۱، ج ۳ ..

^{۱۷۱} (۱). کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، ج ۴ ..

^{۱۷۲} (۲). الغیبة النعمانی، ص ۲۴۵، ج ۲۶ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
پیشوای هشتم وقتی نام عزیز او (قائم) را شنید، برخاست و بر روی پای مبارکش ایستاد و سر نازنین را به سوی زمین خم کرد. پس کف دست راست خود را بر سر نهاد و فرمود: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه»^{۱۷۳}؛ «خداوندا بر فرجش شتاب کن و راه ظهور و قیامش را آسان گردان».

محدث جزایری نیز نقل کرده است که روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام اسم مبارک آن جناب برده شد، پس حضرت برای تعظیم و احترام او برخاست^{۱۷۴}.

شش. مقتدای عیسی علیه السلام

یکی از ویژگی های برجسته امام مهدی (عج) تبعیت و همراهی برخی از اولیا و برگزیدگان الهی - از جمله حضرت عیسی و خضر علیهم السلام - با او است.

بعد از قیام جهانی آن حضرت، عیسی علیه السلام نیز ظهور می کند و در پشت سر امام علیه السلام قرار می گیرد. به رهبری اش گردن می نهد و حتی همراه با او نماز می خواند

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «يجتمع المهدي و عيسى بن مريم، فيجىء وقت الصلاة فيقولُ المهدي بعيسى تقدّم؛ فيقول عيسى: أنّك أولى بالصلاة؛ فيصلّي عيسى وراءه مأموماً»^{۱۷۵} «امام، با حضرت عیسی علیه السلام دور هم می آیند؛ پس هنگام نماز فرار می رسد. حضرت مهدی (عج) به عیسی علیه السلام می گوید: نه، شما برای امامت نماز، شایسته ترید. آن گاه عیسی علیه السلام، به آن حضرت اقتدا کرده، نماز را پشت سر او می خواند».

در روایت دیگری نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است «بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنان را دوست دارد و مرا به دوستی آنان فرمان داده است؛ علی، حسن، حسین و مهدی؛ که حضرت عیسی پشت سر او نماز می خواند»^{۱۷۶}.

هفت. زیباترین موجود بهشت

بر اساس روایات معتبر، حضرت مهدی (عج)، هم در دنیا و هم در بهشت، از جمال و کمال بی نظیری برخوردار است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت می فرماید: «المهدي طاووس اهل الجنة»^{۱۷۷}؛ «مهدی طاووس اهل بهشت است».

^{۱۷۳} (۳). منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ ..

^{۱۷۴} (۴). نجم الثاقب، ص ۴۴۴ ..

^{۱۷۵} (۱). تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۲۵؛ منتخب الاثر، ص ۳۱۷ ..

^{۱۷۶} (۲). اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۳ ..

^{۱۷۷} (۳). کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۸۱ ..

این تعبیر جالب درباره هیچ پیامبر یا امامی وارد نشده است و اختصاص به حضرت ولی عصر (عج) دارد. این رمز، نهایت زیبایی و جمال آسمانی و فوق العاده او دارد؛ به طوری که در میان بهشتیان، ممتاز و شاخص است و خلاصه اینکه زیباترین موجود بهشتی و دیدنی ترین تمام اهل بهشت است^{۱۷۸}.

هشت. میراث دار پیامبران

بر اساس روایات، تمام معجزات و ودایع انبیا و اوصیا، همراه حضرت مهدی (عج) است؛ یعنی، او وارث پیامبران و اوصیا است و خداوند معجزات انبیا را در اختیار ایشان نهاده است. وجود میراث پیامبران در نزد حضرت مهدی (عج)، بیانگر این است آن حضرت، جامع صفات و خصوصیات آنان بوده و دارنده وسایل و لوازم منحصر به فرد ایشان است؛ برای نمونه:

الف. تابوت آدم علیه السلام: حضرت مهدی آن را از دریاچه طبریه بیرون می آورد؛ به طوری که نه پوسیده و نه متغیر گشته است^{۱۷۹}.

ب. عصای موسی علیه السلام: آن را از دریاچه طبریه - و در روایتی از غار انتاکیه - بیرون می آورد و با آن چنان می کند که موسی با فرعون کرد.

ج. حجر موسی علیه السلام: سنگی است که آن را از مکه به همراه خواهد داشت و تا کوفه، به هر جا که بزند، چشمه ای از آب ظاهر شود. اصحاب او بنوشند؛ هر کس تشنه باشد، سیراب و هر که گرسنه باشد، سیر گردد^{۱۸۰}.

د. تورات و انجیل و سایر کتاب های آسمانی: ... مهدی مردم را به تورات، انجیل و کتاب های آسمانی دعوت خواهد کرد. آنها را از غاری در انطاکیه بیرون آورده، بین اهل تورات به تورات و اهل انجیل به انجیل و اهل زبور به زبور حکم خواهد کرد^{۱۸۱}.

ه. پیراهن یوسف علیه السلام: جبرئیل این پیراهن را هنگامی که حضرت ابراهیم را در آتش افکندند، بر تن او کرد. پس آن را بازوبند ساخت و به بازوی

اسحاق بست و اسحاق به یعقوب و یعقوب به یوسف ... سپس در دست حضرت مهدی خواهد بود^{۱۸۲}.

و. انگشتر سلیمان: حضرت مهدی، این انگشتر را همراه خود دارد. وقتی آن را در دست می کند، جن و طیور بر دور او جمع می شوند^{۱۸۳}.

^{۱۷۸} (۴). شمس ولایت، ص ۸۱ ..

^{۱۷۹} (۱). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ح ۹۱۰۴ ..

^{۱۸۰} (۲). همان، ج ۵۲، ص ۲۲۴، ح ۳۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۸، ح ۶۱۴ ..

^{۱۸۱} (۳). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ح ۱۰۳؛ علل الشرایع، ص ۱۶۱، ج ۳ ..

^{۱۸۲} (۱). بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۴۷، ح ۳۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۸، ح ۵۱۶ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. مهدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

ز. پیراهن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «آیا پیراهن قائم را- که هنگام قیام می پوشد- نشانت ندهم؟ عرض کردم: چرا؛ پس آن حضرت جعبه ای را خواست و آن را گشود و آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد. آن را باز کرد که ناگهان دیدم در آستین چپ آن، آثار خون مشاهده می شود. سپس فرمود:

«این پیراهن پیامبر اکرم است؛ در روزی که دندان های پیشین آن حضرت، ضربه دید». آن پیراهن خونی را بوسیدم و بر صورت خویش نهادم. سپس امام صادق علیه السلام آن را در هم پیچید و برداشت»^{۱۸۴}.

علاوه بر این، آثار دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را به همراه دارد؛ چون بیرقی که جبرئیل در روز بدر آورد، عمامه سحاب، زره پیغمبر، انگشتر و عصای آن حضرت، اسب، مصحف و ذوالفقار حضرت علی علیه السلام، عهدنامه ای از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و

امام صادق علیه السلام در تأیید میراث بری امام زمان (عج) از پیامبر اسلام می فرماید:

«تراث رسول خدا، به امام قائم می رسد»؛ یکی از یاران پرسید: تراث چیست؟ فرمود:

«شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلاق، اسب، زین و آلات جنگی رسول خدا»^{۱۸۵}.

پرسش ۱۳. چرا به امام زمان (عج)، قائم، ابی‌صالح، بقیه الله، صاحب الزمان، حجة الله، مهدی و ... گفته می شود؟

چرا موقع شنیدن بعضی از این نام ها (مثلاً قائم)، بلند شده و دست خود را بر سرمان می گذاریم؟!

اصولاً اشخاص والا مرتبه و مشهور، دارای اسامی، القاب و کنیه های مختلفی هستند که هر یک اشاره به بعدی از ابعاد شخصیتی و وجودی آنان دارد.

در اینجا به تبیین و توضیح بعضی از این عناوین می پردازیم.

الف. قائم

یکی از مهم ترین و مشهورترین القاب حضرت مهدی (عج) «قائم» (قیام کننده و به پا خیزنده) است. این عنوان رسا و گویا، در بعضی از روایات مربوط به آن حضرت آمده و اشاره به قیام، مبارزه و جهاد بزرگ او و آمادگی استقامت وی دارد. روایات متعددی راجع به این لقب وارد شده است؛ از جمله:

^{۱۸۳} (۲). مهدی منتظر، ص ۴۶؛ به نقل از: سؤال از امام مهدی در روایات، ص ۴۵ و ۴۶ ..

^{۱۸۴} (۳). الغیبة النعمانی، ص ۳۵۰، ج ۴۲ ..

^{۱۸۵} (۴). بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۲۴۲ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا توالى ثلاثة اسماء: محمد و علی و الحسن، فالرابع القائم»^{۱۸۶} «هنگامی که سه اسم محمد و علی و حسن دنبال هم آمدند، پس چهارمین آنان قائم است».

امام جواد علیه السلام نیز می‌فرماید: «انّ القائم منّا هو المهدی الّذی یجب ان ینتظر فی غیبتہ و یطاع فی ظهوره»^{۱۸۷}؛ «به راستی که قائم از ما، مهدی است که در ایام غیبت، انتظار او و در دوران ظهور، اطاعت او واجب است».

از آن جهت که امام مهدی در برابر وضعیت اسفناک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده برای مردم قیام کرده، علیه ظالمان و مفسدان و زرمداران وارد عمل خواهد شد؛ به آن حضرت قائم گفته می‌شود. از طرفی در این مدت طولانی، آن حضرت آماده انقلاب جهانی و مبارزه مسلحانه (قیام به شمشیر) بوده و همیشه در حال انتظار برای قیام به سر می‌برد.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«سمی القائم لقیامه بالحق»^{۱۸۸}؛ «قائم نامیده شده، به جهت اینکه قیام به حق خواهد کرد».

امام رضا علیه السلام نیز فرموده است:

«تمام الامر بقائم آل محمد»^{۱۸۹}؛ «تمام امر به دست قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است».

از امام جواد علیه السلام نیز سؤال شد: چرا او را قائم می‌نامند؟ امام فرمود:

«لأنه یقوم بعد موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین بأمامته»^{۱۹۰}؛ «چون پس از آن قیام می‌کند که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش برگشته‌اند».

اما اینکه موقع سلام به امام زمان (عج) و رسیدن به نام مبارک «قائم» می‌ایستیم؛ به جهت ابراز احترام و بزرگداشت نام و یاد آن حضرت و اظهار پیوند و انتظار ظهور او است؛ یعنی، این کار در زمان امام صادق علیه السلام در میان شیعیان معمول بوده؛ حتی نقل شده است: در حضور امام رضا علیه السلام کلمه قائم ذکر شد، آن حضرت برخاست و دست بر سر نهاد و فرمود: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه»^{۱۹۱}.

^{۱۸۶} (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۳، ص ۳۳۴ ..

^{۱۸۷} (۲). همان، ص ۳۷۷ ..

^{۱۸۸} (۱). ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۶۴ ..

^{۱۸۹} (۲). توحید، صدوق، ص ۲۳۲، ج ۱ ..

^{۱۹۰} (۳). کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳ ..

^{۱۹۱} (۴). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ ..

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «سزاوار است که وقت برده شدن نام قائم (برای احترام)، به پاخیزند و از خداوند تعجیل در فرجش را بخواهند»^{۱۹۲}.

ب. مهدی

یکی از القاب مشهور امام زمان - که مسلمانان، منجی موعود را به این عنوان می‌شناسند - «مهدی» است. مهدی به معنای هدایت یافته و هدایت گر است؛ در واقع او تجلی واقعی «هدایت و راهنمایی» انسان‌ها در مهم‌ترین برهه از تاریخ بشری است. آن حضرت، همه انسان‌ها را به اوج کمال و تعالی رسانده و از غرقاب ضلالت و فساد نجات خواهد داد.

در روایتی آمده است: «أَمَّا سَمَى الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ مُضْلُولٍ عَنْهُ ...»^{۱۹۳}؛ «... قائم را بدان جهت مهدی گویند که مردم را به امری که گم کرده‌اند، هدایت می‌کند».

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «لَأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيَ»^{۱۹۴}؛ «به جهت اینکه به تمامی امور پنهان هدایت می‌شود».

بر این اساس مهدی «من هداه الله» است؛ کسی که خدا او را هدایت کرده است.

مهدی همان راه مستقیم الهی و کمال معنویت و انسانیت است. او در اوج هدایت و راهیابی قرار دارد؛ بنابراین می‌تواند همگان را به قله رستگاری و ایمان رهنمون شود؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «لقب مهدی بر او گذاشته شده؛ چون او مردم را به سوی خداوند هدایت می‌کند»^{۱۹۵}.

ج. اباصالح

در منابع و مصادر روایی، چنین کنیه‌ای برای امام زمان ذکر نشده است؛ گویا آن را خود مردم، ابداع کرده و در گرفتاری‌ها و مشکلات خود با آن امام زمان را به کمک طلبیده‌اند. در بعضی از کتاب‌ها، اباصالح، به عنوان یکی از کنیه‌های حضرت مهدی (عج) ذکر شده است؛ شاید به خاطر این روایت باشد که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه همراه خود را در سفر گم کردی، بانگ برآور: «ای اباصالح» یا «ای صالح»؛ خداوند رحمتش را بر تو فرود آورد؛ راه را به ما نشان ده»^{۱۹۶}. باید به این حقیقت توجه کرد که در جهان هستی، همه عوامل دست اندر کار، در خدمت حضرت مهدی (عج) هستند و اگر انسان گرفتار - به خصوص در بیابان - از او یاری بطلبد؛ به یقین خود آن حضرت یا کسانی که در خدمت او هستند، به کمکش شتافته و دستگیری‌اش خواهند کرد.

^{۱۹۲} (۱). الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۷۱ ..

^{۱۹۳} (۲). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ ..

^{۱۹۴} (۳). کتاب الغیبه، ص ۴۷۱؛ الغیبه النعمانی، ص ۲۳۷ ..

^{۱۹۵} (۴). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۵ ..

^{۱۹۶} (۱). من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۹۸؛ محاسن برقی، ج ۲، ص ۱۱۰ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
البته بر اساس بعضی از روایات، موکل بیابانها «صالح» نام دارد که می تواند طبق دستور امام زمان عمل کند^{۱۹۷}.

در بعضی از نوشته ها دو وجه درباره «اباصالح» ذکر شده است:

۱. در آیه ۷۲ سوره انبیا (وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ)، عنوان صالح به «نبی» اطلاق شده و کنیه «اباصالح» یعنی، پدر نبی و این بیانگر مقام والای حضرت مهدی (عج) است و چون آن حضرت از هر پیغمبری، خصوصیتی دارد و ویژگی های انبیا در او جمع است؛ لذا او را پدر انبیا می گویند.

۲. در آیه «الْحَقْنَا بِالصَّالِحِينَ»، مراد از صالح حضرت یوسف است. کنیه اباصالح

یعنی «پدر یوسف» و این نشانگر زیبایی و نیکی فوق العاده امام مهدی است، یعنی، پدر زیبایی ها^{۱۹۸}.

علامه مجلسی (ره) پس از بیان داستان نجات یافتن شخصی به نام شیخ قاسم - که با عبارت «یا اباصالح» به ساحت امام زمان متوسل شده و نجات یافته بود - می نویسد: «از علما و مؤمنان، کسانی را که با ما رفاقت و مصاحبت دارند، ایمان و تأکید دارند که نجات دادن درماندگان و گمشدگان در دشت و صحرا و نیز تحقق این گونه معجزات و کرامات در عالم امکان در عصر حاضر، جز از خلیفه الله، امام زمان (عج)، از شخص دیگری ساخته نیست؛ چرا که یکی از مقامات معنوی امام عصر (عج)، علم و آگاهی به احوال مردم و نجات دادن گرفتاران و گمشدگان است ...

مسئله دیگر این است که از قدیم الایام در میان عرب ها کنیه مبارک «اباصالح»، از کنیه های معروف و مشهور امام زمان بوده است. به همین دلیل، شاعران و خطیبان عرب، در میان سروده ها، اشعار و روضه های خود، آن حضرت را با این عنوان، یاد کرده و به کمک و یاری می طلبند. گمان می رود که ایشان، این اعتقاد را از حدیث «اربعمائه» (اصول چهارصدگانه) امیرمؤمنان علیه السلام به دست آورده باشد^{۱۹۹}.

د. بقیه الله

«بقیه الله» به معنای باقی ماندن چیزی یا کسی، از ناحیه خداوند برای مردم است. به تعبیر دیگر، هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد، «بقیه الله» محسوب می شود و از آنجا که

مهدی موعود (عج)، آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه الله» می باشد و از همه به این لقب شایسته تر است^{۲۰۰}. به ویژه آن که امام مهدی (عج) تنها باقی مانده پس از پیامبران و امامان است؛ از این رو در روایات متعددی به آن حضرت، لقب «بقیه الله» داده شده است.

^{۱۹۷} (۲). ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ۳۲۵؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۵۳ ..

^{۱۹۸} (۱). سؤال از امام مهدی (عج) در روایات، ص ۴۷ و ۴۸ ..

^{۱۹۹} (۲). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۰ ..

^{۲۰۰} (۱). تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴ ..

از جمله در روایتی آمده است: «چون مهدی خروج کند، پشت به کعبه می ایستد. با او ۳۱۳ مرد جمع می شود و نخستین چیزی که تکلم می فرماید، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرُ لَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». پس می گوید: «مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حَجَّتْ وَ خَلِيفَهُ أَوْ فِي مِثْلِهِ شَمًا». سپس هیچ کس بر او سلام نمی کند، مگر اینکه می گوید: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^{۲۰۱}.

بَقِيَّةُ اللَّهِ؛ یعنی کسی که در وجود او، همه موارث انبیا و ائمه علیهم السلام هست.

در واقع وجه اختصاصی حضرت ولی عصر (عج) به این است که «بَقِيَّةُ اللَّهِ» می باشد. مطابق روایتی که از خود ائمه علیهم السلام رسیده، در وجود مبارک امام زمان (عج) تمام مظاهر علم، قدرت و حکمت الهی یک جا جمع شده است.

ظهور ایشان و غلبه بر سراسر جهان، بزرگ ترین مظهر قدرت الهی است که به دست هیچ یک از ائمه علیهم السلام واقع نشده است.

روایت شده است: وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری به محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد، درباره جانشین آن حضرت سؤال کرد.

امام کودکی خردسال را به او نشان داد. احمد بن اسحاق پرسید: آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟ آن کودک زبان گشود و به زبان عربی فصیح فرمود:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ اثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ»؛ «مَنْ بَقِيَّةُ اللَّهِ بِرُؤُوسِ زَمِينٍ وَ مَنْتَقِمُ مِنْ دُشْمَنَانِ أَوْ هَسْتُمْ، أَيْ أَحْمَدُ إِسْحَاقُ! بَعْدَ أَنْ دَرَيْتَ أَنَّ فِيكَ نِشَانَهُ أَيْ طَلَبُ نَكْنٍ»^{۲۰۲}.

سلام مخصوص به آن حضرت نیز چنین است: «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^{۲۰۳}.

ه. حَجَّةُ اللَّهِ

حضرت مهدی (عج) آخرین حَجَّتِ الهی است؛ از این رو به آن حضرت حَجَّةُ اللَّهِ و حَجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ گفته می شود. البته پیامبران و اوصیای آنان، همگی «حَجَّت» اند؛ زیرا خداوند به وجود ایشان بر بندگان خود احتجاج می کند. بر اساس روایات فراوانی، هرگز زمین خالی از حجت نیست:

«لَوْ بَقِيَتْ بَغِيرُ إِمَامٍ لِسَاخَتٍ»^{۲۰۴}؛ «اگر زمین خالی از حجت باشد، اهلش را فرو می برد».

^{۲۰۱} (۲). منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۵۷ ..

^{۲۰۲} (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱ ..

^{۲۰۳} (۲). همان، ص ۶۵۳ ..

حجّت همچنین به معنای پیروزی و سلطنت خدا بر خلق است و آن حضرت بر عالم مسلّط و پیروز می شود و حکم خدا را اجرا می کند. نقش نگین امام مهدی (عج) نیز «انا حجة الله» است^{۲۰۵}.

داوود بن قاسم می گوید: از امام دهم شنیدم که می فرمود: جانشین من پسر من حسن است؛ شما نسبت به جانشین پس از جانشین من چه حالی خواهید داشت؟

عرض کردم: خداوند مرا فدایت کند، چرا؟ فرمود: برای آنکه شخص او را

نمی تواند ببیند و ذکر او به نام مخصوصش روا نیست. عرض کردم: پس چطور او را یاد کنیم؟ فرمود: بگوئید: «الحجّة من آل محمد»^{۲۰۶}.

و. صاحب الزمان

حضرت ولی الله الاعظم، صاحب الزمان (عج) است؛ به این معنا که امام زمان خویش است. از آنجا که هیچ گاه زمین از حجت خالی نیست. در هر زمان یک نفر از اولیای الهی، امام زمان خود و حجّت الهی و خلیفه الهی در روی زمین است.

بنابراین «صاحب الزمان» به معنای امام زمان و حجت خدا در روی زمین است و این امام، صاحب الامر به معنای پیشوایی است که اطاعتش بر همگان واجب است و اولوالامری است که در قرآن، اطاعتش همانند اطاعت خدا و رسول خدا واجب شده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ**^{۲۰۷}؛ «ای اهل ایمان، از خدا و از پیامبر و صاحبان امرتان اطاعت نمایید» طبیعی است که امام زمان و صاحب زمان و صاحب امر - به این معنا که حجت خدا بر روی زمین است - بر زمان و مکان و تمام موجودات امکانی احاطه دارد و این احاطه و تسلّط، به اذن و اجازه الهی است.

بر این اساس، از خصایص و مختصات حضرت ولی عصر (عج)، لقب مبارک «صاحب الزمان»، به معنای صاحب اختیار و مدبر این زمان است. از بعضی روایات استفاده می شود که آن حضرت، از آغاز زندگی بدین لقب، خوانده می شد. حسین بن حسن علوی می گوید: «دَخَلْتُ عَلَى ابْنِ مُحَمَّدٍ بِرَأْيِ فَهْنِيَّةٍ

سیدنا صاحب الزمان (عج) لما ولد»^{۲۰۸}؛ «در سامرا وارد بر حضرت عسکری شدم و او را در ولادت آقامان، صاحب الزمان تهنیت و شادباش گفتم».

^{۲۰۴} (۳). علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۸ ..

^{۲۰۵} (۴). منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۸۷ ..

^{۲۰۶} (۱). کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳؛ کتاب الغیبة، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹ ..

^{۲۰۷} (۲). نساء (۴)، آیه ۵۹ ..

^{۲۰۸} (۱). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۴ (به نقل از: شمس ولایت، ص ۵۶ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
در روایت اسماعیل نوبختی آمده است: حضرت عسکری خطاب به فرزند خود فرمود: «بشارت باد تو را که تو صاحب الزمانی ...».

ز. خاتم الاوصیاء

از خصایص حضرت مهدی (عج)، لقب زیبا و پر افتخار «خاتم الاوصیاء» است که او خاتم همه اولیا و اوصیای الهی است؛ زیرا او آخرین امام و پیشوای بعد از پیامبر اکرم است و به تعبیری، آخرین وصی از اوصیای همه پیامبران الهی است.

این لقب مبارک، به لسان پدر بزرگوارش جاری شده و او را بدین لقب خوانده است؛ چنان که در روایت اسماعیل نوبختی آمده است: بر حضرت عسکری وارد شدم (در همان کسالت و ناراحتی که از دنیا رفت) ... پس فرزند حضرت، او را وضو داد؛ امام عسکری به وی فرمود: «البشر یا بنی فانت صاحب الزمان و انت المهدی و انت حجة الله فی ارضه و انت ولدی و وصیی ... و انت خاتم الاوصیاء الائمة الطاهرين ...»^{۲۰۹}؛ «بشارت باد تو را ای فرزند عزیزم؛ زیرا تو صاحب الزمانی و تویی مهدی و تویی حجت خدا در زمین و تویی فرزند و وصی من و تویی خاتم اوصیاء (یعنی)، ائمه طاهرين ...».

ابونصر ظریف (خادم دودمان رسالت) می گوید: من روزهای اول ولادت حضرت مهدی (عج)، به خدمتشان رسیدم. به من نگاهی کرد و فرمود:

آیا مرا می شناسی؟ گفتم: تو آقای من و فرزند آقا و مولای منی. فرمود:

نه این مقدار نخواستم؛ عرض کردم: پس چه؟ فرمود: «انا خاتم الاوصیاء بی یدفع الله البلاء عن اهلی و شیعتی»^{۲۱۰}؛ «من خاتم اوصیا هستم؛ به وجود من، بلا از شیعیان و خاندان من دفع می شود».

ابن عربی در فتوحات مکیه می گوید: از آنجا که احکام شریعت محمدی صلی الله علیه و آله با احکام دیگر شرایع و انبیا فرق دارد ... و با آمدن او شریعت ختم شده است، آن حضرت این استحقاق را دارد که ولایت خاصه اش نیز ختم داشته باشد که این (خاتم اوصیا)، نامش مطابق نام حضرت (محمد صلی الله علیه و آله) و اخلاقش در بر گیرنده اخلاق آن حضرت باشد. او همان کسی است که مهدی نام دارد. معروف و منتظر است و از عترت و سلاله پیامبر است ...»^{۲۱۱}.

^{۲۰۹} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۹ ..

^{۲۱۰} (۱). کتاب الغیبة، ص ۲۴۶ ..

^{۲۱۱} (۲). فتوحات مکیه، ج ۱۲، ص ۱۲۷ و ۱۲۸ ..

فلسفه غیبت امام زمان (عج)

پرسش ۱۴. سبب غیبت امام زمان (عج) چیست؟ چرا امامی که باید بین مردم حضور داشته باشد و آنان را هدایت و رهبری کند، غایب شده و در پنهانی زندگی می‌کند؟

غیبت امام مهدی (عج) یکی از پدیده‌هایی است که با اراده و تدبیر خداوند رخ داده است؛ پس به طور حتم دارای حکمت و مصلحتی مهم و قابل توجه است.

عبدالله بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«صاحب الامر، غیبتی دارد که ناگزیر اتفاق می‌افتد و ناراستان و طرفداران باطل به شک می‌افتند». عرض کردم: «فدایت شوم چرا چنین می‌شود؟» فرمود: «به خاطر چیزی که ما اجازه نداریم، آن را برای شما بازگو کنیم». عرض کردم: «حکمت و فایده این غیبت چیست؟» فرمود: «حکمت غیبت او، همان حکمت غیبت آن عده از حجت‌های خداوند است که قبلاً از آنها یاد شده است؛ حکمت این غیبت نیز تا بعد از ظهور آن حضرت، بر مردم معلوم نخواهد شد؛ همان طور که حکمت کارهایی که خضر انجام داد، تا قبل از جدا شدنش از موسی، معلوم نشد.

ای پسر فضل! این امری الهی است و سرّ آن و جهات پنهانی آن نیز، الهی و به خدا مربوط است و هنگامی که ما می‌دانیم خداوند عزوجل حکیم است،

قبول و اعتراف می‌کنیم که تمام کارهایش، عین حکمت و درستی است؛ هر چند که علت و چرایی آن کارها، برای ما روشن نشده باشد»^{۲۱۲}.

بر اساس این حدیث، علت و حکمت اصلی «غیبت»، برای ما معلوم نیست و پس از ظهور مهدی (عج) آشکار می‌گردد؛ ولی در روایات متعدد دیگر، اسرار و عللی برای غیبت آن حضرت بیان شده که قابل توجه است و می‌تواند ما را نسبت به وقوع غیبت و لزوم آن به اطمینان بیشتری برساند.

در اینجا عوامل و حکمت‌های غیبت - بر اساس یک دسته‌بندی جدید و جامع - بیان می‌شود؛ بنابراین تقسیم، غیبت امام مهدی (عج) هم از جانب خدا و به خواست و اراده او بوده است و هم مردم، حاکمان ظالم و شیعیان در آن نقش و تأثیر داشته‌اند.

یک. اراده و خواست خداوند

^{۲۱۲} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۸، ج ۲۱۷ ..

طبق بیان روایات، غیبت امام مهدی (عج)، بیشتر از ناحیه خدا و بر اساس مشیّت، حکمت و اراده او بوده است. در روند پیشینه دار تاریخ، وقایع و رویدادهای شگفت و خارق العاده ای رخ داده و اینها بر اساس سنت و قوانین الهی حاکم بر هستی بوده است. زندگی طولانی و غیبت امام مهدی (عج) نیز از چهارچوب این قانون خارج نیست. خداوند با غیبت حجت خود، اهداف و اغراض زیر را در نظر داشته است:

۱- ۱. آزمون و امتحان مردم

یکی از حکمت الهی در مسئله «غیبت حجت»، امتحان و آزمایش انسان ها- به خصوص شیعیان- است؛ یعنی، امتحان و آزمایش گروهی که ایمان

محکمی ندارند تا باطنشان ظاهر شود. کسانی هم که ایمان در اعماق دل آنان ریشه دوانده، به واسطه انتظار و صبر بر شدايد و ایمان به غیب، ارزش و قدرشان معلوم می گردد و به درجاتی از ثواب نایل می آیند.

زراره بن اعین می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «قائم قبل از قیامش غیبتی دارد؛ گفتم: چرا؟ فرمود: می ترسد ... [تا آنجا که فرمود:] «... و هو المنتظر غیر ان الله یحب ان یمتحن الشیعه، فعند ذلک یرتاب المبطلون»^{۲۱۳}؛ «او منتظر است؛ اما خداوند دوست دارد شیعه را آزمایش کند؛ آن گاه معتقدان و طرفداران باطل به شک می افتند».

جابر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم، فرج شما چه هنگام خواهد بود؟

فرمود: «هیها! هیها! لا یكون فرجنا حتی تُغربلوا ثم تُغربلوا حتی یذهب الکیدر و یبقی الصفو»^{۲۱۴}؛ «دور است، دور است؛ فرج ما پیش نخواهد آمد تا اینکه غربال شوید، باز غربال شوید ... تا اینکه ناخالصی از بین برود و صافی باقی بماند».

بر این اساس آزمایش مردم از دو جهت صورت می گیرد:

الف. چون اصل غیبت بسیار طولانی می شود، بیشتر مردم در شک و تردید می افتند و برخی در اصل ولادت و بعضی نیز در بقای آن حضرت شک می کنند.

ب. شدت ها و پیشامدهای ناگوار، باعث می شود که حفظ ایمان و استقامت در راه دین، بسیار دشوار گردد و ایمان افراد در مخاطرات سخت واقع شود^{۲۱۵}.

^{۲۱۳} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۱۵۰ ..

^{۲۱۴} (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳ ..

^{۲۱۵} (۳). امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۵۱ و ۳۵۲ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
اگر کسی اعتقاد خود را به امام علیه السلام از دست ندهد و یا در مشکلات و سختی ها استقامت داشته و مؤمن باشد،
از این امتحان سربلند بیرون می آید.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «... لأبد للناس ان يمحضوا، و يميزوا و يغربلوا و يخرج الغربال خلق كثير»^{۲۱۶}؛
«مردم باید خالص و پاک شوند و از هم تمییز داده شد و غربال شوند و مردم بسیاری از غربال خارج شوند».

۱- ۲. اتمام حجت

با غیبت طولانی ولیّ الهی، همه گروه ها، افراد، اندیشه ها و نظام ها، امکان حکومت بر مردم و مدیریت جامعه را پیدا کرده و ضعف و ناتوانی خود را در اداره جامعه و رفع مشکلات و گسترش عدالت بروز می دهند. این در حالی است که حکومت و ولایت بر مردم، شایسته و بایسته اولیای الهی - به خصوص دوازده امام معصوم - است و خداوند می خواهد بدین ترتیب با مردم اتمام حجت کند و توجه و خواست آنان را به حکومت معصومان جلب نماید.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «ما یكون هذا الامر حتّی لا یبقی صنفٌ من النّاس الا و قد ولّوا علی الناس حتّی لا یقول قائلٌ: انا لو ولّینا، لعدّ لنا؛ ثمّ یقوم القائم بالحقّ و العدل»^{۲۱۷}؛ «ظهور تحقق نمی یابد تا اینکه گروهی نماند، مگر اینکه بر مردم حکومت کرده باشد تا کسی نگوید: اگر ما حکومت داشتیم؛ عدالت را (می گسترانیدیم)! آن گاه قائم به حق و عدل قیام می کند».

۱- ۳. تطابق و همسانی با پیامبران

خداوند بنابر مصالحی، انبیای گذشته را برای مدّتی از بین مردم مخفی می کرد؛ پس خواست که این موضوع را درباره حضرت مهدی هم پیاده کند تا

آن حضرت، آخرین غیبت را انجام دهد و این سنت الهی به طور کامل و تمام، به منصّه ظهور رسد. حنان بن سدير به نقل از پدرش از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«قائم ما غیبتی دارد که طولانی می شود»، عرض کردم: «ای فرزند رسول خدا! علّت آن چیست؟ فرمود: «ان الله عزوجل أبی الا ان یجرى فیہ سنن الانبیاء فی غیباتهم و انه لابدّ له ... من استیفاء مدد غیباتهم: قال الله عز و جل: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ اِی سَنّا علی سنن من كان قبلکم»^{۲۱۸}؛ «خداوند نمی خواهد این امر انجام شود؛ مگر اینکه تمام سنت هایی را که پیامبران در غیبت هایشان داشته اند، در این غیبت قرار دهد ... بنابراین باید تمام مدّت، مجموع غیبت های پیامبران، در این غیبت وجود داشته باشد. خداوند می فرماید: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»؛ مقصود این است که سنت های گذشتگان، در مورد شما جاری خواهد شد».

^{۲۱۶} (۱). همان ..

^{۲۱۷} (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴ ..

^{۲۱۸} (۱). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۶، ح ۲۱۲؛ الخرائج، ج ۲، ص ۹۵۵ ..

همان طور که در مباحث گذشته اشاره شد، امامان واسطه فیض الهی و منبع هدایت و راهنمایی مردم هستند. خداوند به منظور استمرار هدایت مردم- وقتی آنان در برهه‌ای از زمان نعمت بی‌نظیر الهی (امام معصوم) را قردان نبودند- طبق مصلحت، وجود او را در پس پرده غیبت قرار می‌دهد تا علاوه بر حفظ نظام عالم، نزول فیض و رحمت حق از طریق او به بندگان ادامه یابد و راه هدایت و رستگاری بر روی مردم باز باشد. به نظر می‌رسد با توجه به وجود مشکلات زیاد فراوی امامان، غیبت، بهترین وسیله این هدایت بخشی باشد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ أَمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ أَمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لَنَّا تَبْطُلَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ...»^{۲۱۹}؛

«زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن، قیام کند [به صورت] آشکار و شناخته شده و یا بیمناک و پنهان؛ تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود (دلیل‌های روشن هدایت از بین نروند)».

۱- ۵. ظهور نسل مؤمن از صلب کافر و منافق

طول غیبت، باعث می‌شود که در اصلا ب فاسدان و منافقان و کافران، اگر مؤمنی باقی باشد، همه به دنیا بیایند؛ چنان که شیوه امامان معصوم نیز چنین بوده و حتی پیش بینی‌هایی در مورد بعضی از افراد منافق و ناصبی داشتند. بعد از مدتی نیز از صلب آنان، افرادی مؤمن و دوستدار اهل بیت علیهم السلام به دنیا می‌آمدند.

ابراهیم کرخی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خداوند سلامت بدارد؛ آیا علی علیه السلام در دین خدا قوی نبود؟ فرمود: آری چنین بود: گفتم:

پس چگونه مردم بر او چیره شدند و او جلوی ایشان نایستاد؟ چه چیزی باعث شد جلوی آنها را نگیرد؟ فرمود: آیه‌ای از قرآن، او را از این کار بازداشت.

گفتم: آن آیه کدام است؟ فرمود: **لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا**^{۲۲۰}.

خداوند عز و جل فرزندان مؤمن، در پشت افرادی از کافران و منافقان قرار داده است و حضرت علی، پدران کافر یا منافق را نمی‌کشت تا اینکه این امانت‌های الهی از پشت آنان خارج شوند و وقتی این فرزندان از صلب آنان خارج می‌شدند، بر هر کدام که دست می‌یافت، با آنها می‌جنگید. قائم ما اهل بیت نیز چنین است، تا تمام امانت‌های الهی از

^{۲۱۹} (۲). نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷ ..

^{۲۲۰} (۱). فتح (۴۸)، آیه ۲۵ ..

جزوه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
پشت پدرانشان (کافران و منافقان) خارج نشوند، ظهور نکرده و کسی را نمی‌کشد. اما وقتی امانت‌ها خارج شدند، بر کافران و منافقان مسلط شده، آنان را می‌کشد»^{۲۲۱}.

۱- ۶. ظهور قدرشناسی

یکی از حکمت‌ها و اسرار مهم غیبت امام مهدی (عج)، توجه بیشتر مردم، به قدر و منزلت آن موعود امت‌ها است. پس از آن همه قدرناشناسی که نسبت به پدران بزرگوار آن حضرت روا داشتند، او در پس پرده غیبت قرار گرفت تا گوهر گران‌بهای وجودش، بیشتر مورد توجه قرار گیرد و هنگام ظهور با پذیرش و استقبال کامل مردم رو به شود.

دو. نقش و تأثیر مردم

یکی از عوامل مهم غیبت امام مهدی (عج)، عدم همراهی و تمکین مردم از آن حضرت و سستی و قصور در یاری امام علیه السلام است؛ چنان که امامان پیشین، از این ناحیه آسیب‌های فراوانی دیدند و مرارت‌ها کشیدند. نتیجه این معصیت و نافرمانی بزرگ مردم، کشته شدن و شهادت همه آنان و از دست دادن حکومت بوده است! بر این اساس غیبت امام مهدی (عج) بیشتر از ناحیه خود مردم بوده است؛ نه از سوی امام زمان (عج)، خواجه نصیرالدین طوسی می‌گوید:

«وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منّا»^{۲۲۲} «وجود امام، لطف است (از سوی خدا) و تصرف او [در امور] لطفی دیگر است و غیبت او، مربوط به خود ما است»؛ یعنی، عدم حضور امام و غیبت او از ناحیه خود ما و مشکلات و موانعی است که ما به وجود آورده‌ایم. در مورد نقش مردم در غیبت امام مهدی (عج) می‌توان به چند مورد اشاره کرد:

۲- ۱. تأدیب و متنبه شدن

وقتی مردم به وظایف و مسئولیت‌های خود، در برابر امام و پیشوای برحق خود، پایبند نباشند و از اطاعت و یاری او سرپیچی کنند و از جان و مالش

محافظت نکنند؛ روا است که خداوند، آن امام را برای مدتی از مردم جدا سازد و تأدیبشان کند. در این صورت مردم از بسیاری از مواهب و الطاف امام معصوم علیه السلام، بی‌بهره مانده و از برکات ظاهری وجود او محروم می‌شوند و این نشانگر غضب و خشم الهی است.

محمد بن فرج می‌گوید: امام ابوجعفر علیه السلام برایم نوشت: «إذا غضب الله - تبارک و تعالی - علی خلقه نحائناً عن جوارهم»^{۲۲۳}؛ «وقتی خداوند متعال بر مردم خشم گیرد، ما را از کنارشان دور می‌سازد».

^{۲۲۱} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۷، ح ۹ ..

^{۲۲۲} (۱). کشف المراد، ص ۲۸۵ ..

^{۲۲۳} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷، ح ۳۸؛ کافی، ج ۱، ص ۳۴۳ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسشنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
مروان انباری نقل می کند: از امام باقر علیه السلام [نوشته یا پیامی] صادر شد که:

«ان الله اذا کره لنا جوار قوم نزعنا من بین اظهرهم»^{۲۲۴}؛ «وقتی خداوند، بودن ما را در میان قومی ناخوش دارد، ما را از میان آنان خواهد برد».

۲-۲. ستمکاری و نادانی مردم

ظلم و ستمی که مردم هم بر خود و هم بر دیگران روا می دارند و از حجت الهی، به جهت جهل و نادانی شان بهره کافی نمی برند، موجب غیبت امام علیه السلام شده است. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: «واعلموا ان الارض لا تخلوا من حجة الله ولكن الله سيعمي خلقه منها بظلمهم وجورهم و اسرافهم على انفسهم»^{۲۲۵}؛ «ای مردم بدانید که زمین هرگز از حجت الهی خالی نمی ماند، اما پروردگار، مردم را به جهت ظلم و ستمی که مرتکب می شوند و نیز به جهت اسراف و زیاده روی های که در حق خود انجام می دهند، از دیدن حجت خودش (امام مهدی (عج)) محروم می سازد».

در نقل دیگر آمده است: «... لكن الله سيعمي خلقه عنها بظلمهم و جهلهم،

ولو خلت الارض ساعة واحدة من حجة الله ساخت باهلها لكن الحجة تعرف الناس و لا يعرفونها...»^{۲۲۶}؛ «... خداوند به واسطه نادانی و ستمکاری مردم، دیده ایشان را از دیدن حجتش فرو می بندد ... سپس حجت (در زمان غیبت) مردم را می شناسد؛ ولی آنان او را نمی شناسند».

سه. دشمنان عنود و ستمگر

یکی از موانع و چالش های اساسی فراروی امامان معصوم علیهم السلام، وجود حاکمان ظالم، دشمنان جاهل و کینه جو و نفاق پیشگان دنیا دوست بوده است. این امر منجر به غصب خلافت، کشته شدن امامان، انزوا و محدودیت، فشارهای مالی و اقتصادی، جلوگیری از ارتباط با مردم و ... شده بود.

امام مهدی (عج) نیز با همه این خطرات رو به رو بود و حکمت الهی اقتضا می کرد که آن حضرت از دیدگاه ها غایب شود. با توجه به این امر بدیهی، عوامل زیر در غیبت آن حضرت نقش و تأثیر زیادی داشته است:

۳-۱. جلوگیری از کشته شدن

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «بنی امیه و بنی عباس، شمشیرهای خود را برای ما تیز کردند؛ زیرا خوب می دانستند که آنها در خلافت حقی ندارند. آنان از ترس اینکه خلافت به جای خود برگردد و در میان صاحبان

^{۲۲۴} (۲). همان، ص ۴۹۸، ح ۲۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰ ..

^{۲۲۵} (۳). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۳، ح ۸ ..

^{۲۲۶} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۲، ح ۴۶۳ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
اصلی اش مستقر شود، به کشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و از بین بردن سلاله آن حضرت، همت گماشتند تا شاید از ولادت حضرت قائم جلوگیری کنند و یا او را به قتل برسانند؛ ولی خداوند اراده کرد که او را بر احدی از دشمنان آشکار نکند و نور خود را به اتمام رساند؛ اگر چه مشرکان خوش ندارند»^{۲۲۷}.

زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «یا زرارۀ لأبدٍ للقائم من غیبة»؛ «به درستی که برای قائم غیبتی هست». پرسیدم: برای چه: فرمود:

«یخاف علی نفسه»؛ «بر جان خویش می ترسد»^{۲۲۸}.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إذا ظهر قائمنا اهل البيت عليهم السلام» قال: ففررت منکم فوهب لی ربی حکماً؛ خفتکم علی نفسی و جئکم لما اذن ربی و اصلح لی امری»^{۲۲۹}؛ «وقتی قائم ما اهل بیت، ظهور کند، می گوید: ففررت منکم ... از میان شما رفتم چون از شما بر جان خود بیمناک بودم و اینک چون پروردگارم اذن داد و امر فرجم را به سامان رسانید، به میانتان آمدم».

در اینجا بیان دو نکته خالی از فایده نیست:

الف. ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی - که وعده حتمی خداوند است - باقی بماند؛ وگرنه او نیز مانند پدران بزرگوارش، از شهادت در مسیر تحقق اهداف الهی، استقبال می کند.

ب. خداوند متعال، هر چند قادر و توانا است که در هر زمان و هر ساعت، آن حضرت را ظاهر و به طور قهر و غلبه، بر تمام ملل و حکومت ها - پیش از فراهم شدن اسباب - غالب سازد؛ ولی چون جریان این جهان را بر مجرای اسباب و مسببات قرار داده و تا زمانی که اسباب چنان ظهوری فراهم نشود، قیام آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد و اگر پیش از فراهم شدن اسباب و مقدمات ظاهر شود، از حفظ قتل مصون نخواهد ماند^{۲۳۰}.

۳-۲. خطر دشمنان داخلی و اهل نفاق

علاوه بر خطری که از ناحیه خلفای عباسی متوجه امام مهدی (عج) بود؛ توطئه و اقدامات شومی نیز از طرف بعضی از نزدیکان فاسد و نفاق پیشه علیه آن حضرت صورت می گرفت و خطراتی را متوجه او می ساخت. نمونه روشن این خطر را می توان در اقدامات جعفر کذاب جست و جو کرد. او با دستگاه خلافت ارتباط نزدیکی داشت و می خواست به کمک آنان مقام و دارایی امام عسکری علیه السلام را تصاحب کند و فرزند او را به کشتن دهد ...!!

^{۲۲۷} (۲). منتخب الاثر، ص ۲۹۱ ..

^{۲۲۸} (۱). کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۱ ح ۷.

^{۲۲۹} (۲). اثبات الهداة، ج ۳ ص ۵۸۳ ح ۷۷۷

^{۲۳۰} (۳). ر. ک: امامت و مهدویت، ج ۳، ص ۳۴۷ ..

امام هادی علیه السلام می‌فرمود: «از پسر جعفر دوری کنید که او برای من، به منزله نمرود (پسر نوح) است نسبت به حضرت نوح که قرآن کریم در حق او می‌فرماید: نوح گفت: پسر من از کسان من است [ولی] خدا فرمود: ای نوح! او از کسان تو نیست که آن عملی (فرزند)ی است، غیر صالح»^{۲۳۱}.

بر این اساس امام عسکری علیه السلام فرمود: «... اگر جعفر بتواند مرا بکشد، هرگز دریغ نمی‌کند!!»^{۲۳۲} امام سجاد علیه السلام در پیش گویی خود، درباره جعفر کذاب می‌فرماید: «گویی با چشم خود می‌بینم که جعفر کذاب (برادر امام عسکری)، طاغوت زمانش را وادار کرده که به جست و جوی ولیّ خدا پردازد و آن غایب از دیده‌ها، در حفظ و حراست الهی است و حفاظت خانه پدر، بر عهده او است. این از باب جهالت جعفر به ولادت آن حضرت و طمع در کشتن او است، اگر دست بیابد، و این به طمع گرفتن میراث پدرش به ناحق است».

چهار. نقش امام زمان (عج)

غیبت و پنهان زیستی امام مهدی (عج)، می‌تواند از ناحیه و خواست خود آن حضرت باشد، یعنی، آن حضرت برابر تحقق بعضی از اهداف و برنامه‌هایش و رهایی از قید و بند حکومت‌ها و با اذن الهی، از دیده‌ها غایب شده است.

در این رابطه می‌توان به مؤلفه‌های زیر اشاره کرد:

۴-۱. بیعت نکردن با حاکمان

یکی از عواملی که در روایات بسیار به آن اشاره شده، عدم بیعت امام مهدی (عج) با خلفای جور و طاغوت‌ها است، آن حضرت به جهت اینکه مثل پدرانش مجبور به بیعت با آنان نشود، به فرمان خدا از چشم مردم مخفی شد.

«بیعت، نوعی عقد و قرارداد دو سویه بین حاکم و فرمانبرداران است که از یک سو خلیفه را متعهد به اداره جامعه ... می‌کند و از طرف دیگر بیعت‌کنندگان متعهد می‌شوند، ضمن شنیدن و اطاعت از خلیفه، از او حمایت کنند»^{۲۳۳}.

آن حضرت زمانی که ظهور می‌کند، بیعت هیچ کس و هیچ حکومت غاصب و ستمگری را - حتی به عنوان تقیه - بر گردن ندارد. او قیام می‌کند، در حالی که نسبت به احدی از جباران و حکومت‌های مختلف، تمکین و تسکین ندارد و از راه تقیه هم حکومت‌های غیر اسلامی ناکامل را در ظاهر امضا نکرده است. او اکمل مظاهر اسم «العدل»، «السلطان»، «الغالب» و «الحاکم» است و چنان شخصیت و مقامی از اینکه تحت سلطنت غیر خدا واقع شود. یا به حکومتی از حکومت‌های جائز به تقیه رأی داده باشد - بر حسب اخبار - محفوظ و محروس است و چنان که از اخبار فراوان استفاده می‌شود، آن حضرت به تقیه عمل نمی‌کند و حق را آشکار و باطل را از صفحه روزگار بر می‌اندازد. پس یکی از حکمت‌ها و

^{۲۳۱} (۱). الزام الناصب، ص ۱۱۴؛ يوم الخلاص، ج ۱، ص ۱۸۸ ..

^{۲۳۲} (۲). الزام الناصب، ص ۱۱۴؛ يوم الخلاص، ج ۱، ص ۱۸۹ ..

^{۲۳۳} (۱). نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۸۹ ..

مصالح غیبت، این است که امام علیه السلام، پیش از رسیدن وقت ظهور و مأمور شدن به قیام، ناچار نمی شود، مانند پدران بزرگوارش، از راه تقیه با خلفا و زمامداران و سیاستمداران وقت، بیعت کند و وقتی که ظاهر می شود، هیچ بیعتی در گردن او نیست و هیچ حکومتی را بر خود - غیر از حکومت خدا و احکام و قوانین قرآن، حتی به ظاهر و از روی تقیه هم - نپذیرفته است.^{۲۳۴}

امام زمان (عج) خود در این زمینه مرقوم فرموده است:

«... و اما عَلَهُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ ... أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَتُهُ لَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَأَنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي ...»^{۲۳۵}؛ «اما در مورد علت غیبت، خدای متعال می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود، شما را اندوهگین سازد ...» هر یک از پدران من بیعتی از طاغوت های زمان به گردن داشت، ولی من به هنگامی ظهور خواهم کرد که بیعت احدی از طاغوت ها، بر گردنم نباشد».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَيْعَةٌ»^{۲۳۶}؛ «قائم ما در حالی ظهور می کند که در گردن او، برای احدی، عهد و پیمان و بیعتی نباشد».

امام علی علیه السلام در این باره فرموده بود: «هنگامی که قائم ما قیام کند، برای احدی در گردن او بیعت نخواهد بود. از این جهت ولادت او مخفی می شود و خود از دیده ها پنهان می باشد»^{۲۳۷}.

۴-۲. آماده شدن جهان و افکار عمومی

یکی از علت های مهم غیبت امام مهدی (عج) و طولانی شدن پنهان زیستی آن حضرت، آماده ساختن جامعه بشری، برای رسیدن به مقصد نهایی و الهی خود است. آمادگی جهان عبارت است از: بالا رفتن سطح آگاهی مردم و درک نیاز به پیشوایی عادل و عالم، به وجود آمدن امکانات و زمینه های مناسب برای تشکیل یک حکومت جهانی، به ستوه آمدن مردم از ظلم و بیدادگری و خواست جهانی و مردمی برای گسترش و احیای عدالت، معنویت و امنیت جهانی. تا این زمان (آمادگی جهانی) فرا رسد، حضرت در غیبت خواهند بود؛ زیرا وظیفه حضرت، تحقق فراگیر و گسترده تمامی اهداف و برنامه های پیامبران و اولیا است و اقدامات و اصطلاحات او، نیازمند درک بالا و شعور متری از سوی مردم است.

^{۲۳۴} (۱). امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۵۰ ..

^{۲۳۵} (۲). یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ ..

^{۲۳۶} (۳). الغیبة النعمانی، ص ۸۹ و ۱۰۰؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۲ ..

^{۲۳۷} (۴). بشارة الاسلام، ص ۵۲؛ اعلام الوری، ص ۴۰۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۵۱ ..

شیخ طوسی می گوید: «فلسفه غیبت فقدان قدرت لازم امام است که باید مردم به آن همت گمارند؛ در واقع تا هنگامی که مردم زمینه اقتدار او را فراهم سازند، غیبت تداوم خواهد یافت؛ چرا که خداوند خواستار تقویت حضرت مهدی (عج)، به وسیله بشر است، نه فرشتگان»^{۲۳۸}.

۵- ۱. آماده سازی و تربیت شیعیان

یکی از حکمت های «پنهان زیستی» امام زمان (عج)، این بود که شیعیان ضعیف و کم ظرفیت، تربیت شده و سطح آگاهی و تحمل و آمادگی آنها بالا برود.

علی بن یقطین از امام کاظم نقل می کند که: «شیعیان با آرزوها، تربیت می شوند» پدرم یقطین به من گفت: چه آنچه راجع به سلطنت بنی عباس به ما گفته شده بود، انجام شد؛ ولی آنچه که به شما درباره فرج اهل بیت گفته شده بود، انجام نشد؟

به او گفتم: آن چه که به ما و شما گفته شده بود، هر دو از یک جا صادر شده است؛ نهایت اینکه وعده ای که به شما داده شد، سر رسید اما وعده ما- چون زمانش حتی نبود- هنوز نرسیده است. در عین حال ما را با ایجاد امید و آرزوی آن دوران تربیت کردند؛ چون اگر از همان نخست، به ما می گفتند که: فرج بیت، تا سال دویستم یا سیصدم انجام می شود، هر آینه مردم قساوت قلب می گرفتند و عموم آنان از اسلام بر می گشتند! اما همیشه به ما گفته اند: به همین زودی و با سرعت این کار انجام می شود تا قلب های مردم حفظ شود و فرج را نزدیک بدانند»^{۲۳۹}.

پرسش ۱۵. با این همه علاقه ای که از جانب ارادتمندان امام زمان (عج) اظهار می شود؛ چرا باز آن حضرت از دیده ها پنهان است؟

این پرسش در واقع، سؤال از علت تداوم و استمرار «غیبت» و «پنهان زیستی» امام مهدی (عج) است؛ از این رو بسیاری از مطالبی که در مورد اسرار و حکمت های «غیبت» آن حضرت بیان شده، در مورد تداوم آن نیز صادق است. از طرفی باید توجه کرد که:

الف. ثابت و روشن نیست که بسیاری از این ابراز علاقه ها و دوستی ها از جانب ارادتمندان، خالصانه و همیشگی است و در موقع نیاز و ضرورت نیز پایدار می ماند!! پس باید با کمک شاخص ها و معیارهایی تداوم و پایداری این اظهار ارادت و دوستی ها را سنجید و آن گاه ارزیابی درستی در این زمینه داشت!

ب. اظهار دوستی از سوی عده کمی از ارادتمندان کافی نیست؛ بلکه باید این خواست و توجه جهانی شده و بسیاری از مردم خواستار ظهور منجی موعود شوند.

^{۲۳۸} (۱). تلخیص الشافی، ج ۱ و ۲، ص ۹۵ (نشر عزیزی) ..

^{۲۳۹} (۱). مرآة العقول، ج ۴، ص ۱۷۶، ج ۶ (به نقل از: مطلع الفجر، ص ۲۷) ..

پس از بیان این مقدمه کوتاه، در پاسخ گفتنی است: بر اساس قانون عرضه و تقاضا (درخواست)، به همان نسبت که تقاضا وجود دارد، عرضه نیز وجود خواهد داشت. در غیر این صورت نظام زندگی به هم می خورد و تعادل از میان می رود و در نتیجه آشفتگی پدید می آید. چنان که می دانیم، سال ها بود که پیشوایان اسلام، در دسترس مسلمانان بودند و مردم را، به راه راست و دین حق، دعوت می کردند. به اعتراف دوست و دشمن، پیشوایان معصوم - از امام علی علیه السلام گرفته تا امام حسن عسکری علیه السلام - در تمام صفات برجسته انسانی و فضایل عالی دینی، بهترین افراد امت اسلام و برترین مردم بوده اند. با این حال، طی دو و نیم قرن بعد از رحلت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، تمام آن رهبران عالی قدر از صحنه سیاست اسلام کنار گذاشته شدند، تا آنجا که هرگاه اقدام به راهنمایی مردم غافل می نمودند، با شدت عمل و زندان و کشته شدن مواجه می گشتند. این موضوع به قدری روشن است که ما را از هرگونه توضیح بیشتر، بی نیاز می گرداند. خداوند متعال یازده شخصیت بی نظیر را - که جانشینان شایسته پیامبر اسلام بودند - به منظور رهبری جامعه انسانی، به جهان عرضه داشت؛ ولی به هیچ وجه، این عرضه، هماهنگ با «تقاضا» نبود. روی این اصل، چه بهتر که آخرین فرد آنان، برای مدتی طولانی از نظرها غایب گردد و به مردم جهان عرضه نشود تا بدین گونه، حس تقاضای چنین پیشوای عالی مقامی، در مردم گیتی پدید آید.

آن زمان هم که زمینه مساعد گردید، خداوند متعال وجود او را، عرضه داشته و در اختیار تقاضا کنندگان بگذارد. نکته جالب اینجا است که در بسیاری از روایات، از انتظار فرج و آمادگی مردم، برای ظهور امام زمان (عج) سخن به میان آمده و از کسانی که پیوسته در انتظار آمدن آن حضرت هستند، ستایش قابل توجهی شده است.

موضوع انتظار فرج، چیزی جز همان تقاضای عمومی، برای عرضه داشتن آن وجود مقدس نیست و چون این تقاضا هنوز به طور فراگیر وجود ندارد، آن حضرت در غیبت به سر می برد و وجود تعداد اندکی علاقه مند و دوستدار - هر چند در جای خود بایسته و پسندیده است - در این دنیای پنهان، کفایت نمی کند و تا زمانی که تعداد این یاران و خواستاران زیاد نشود و تقاضای ظهور جهانی نگردد، «پنهان زیستی» و «ناپیدایی» آن حضرت ادامه می یابد.

در ادامه به برخی از عوامل تداوم غیبت و شرایط ظهور اشاره می شود:

پیامبران گذشته نیز - از نوح، صالح، لوط، شعیب و هود گرفته تا ابراهیم، موسی، زکریا، یحیی و عیسی - همواره از آزار و اذیت های دنیا گروان و باطل گرایان در امان نبودند و فشارها و سختی های فراوانی تحمل کردند و اهدافشان به طور کامل تحقق نیافت و از آنجا که امام مهدی (عج) عصاره فضایل تمامی انبیا و ادامه دهنده راه آنان است. برای تحقق آرمان ها و اهداف آنها، نیاز به زمان و فرصت مناسب و امکانات و ابزار لازم دارد لذا تا زمانی که احتمال همان برخوردهای نادرست قبلی وجود داشته و تعداد یاران و دوستداران اندک باشد، «پنهان زیستی» او نیز ادامه و استمرار خواهد داشت.

بیداری وجدان بشریت

بسیاری از پیامبران الهی وقتی که می‌دیدند با همه سعی و کوششی که در راه هدایت بشر مبذول می‌دارند، وجدان خفته آنان بر اثر طغیان عواطف و سرکشی غرایز بیدار نمی‌گردد و به راهنمایی‌های آنان ترتیب اثر نمی‌دهند؛ آخرین چاره را در این می‌دیدند که جامعه را به حال خود واگذارند و مدتی از میان آنها بیرون بروند؛ باشد که توده سرکش و مردم هواپرست، با احساس تنهایی

و بی‌سرپرستی، درباره روش و سرنوشت خود تجدید نظر کنند و با فراغت بیشتر و فرصت بهتری، وجدان خفته‌شان بیدار شود و در جو مناسبی، پی به هدف‌های نورانی پیامبران و مکتب عالی خدا پرستی آنها ببرند.^{۲۴۰}

قرآن می‌فرماید: چون ابراهیم خلیل، از راهنمایی قوم بت تراش و بت پرست خود مأیوس گشت و با تهدید و عکس العمل شدید آنها مواجه گردید، فرمود:

و اعْتَرِلْکُمْ و ما تدعون من دون الله و ادعوا ربّی؛ «من از شما و آنچه از غیر خدا می‌خوانید، کناره می‌گیرم و خدای خود را می‌خوانم».

ابراهیم علیه السلام با این منطق از میان کلدانیان بیرون آمد و به شهر «حرّان» شام رفت.

مردم آنجا هم مشرک بودند و آفتاب و ماه و ستاره می‌پرستیدند ... پس از آن شهر رهسپار فلسطین شد. با رفتن او از آن دو منطقه، مردم به وجدان خفته خود بازگشتند. آن گاه با بیداری وجدان و فرونشستن طغیان عواطف خویش، به یاد تبلیغات و راهنمایی‌های سودمند ابراهیم علیه السلام افتادند و از همین رهگذر - و در غیبت آن حضرت - تعداد قابل ملاحظه‌ای به خدای یگانه ایمان آوردند و موحد شدند.

همچنین در سوره «یونس» آمده است: چون یونس علیه السلام، قوم سرکش خود را دعوت به دین خدا نمود و آنان نپذیرفتند؛ پس آن را تهدید کرد که سرکشی شما، از طرف خداوند، بدون عکس العمل نمی‌ماند و به زودی عذاب الهی - که واکنش و نتیجه رفتار ناپسند شما است - می‌رسد و همه را فرا می‌گیرد. چون باز هم گوش نکردند، از میان قوم بیرون رفت و آنها را به حال خود گذاشت. با رفتن و ناپدید شدن یونس (غیبت او از میان مردم)، و دیدن علایم عذاب، قوم او به خود آمدند و سخنان او را به یاد آوردند. پس با بیداری وجدان، توبه کردند و عذاب هم نازل نگردید ...

امام صادق علیه السلام در بخشی از فرموده‌های خود به این بُعد غیبت امام زمان اشاره کرده، می‌فرماید: «... وجهُ الحکمه فی غیبتہ وجهُ الحکمه فی غیبات من تقدّمه من حجّج الله تعالی ذکره ...»^{۲۴۱}؛ «... وجه حکمت غیبت، همان حکمت غیبت پیامبران پیشین است».

^{۲۴۰} (۱). ر. ک: جعفر سبحانی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، صص ۱۸۷-۱۹۷ ..

^{۲۴۱} (۱). کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۱؛ علل الشرایع، ص ۳۴۵، ح ۸؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱، ح ۴ ..

بر این اساس غیبت و دوری برخی از پیامبران از جامعه خود- مانند حضرت ادریس، یوسف، موسی، یونس، یحیی، صالح و ...- می تواند توجیه کننده تداوم «پنهان زیستی» امام زمان (عج) باشد.

با توجه به این بیان، روشن می شود که خداوند طی ده ها قرن، برای هدایت افکار و بیداری وجدان های بشر و تعدیل عواطف و غرایز آنها، رهبرانی شایسته برانگیخت؛ ولی بشر خیره سر، دست از خود سری های خود بر نداشت. اگر عکس العمل موافقی هم نشان داد، نسبت به زحمات و تلاش های پیامبران و پیشوایان خود، بسیار ناچیز و بی ارزش بود. بنابراین بایسته است که آخرین حجت الهی، مدتی طولانی از دسترس بشر خارج گردد تا همین غیبت طولانی و کناره گیری، وجدان ها را از خواب گران بیدار کند و در غیاب وی، استعداد و آمادگی پیدا کنند. هنگامی که از هر نظر شایستگی یافتند، آن پیشوای غایب باز می گردد و جهان را پر از عدل و داد، نورانیت، حکمت و عقلانیت می کند و ریشه ظلم و ستم و فساد را بر می کند «یملأ الارض عدلاً و قسطاً و نوراً و برهاناً...»^{۲۴۲}.

مقصود از آمادگی و بالا رفتن سطح آگاهی، این است که انسان ها به موقعیت و ارج وجود خود پی ببرند و تحمل ظلم و فساد را، زندگی ننگین و مرگباری تلقی کنند که شایسته مقام انسان نیست آن گاه با ارزیابی شرایط و امکانات خود و ستم قدرت های طاغوتی، بذل انقلاب را در سرزمین مستعد و آماده بپاشند و با شیوه های گوناگون، در آبیاری آن بکوشند.

پس تا زمانی که در توده ها چنین آگاهی پدید نیاید و انسان ها بر ارزش خود واقف نگردند و امکانات خود و طرف را درست نسنجند، «غیبت» ادامه خواهد داشت و سستی و تنبلی مردم، موجب طولانی شدن آن خواهد شد.

البته این گروه ارادتمند و دوستدار، باید به صورت منسجم و آماده واقعی عمل کنند و ارتشی مهیا و نیرویی ضربتی کار آمد تشکیل دهند که پشت سر امام علیه السلام ایستاده و گوش به فرمان او باشد. این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز گردند و جانباز و فداکار باشند. تربیت و تشکیل چنین افرادی تاکنون میسر نبوده و به این سادگی نیز ممکن نخواهد شد؛ مگر اینکه همت و تلاشی ویژه صورت گیرد و به اظهار دوستی ساده، ختم نشود!!

پرسش ۱۶. چرا امتحان به غیبت حضرت مهدی (عج) از شدیدترین امتحانات است؟

یکی از حکمت ها و اسرار غیبت و پنهان زیستی امام مهدی (عج)، امتحان و آزمایش انسان ها- به خصوص شیعیان- است. آنان در این ابتلا و آزمون، باید پابندی و باور عمیق خود به مهدویت و میزان اخلاص و علاقه خود را نشان دهند. در غیبت امام مهدی (عج) شباهت هایی به سایر پیامبران وجود دارد؛ به ویژه آنکه آنها نیز دارای غیبت- کوتاه مدت یا طولانی- بودند. خداوند همان طور که با غیبت پیامبران، امت آنان را آزمایش کرده است؛ می خواهد امت اسلامی را نیز بیازماید و شاید این برابری طول غیبت خاتم الاوصیاء

با غیبت مجموع پیامبران، برای این باشد که می خواهد این امت را با آزمایش هایی سخت تر از آزمون آنها، بیازماید.

از روایات مختلف، به دست می آید که مؤمنان در دوره غیبت، گرفتار آزمایش های بزرگی خواهند شد؛ چنان که امت های قبلی نیز دچار آزمون ها و ابتلاهای مختلفی بودند: **أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ**^{۲۴۳}؛ «آیا مردم گمان می کنند، همین که به زبان بگویند ایمان آوردیم، دست از سر آنها بر می داریم و آزمایش نمی شوند؟ مردمی را که قبل از ایشان بودند نیز آزمودیم و خداوند می داند که چه کسانی راستگو و چه کسانی دروغگویند و در امتحان درست یا نادرست از آب در آیند ...».

از آنجایی که غیبت طولانی می شود، عده ای از مردم دچار تردید، حیرت و ...

می شوند و از باور به ظهور منجی موعود، بر می گردند؟! این آسیب ها و عوامل مشکل زا در عصر غیبت، عبارت است از:

۱. **حیرت و سرگردانی**؛ امام عسکری علیه السلام فرمود: «بدانید که فرزندم غیبتی خواهد داشت که نادانان، در آن دچار سرگردانی می شوند؛ و آنها که برای ظهورش از پیش خود وقت تعیین می کنند، به دروغ گویی می افتند»^{۲۴۴}. ابن عباس نیز گفته است: «پس از یک غیبت طولانی و حیرت ظلمانی، ظاهرمی شود»^{۲۴۵}.

۲. **گمراهی و ضلالت**؛ یعنی در این دوران، عده ای از مردم از مسیر حق برگشته، دچار انحراف و گمراهی می شوند و از هدایت های الهی باز می مانند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: **«تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ»**^{۲۴۶}؛

«برای او غیبت و برای امت حیرتی خواهد بود که خیلی ها در آن دوران گمراه خواهند شد».

سیدیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «... وای بر شما! در کتاب جَفر نظر انداختم ... و در ولادت قائم ما و غیبت او و طولانی شدن آن و مدت عمر وی، تأمل کردم و دیدم که مردم با ایمان، گرفتار بلاها و مصیبت ها هستند و به جهت طولانی شدن دوران غیبت، در دل هایشان شک و تردید راه می یابد و بیشتر آنها از دینشان بر می گردند»^{۲۴۷}.

^{۲۴۳} (۱). عنکبوت (۲۹)، آیه ۲ و ۳ ..

^{۲۴۴} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۲، ح ۱۸۹ ..

^{۲۴۵} (۳). يوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۴۶؛ الزام الناصب، ص ۶۲ ..

^{۲۴۶} (۴). كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲ ..

^{۲۴۷} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۱۶۲ ..

۳. **برگشت از اعتقاد به مهدویت؛** امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امام علی علیه السلام نقل می کند: «در دوران غیبت جز دینداران ناب- که یقین در جانهای رسوخ کرده و خداوند از آنان بر ولایت ما پیمان گرفته و ایمان در جانهایشان ثابت کرده و به دم الهی یاریشان نموده است- کسی بر اعتقاد خود، استوار نخواهد ماند»^{۲۴۸}.

در همین مضمون از امام عسکری و امام سجاد علیه السلام نیز روایاتی نقل شده است^{۲۴۹}.

۳. **قساوت و تیره شدن دل ها؛** به جهت طولانی شدن غیبتش، دل ها سخت و تیره می شود و جز آنها که خداوند ایمان به او را در قلوبشان نشانده و به دم الهی یاریشان کرده است، کسی دیگر بر اعتقاد او باقی نماند»^{۲۵۰}.

۴. **عدم تحمل و بردباری؛** امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «شتاب مردم برای این کار آنان را هلاک می سازد. خداوند برای شتاب مردم، شتاب نمی کند؛ برای این امر، مدتی هست که باید پایان پذیرد. اگر مدت آن سرآید، نه ساعتی جلو می افتد و نه ساعتی تأخیر می شود»^{۲۵۱}.

۵. **شک در حیات و زنده بودن حضرت؛** امام صادق علیه السلام فرموده است: «... جداً مورد آزمایش قرار می گیرید تا جایی که مردم می گویند: مهدی، مرده یا کشته شده است؛ اگر زنده است، پس کجا است و چه می کند؟! چشمان مؤمنان بر او می گریند و همچون کشتی طوفان زده، به اضطراب می افتند؛ به جز کسانی که خداوند از آنان پیمان گرفته و به دم الهی یاریشان کرده، کس دیگری رستگار نخواهد شد»^{۲۵۲}.

۶. **انحراف و برگشت از دین؛** یکی از ابتلائات و آسیب های دوران غیبت، برگشت عده ای از آیین الهی و ضعف و سستی در دینداری و یگانه پرستی است.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «هنگامی که پنجمین فرزند امام هفتم، از دیده ها ناپدید شد، از خدا بترسید و به او پناه ببرید و در مورد دین و آیین خود، کسی شما را از دینتان منحرف نکند [؛ زیرا] برای صاحب این امر غیبتی هست تا آنها که به او عقیده دارند، از اعتقاد خود باز گردند»^{۲۵۳}.

محمد بن مسلم و ابوبصیر روایت کرده اند که امام صادق علیه السلام فرمود: «این کار به سامان نمی رسد [و ظهور محقق نمی شود] مگر اینکه دو سوم مردم از دین برگردند؛ ما گفتیم: اگر دو سوم مردم از دین برگردند، دیگر چه کسی باقی خواهد ماند؟! امام علیه السلام فرمود: آیا دوست ندارید در بین یک سوم باقی مانده باشید؟»^{۲۵۴}.

^{۲۴۸} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۴، ح ۱۱۷ ..

^{۲۴۹} (۳). ر. ک: همان، ج ۳، ص ۷۹، ح ۱۸۰ و ص ۴۶۷، ح ۱۲۷ ..

^{۲۵۰} (۴). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۸، ح ۲۰ ..

^{۲۵۱} (۵). اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۹؛ الغیبة النعمانی، ص ۱۵۸ ..

^{۲۵۲} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۳، ص ۱۵۴ ..

^{۲۵۳} (۲). الغیبة النعمانی، ص ۷۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰؛ منتخب الاثر، ص ۲۱۸ ..

^{۲۵۴} (۳). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۳۳۱ ..

۷. دشواری حفظ ایمان؛ شدت ها و پیشامدهای ناگوار و تحولاتی که روی می دهد، مردم را زیر و رو کرده و حفظ ایمان و استقامت در این راه را دشوار می سازد و ایمان افراد در مخاطرات سخت واقع می شود!

امام باقر علیه السلام فرموده است: «بعد از غیبت و حیرت ظاهر می شود؛ در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می مانند که در ایمان خود، مخلص و با روح یقین

همراه باشند و آنان کسانی اند که خداوند از آنها درباره ولایت ما پیمان گرفته و در دل آنها، ایمان را مستقر ساخته و آنها را با روحی از خود تأیید کرده است»^{۲۵۵}.

۸. کمبودها و نارسایی های زندگی؛ یکی از امتحانات مردم در عصر غیبت و ابتلائات شدید آنان، گرانی، کساد، مرگ و میر، جنگ ها، کمی محصولات کشاورزی، دچار شدن به پادشاهان ستمگر و ... است.

امام صادق علیه السلام خطاب به محمد بن مسلم فرمود: «پیش از قیام قائم (عج)، نشانه هایی است که خداوند آنها را ظاهر خواهد ساخت». محمد بن مسلم پرسید: آنها چیست؟ فرمود: خداوند آنها را چنین بیان فرموده است:

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ^{۲۵۶}.

«لنبلونکم»، یعنی امتحان می کنیم شما مؤمنان را قبل از خروج قائم (عج).

«بشی من الخوف»، یعنی، به وسیله پادشاهان ... در آخر سلطنت آنها.

«والجوع»، یعنی، با گرانی قیمت ها. «و نقص من الاموال»، یعنی، با کساد تجارت و کمی درآمد. «و الانفس»، یعنی، با کمی رشد زراعت.

«و بشر الصابرين»، یعنی، نوید بده در آن زمان، صبر پیشگان را با ظهور قائم و آن بعد از یک فتنه سخت و کمرشکن است که هر دوستی و خویشی را درهم می ریزد.

همسایه به همسایه اش هجوم برده، گردنش را می زند! در چنین روزگاری، به زمین بچسبید و دست و پای خود را تکان ندهید»^{۲۵۷}. و نیز فرموده است: «ترس اهل عراق و بغداد را احاطه می کند و مرگ ناگهانی و پیاپی در آنجا شایع می شود و کمبود در اموال، اشخاص و میوه ها ظاهر می شود و زراعت کمتر رشد می کند»^{۲۵۸، ۲۵۹}.

^{۲۵۵} (۱). کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۱۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۲۹ ..

^{۲۵۶} (۲). بقره (۲)، آیه ۱۵۵ ..

^{۲۵۷} (۳). ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۰؛ الغیبة النعمانی، ص ۱۳۲ ..

^{۲۵۸} (۴). يوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۳۸ ..

^{۲۵۹} رحیم کارگر، دفتر بیست و هفتم (مهدویت (پیش از ظهور)) پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: هشتم، ۱۳۹۰.

۹. **اختلاف و تبری از همدیگر؛** یکی از آسیب های فراروی جوامع اسلامی در این دوران، وجود اختلافات و کشمکش ها و پراکندگی و دوری مردم از همدیگر است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایتگر و نشانه حق را به چشم نبینید؟ گروهی از گروه دیگر بیزاری می جویند»^{۲۶۰}.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «چه بر شما خواهد گذشت، وقتی امام هدایتگر ... را به چشم نبینید، گروهی از گروه دیگر بیزاری می جویند؛ آن گاه سخت مورد آزمایش واقع می شوید و ناخالصان شما، از راستان شما، جدا خواهند شد. اول روز در اخبار و آثار اختلاف و مشاجره خواهید داشت و آخر روز، کارتان به کشت و کشتار خواهد کشید»^{۲۶۱}.

۱۰. **دروغ گویی و تعیین وقت ظهور؛** امام صادق علیه السلام فرموده است: آنان که وقت تعیین کردند، دروغ گفتند ما اهل بیتی هستیم که وقت معین نمی کنیم ...»^{۲۶۲}.

۱۱. **ضعف و سستی در حفظ عقاید حقه؛** عصر غیبت، دوران هجوم شبهات، فزونی انحرافات و اندیشه های نادرست و باطل و دنیا گرایی ها و نادانی ها است و بدین جهت، پا برجا ماندن بر عقاید درست و حق دشوار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که امر غیبت، واقع شود، به آنچه در دست دارید (عقاید حقه) چنگ بزنید تا قضیه آشکار شود و فرمان خدا فرا رسد»^{۲۶۳}.

و نیز: «برای مردم روزگاری فرا می رسد که همگان دچار تب و لرز می گردند علم و دانش در آن دوران، در هم پیچیده می شود؛ آن سان که مار در لانه خود؛

به دور خویش می پیچید. در آن هنگام ستاره آنها طلوع می کند». گفته شد:

مراد از تب و لرز چیست؟ فرمود: «روزهای فترت که همگان دچار ضعف و سستی می گردند؛ در آن ایام بر عقاید خود استوار باشید تا خداوند ستاره شما را ظاهر گرداند».

نتیجه گیری:

با توجه به این آسیب ها و چالش ها، روشن می شود که در عصر غیبت، امتحان و آزمون انسان ها بسیار دشوار است و آنان باید از این مراحل سخت و طاقت فرسا عبور کنند و میزان پابندی، باورمندی، بردباری و استقامت خود را نشان دهند. به یقین در دورانی که احتمال سرگردانی، گمراهی، تردید و برگشت از اصل مهدویت، قساوت و دلمردگی، بی اعتمادی به آموزه های دینی، انحراف و فسادگری، هواپرستی، مشکلات و کمبودهای زندگی، اختلافات و دشمنی ها، دروغ گویی و ناراستی، ضعف و سستی در دین داری و ... بیشتر از هر عصری وجود دارد؛ باید متدینان و یکتا پرستان

^{۲۶۰} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۳۳۴ ..

^{۲۶۱} (۲). همان، ص ۴۷۳، ح ۱۵۵ ..

^{۲۶۲} (۳). الغیبة طوسی، ص ۲۶۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۴ ..

^{۲۶۳} (۴). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳؛ یوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۳۱ ..

در اعتقاد خود به منجی موعود، استوار و پابرجا باشند و از این آزمون سخت، سربلند بیرون آیند. بر این اساس است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «... کسانی که در دوره غیبت حضرت مهدی (عج) بر اعتقاد به او استوار هستند، از کبریت احمر نایاب ترند. جابر بن عبدالله انصاری بلند شد و گفت: ای رسول خدا! آیا فرزندان قائم غیبت خواهد کرد؟ فرمود:

آری به خدا قسم؛ **وَلَيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ**^{۲۶۴}؛ «خداوند مؤمنان را جداً می آزماید و کافران را از میان بر می دارد»^{۲۶۵}.

باید برای رستگاری و موفق شدن در این آزمایش ها، تلاش کرد و آن گونه که در روایات آمده، رستگاری کامل جز برای دینداران ناب و مخلص و کسانی که جان شان با یقین در آمیخته و اعتقادشان محکم و شناختشان از نادانی ها و نادرستی ها پیراسته شده است؛ برای کسی دیگر میسر نیست.

فقط با داشتن چنین شرایط و حالاتی است که بنده پروردگار، به قضای الهی و حکم پروردگار در تمام امور، خشنود است و نسبت به غیبت و دیگر مسائل مربوط به آن هیچ شک و تردیدی به دل راه نمی دهد و بر اعتقاد به امامت امام غایب استوار و ثابت می ماند و همیشه یاد او را در دل دارد و این چیزها جز با تلاش پیگیر و حرکت در راه بندگی حقیقی و خالصانه، از راه دیگری به دست نمی آید^{۲۶۶}.

چرایی دوازده امام

پرسش ۱۷. چرا خداوند فقط دوازده امام، انتخاب کرد تا مجبور شود یکی از آنها را غایب کند تا ما بدون سرپرست باشیم؟

اگر ما مثلاً ۲۴ امام داشتیم، دیگر امام زمان (عج) غایب نمی شد و ما هم این طور بلا تکلیف نبودیم؟!

غیبت دارای علل و حکمت های فراوانی است؛ از آن جمله رشد و آمادگی مردم برای پذیرش حکومت عدل الهی توسط امام معصوم است. هم چنان که برای برادران یوسف لازم بود مدتی از یوسف علیه السلام محروم باشند و نیازها و سختی ها آنها را به جایی برساند که حل مشکل خود را به دست یوسف ببینند.

به طوری که وقتی یوسف را شناختند با احترام و فرمانبرداری، قدرشناس حضرت یوسف باشند. چنین نیازمندی برای جامعه بشری لازم است احساس شود، به طوری که همه نظریه پردازان و مدعیان نجات بشریت به این نتیجه برسند که توانایی حل بحران های جامعه بشری را ندارند و در همه احساس نیاز به منجی حقیقی پیدا شود لذا گذر از دوران

^{۲۶۴} (۱). آل عمران (۳)، آیه ۱۴۱ ..

^{۲۶۵} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۱، ح ۱۰۷ ..

^{۲۶۶} (۱). علی سعادت پرور، ظهور نور، ص ۹۹ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

غیبت برای جامعه بشری لازم است اگر چه تعداد امامان زیاد می بود البته در عدد ۱۲ اسراری نیز هست که به برخی از آنها اشاره می شود.

وجود دوازده امام

یکی از مباحث مشترک میان شیعه و سنی، وجود دوازده خلیفه و امام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این اعتقاد بر اساس روایات فراوانی است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده و در آنها از وجود دوازده جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن به میان آمده است. هر چند در تعیین مصداق این دوازده خلیفه و ولی، در میان مسلمین اختلاف هست؛ اما اصل آن مورد پذیرش قرار گرفته است.

بر اساس تفاسیر، مبنای این باور داشت، آیاتی چند از قرآن است که در آنها از دوازده نقیب بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً^{۲۶۷}، دوازده چشمه فَأَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا^{۲۶۸} و دوازده ماه إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا^{۲۶۹} مثال آورده و سخن گفته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در حدیث ثقلین، به مسلمانان دستور داد که از قرآن و عترت او تبعیت کنند. آن گاه تعداد و نام آنان را بیان کرد و حتی دوازدهمین آنان را قائم و خاتم ایشان قرار داد. اصبع بن نباته از ابن عباس روایت کرده که پیامبر گرامی اسلام فرمود:

«ای مردم! بدانید که خداوند برای شما، دری قرار داده که هرکس به آن در وارد بشود، از آتش و ترس بزرگ روز قیامت در امان است». ابو سعید خدری برخاست و عرض کرد: ای پیامبر! ما را به طرف آن هدایت فرما تا او را بشناسیم.

حضرت فرمود: «آن در علی بن ابی طالب است که سید اوصیا و امیر مؤمنان و برادر رسول خدا است. ای مردم! هر کس دوست دارد به دستگیره مطمئنی که شکست در آن راه ندارد، متمسک شود؛ باید به ولایت علی بن ابی طالب تمسک کند ... ای مردم! هر کس می خواهد خدا و رسول را دوست بدارد، باید بعد از من به علی بن ابی طالب و امامان از نسل من اقتدا کند که آنان گنجینه های علم من هستند».

جابر بن عبدالله انصاری به پا خاست و عرض کرد: ای رسول خدا! امامان (بعد از شما) چند نفرند؟ حضرت فرمود: ای جابر! خدا تو را رحمت کند، از همه اسلام پرسیدی ... تعداد آنان به تعداد ماه های سال است که آن در نزد خدا، در کتاب الهی - از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده - دوازده می باشند.

تعداد امامان، به تعداد چشمه هایی است که برای موسی بن عمران جاری شد؛ زمانی که عصای خود را به سنگ زد و از آن دوازده چشمه جاری شد. تعداد امامان، به تعداد رؤسای بنی اسرائیل است که خداوند فرموده است: وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ

^{۲۶۷} (۱). مائده (۵)، آیه ۱۲ ..

^{۲۶۸} (۲). بقره (۲)، آیه ۶۰ ..

^{۲۶۹} (۳). توبه (۹)، آیه ۳۶ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
اثنی عشر نَقیباً بنابراین ای جابر! امامان دوازده نفرند. اولین آنها علی بن ابی طالب و آخرین آنها قائم مهدی می باشند»^{۲۷۰}.

از دیدگاه شیعه، جانشینان و اولیای پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده معصوماند و از این حدیث و سایر روایات مشابه، به دست می آید که انحصار امامان در «عدد دوازده»، سنت و خواست الهی است که تغییرناپذیر بوده و نمونه‌هایی نیز در طول تاریخ داشته است. تعداد و اسامی آنان از قبل مشخص بوده و نور وجودیشان در لوح محفوظ، ضبط گشته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در موارد مختلف و با تعبیرات گوناگون، به آنان اشاره کرده و فکر و ذهن مسلمانان را متوجه ایشان ساخته است. اسامی و تعداد آنان غیر قابل تغییر بوده و کسی نمی‌تواند در آنها کم یا زیاد کند. عبارات رسول اکرم صلی الله علیه و آله - به خصوص در منابع اهل سنت - به شرح زیر است:

۱. دوازده خلیفه

«انّ هذا الامر لا ینقضی حتی یمضی فیهم اثنا عشر خلیفه»^{۲۷۱}؛ «این امر (دین اسلام)، به سر نیاید تا دوازده خلیفه و جانشین را پشت سر گذارد» و نیز فرمود: «لا یزال هذا الدین قائماً حتی یکون علیکم اثنا عشر خلیفه»^{۲۷۲}؛ «تا وقتی که دوازده خلیفه و جانشین با شما است، این دین پیوسته بر پا است».

همچنین: «لا یزال الاسلام عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه»^{۲۷۳}؛ «همواره اسلام به وجود دوازده خلیفه، سرافزار و عزیز است».

۲. امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله

«الائمة من بعد اثنا عشر من اهل بیتی»^{۲۷۴}؛ «امامان پس از من دوازده نفرند که از اهل بیت من می‌باشند». پیامبر صلی الله علیه و آله در حق علی علیه السلام فرمود: «الا انه ... الامام بعدی و ابو الائمة الزهر الاثنی عشر و منها مهدی هذه الامة ...»^{۲۷۵}؛ «امام بعد از من و پدر امامان دوازده گانه (علی) است و مهدی این امت از ما است».

۳. همان نقبای بنی اسرائیل

^{۲۷۰} (۱) بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۶۳ ..

^{۲۷۱} (۱) صحیح مسلم، ص ۱۸۲۱ ..

^{۲۷۲} (۲) کنز العمال، ج ۳۰۹۲۹؛ صحیح مسلم، ج ۶ ص ۴؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۸۹ ..

^{۲۷۳} (۳) صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳ ..

^{۲۷۴} (۴) الاعتقادات، ص ۱۰۴؛ کفایة الاثر، ص ۱۴۵ ..

^{۲۷۵} (۵) الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۱۴ و نیز ر. ک: بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۶ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. مهدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

«انّ عدّة الخلفاء بعدی، عدّة نقباء موسی»^{۲۷۶}؛ «شمار جانشینان من، به تعداد نقبای موسی است». و نیز «یملک هذه الامّة من خلیفه، اثنا عشرة كعدّة نقباء بنی اسرائیل»^{۲۷۷}؛ «امر این امت را دوازده خلیفه بر عهده می گیرند، به اندازه عدد نقبای بنی اسرائیل».

۴. دوازده امیر

«لا تزال من امتی علی الحق ظاهرین، حتی یكون علیهم اثنا عشر امیراً کلّهم من قریش»^{۲۷۸}؛ «همچنان امت من بر حق استوار باشند، مادامی که دوازده امیر بر آنان خلافت کند که همه شان از قریش هستند». در صحیح بخاری از جابر بن سمره نیز روایت شده است: «سمعت رسول الله یقول: اثنا عشر امیراً ... قال: کلّهم من قریش»^{۲۷۹}.

۵. اولیا و اوصیای بعد از نبی

«انّ اولیائی، و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی، اثنا عشر، (اولّهم) اخی (علی) و آخرهم ولدی (المهدی)»^{۲۸۰}؛ «اولیا و اوصیا و حجت های خدا بر بندگان پس از من، دوازده نفرند اول آنان برادرم (علی) و آخرشان فرزندم (مهدی) است». و نیز: «لا یزال امر الناس ماضیاً ما ولیّهم اثنا عشر رجلاً»^{۲۸۱}؛ «امر مردم همچنان می گذرد تا زمانی که دوازده مرد بر آنان، ولایت داشته باشند».

در پایان گفتنی است که خداوند مجبور به غایب کردن امام نیست؛ بلکه مشیّت و اراده الهی بر حفظ جان و پنهان زیستی او قرار گرفته است. با این حال

جامعه بدون سرپرست و ولیّ رها نشده است و مردم بی تکلیف نمانده اند؛ زیرا امام غایب، فقط ظهور ندارد و این به معنای تعطیلی وظایف و مسئولیت های او نیست. او در جامعه حضور دارد و به طور ناشناس در میان مردم زندگی می کند و به بسیاری از مسئولیت های خود- از جمله ولایت و سرپرستی باطنی جامعه و هدایت تکوینی آنان- عمل می کند.

در عین حال برای جامعه، سرپرستان و حاکمانی تعیین کرده- به صورت عام- و آنان را جانشین خود قرار داده است. اینان فقیهان و دانشمندانی هستند که معارف عترت را اخذ می کنند و در اختیار مردم قرار می دهند. همچنین عهده دار اداره و رهبری سیاسی جامعه، اجرای حدود، قضاوت و ... می باشند.

طول عمر امام مهدی (عج)

^{۲۷۶} (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۱۴۹۷ ..

^{۲۷۷} (۲). مسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۸ و ۴۰۶؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۹۰؛ کنز العمال، ج ۳۱۲، ص ۳۳، ۳۳۸۵۷ ..

^{۲۷۸} (۳). المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد ایوب اللّخمی الطبرانی، ج ۲، ص ۲۵۳ ..

^{۲۷۹} (۴). صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷ ..

^{۲۸۰} (۵). فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲؛ ینابیع المودة، ص ۵۳۶ ..

^{۲۸۱} (۶). صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۸۲ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
پرسش ۱۸. اگر امام مهدی (عج) انسانی زنده است که در طول یازده قرن با نسل های پیاپی هم عصر بوده و در قید حیات به سر برده، چگونه توانسته چنین عمر طولانی را به دست آورد؟

اساساً چگونه ممکن است پذیرفت وی از گستره شمول قوانین طبیعی و زیست شناختی که موجب پیری و ناتوانی و سرانجام مرگ، برکنار مانده است؟

پرسش درباره طول عمر حضرت مهدی و توجیهات مختلف در این زمینه، همواره و از سوی افراد و گروه های مختلف مطرح بوده است. این مسئله را می توان از چشم اندازهای مختلفی بررسی و از نظر علمی و تجربی، منطقی و عقلی، قرآنی، تاریخی و روایی بررسی نمود و طول عمر حضرت مهدی (عج) و سایر معمرین را اثبات کرد.

برای اثبات این انگاره، ابتدا دلایل مختلفی بر امکان یا وقوع «طول عمر» ارائه می گردد؛ سپس این مسئله در مورد حضرت مهدی (عج) تطبیق داده می شود.

ابتدا گفتنی است که برای مدت زندگی انسان، حدی که تجاوز از آن محال باشد، تعیین نشده است.

از طرف دیگر، پیری معلول گذشت زمان نیست؛ بلکه معلول اختلالاتی است که در اعضای بدن حادث می شود. چه بسا اگر اختلالی در اعضای بدن یک فرد رخ ندهد، امکان دارد تا سال هایتمادی با بدنی سالم و شاداب، زندگی کند.

پس باید روشن شود که مسئله طول عمر امام زمان (عج)، هرگز امری بعید یا غیر قابل قبول نیست و علم و دانش، نه تنها عمر طولانی را محال نمی داند؛ بلکه امکان آن را نیز به اثبات می رساند. از نظر معارف اسلامی نیز، این امر جزو مسلمات؛ بلکه حتی بدیهیات است.

برخی از دلایل مهم اثبات «طول عمر» حضرت مهدی، به شرح زیر است:

یک. از لحاظ علمی و تجربی

علوم امروز، امکان طول عمر را تأیید کرده و کوشش بشر را در این راه، نتیجه بخش، موفقیت آمیز و لازم می شناسد و برای طول عمر، حد و اندازه ای معلوم نمی کند.

تقلیل مرگ و میرها و طولانی شدن عمر، وارد مرحله عملی شده و با سرعت رو به تکامل است و حد متوسط عمر از ۴۷ سال به ۷۴ سال رسیده است.

در این زمینه می توان نظر علوم مختلف را چنین تبیین کرد:

الف. زیست شناسان می گویند: اگر اختلالات و آسیب هایی که به انسان می رسد و موجب کوتاهی عمر او می شود، رفع گردد، عمر او به دویست سال خواهد رسید. برخی می گویند: انسان باید سیصد سال عمر کند؛ اینکه می بینیم هفتاد یا هشتاد سال عمر می کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهای دیگر سرایت می کند.^{۲۸۲}

بر اساس نظر دانشمندان، پیری جز فرسوده شدن سلول های بدن نیست و اگر روزی بشر بتواند سلول های بدن انسان را جوان نگه دارد، خواهد توانست به راز طول عمر دست یابد و از عمری دراز برخوردار گردد. از نظر دانش جدید، جسم انسان برای سالیانی دراز، دارای قابلیت حیات و بقا است. دانشمندانی که نظریات آنان مورد اعتماد است، می گویند: همه بافت های اصلی در جسم انسان و حیوان، تا بی نهایت قابلیت دارد و از این جهت کاملاً ممکن است که انسانی هزاران سال زنده بماند؛ البته مشروط به اینکه عوارضی بر او عارض نشود که ریسمان حیات او را پاره کند.^{۲۸۳}

ب. در قوانین طبیعی، در مورد مقدار عمر طبیعی بشر، هیچ اصل ثابت و غیر قابل تغییری وجود ندارد. به همین دلیل، دانشمندان علوم تجربی، همواره در حال مطالعه و آزمایش اند و می کوشند تا متوسط طول عمر انسان را افزایش دهند.

بدون شک اگر مقدار عمر طبیعی انسان، دارای اصول ثابت و غیر قابل تغییر بود، این مطالعات و آزمایش ها، به معنا و مفهومی نداشت. دانشمندان با تحقیقاتی که به عمل آورده اند. موفق شده اند عمر برخی از حشرات را تا نهصد برابر عمر طبیعی آن، افزایش دهند. اگر این قضیه روزی در مورد انسان به حقیقت پیوندد، عمر هزار ساله برای انسان، امری پیش پا افتاده خواهد بود.^{۲۸۴}

امام زمان (عج) هم عالم کامل و هم عامل به قوانین و پدیده های الهی است و این دو در سایه تقدیر الهی، دیرزیستی و سالم زیستی را به همراه داشته است.^{۲۸۵}

دو. امکان منطقی و عقلی

حکما و فلاسفه گفته اند: بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع شدن آن چیز است. همین که طول عمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد زیادی را به ما نشان می دهد که عمری دراز داشته اند، خود دلیل روشنی است بر اینکه طول عمر، از دیدگاه عقل، امری ممکن است و بنابراین طول عمر حضرت مهدی (عج) امکان پذیر است.

^{۲۸۲} (۱). مجله دانشمند، سال ۶، ش ۱، ص ۴۳ ..

^{۲۸۳} (۲). برای آگاهی بیشتر ر. ک: ائمتنا، ج ۲، ص ۳۷۱؛ منتخب الاثر، ص ۲۸۱؛ المهدی، ص ۱۴۱ ..

^{۲۸۴} (۳). فصلنامه انتظار، ش ۶، ص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ به نقل از: علی محمد علی دخیل، ائمتنا، ج ۲، ص ۳۷۲ ..

^{۲۸۵} (۴). سید محمد تقی آیت الهی، مقاله طول عمر، کتاب نینوا و انتظار، ص ۲۶۹ - ۲۷۲ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
خواجه نصیر الدین طوسی می گوید: «طول عمر مهدی (عج) اتفاق افتاده و محقق شده است؛ چون چنین است؛ بعید شمردن طول عمر در مورد مهدی (عج) جهل محض است»^{۲۸۶}.

علامه طباطبایی نیز می نویسد: «هیچ قاعده و برهان عقلی وجود ندارد که بر محال بودن طول عمر دلالت کند. به همین جهت نمی توانیم، طول عمر را انکار کنیم»^{۲۸۷}.

سه. طول عمر از نظر ادیان

مسئله طول عمر تا حدودی مورد پذیرش ادیان قرار گرفته و آنها از عمر بسیار طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده اند. تورات فعلی، در سفر تکوین (اصحاح ۵، ۹ و ۱۱) و ... افرادی از پیغمبران و دیگران را نام برده و عمرهای طولانی هر یک را - که متجاوز از چهارصد، ششصد، هفتصد، هشتصد و نهصد بوده - به صراحت بیان داشته است.

علاوه بر این معتقدند: «ایلیا»، زنده به آسمان برده شده است^{۲۸۸}.

ادیان باستانی دیگر (مثل زرتشتی و بودایی) نیز از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر، خبر داده اند و همه قائل به طول عمر؛ بلکه بقای حیات اشخاص تا این زمان هستند^{۲۸۹}.

مسیحیان نیز معتقدند: حضرت عیسی پس از قتل، زنده شد و تاکنون زنده است.

چهار. تجربه تاریخی

نظر تاریخ نیز به عنوان یکی از دلایل امکان طول عمر، مطرح می باشد.

در طول تاریخ، فراوان بوده اند کسانی که مدت زمان بسیار طولانی و غیر عادی زندگی کرده و در تاریخ به «معمّین» مشهور شده اند. بر این اساس اگر مسئله «طول عمر» در تاریخ زندگی بشر اتفاق افتاده باشد - اگر چه در مواردی نه چندان زیاد - تکرار موارد یا مورد مشابه آن، امری طبیعی، معقول و قابل تحقق و پذیرفتنی خواهد بود. فلاسفه می گویند: بهترین دلیل، برای امکان چیزی، واقع شدن آن است.

روشن است که نقل تاریخی - به ویژه نقل متواتر و مشهور - سبب یقین و باور می گردد. این نقل، یکی از راه های حصول علم و یقین و یکی از مهم ترین منابع اطلاعات بشر است. منابع روایی و کتاب های تاریخی، افراد زیادی از «معمّین» را نام برده و شرح نسب و احوال زندگی و فرزندان و حوادث حیات آنان را ثبت کرده اند. اینان معمولاً عمرهایی بسیار دراز داشته اند؛ مانند:

^{۲۸۶} (۱). خورشید مغرب، ص ۲۱۴ ..

^{۲۸۷} (۲). المیزان، ج ۱۲، ص ۵۲-۳۵ ..

^{۲۸۸} (۳). ر. ک: اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۴ ..

^{۲۸۹} (۱). صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۷۲ و ۳۷۳ ..

۱. آدم علیه السلام: ۹۳۰ تا ۱۰۰۰؛

۲. شیث بن آدم: ۹۱۲ تا ۱۰۰۰ سال؛

۳. انوش بن شیث: ۹۵۰ سال؛

۴. ذوالقرنین: ۳۰۰۰ سال؛

۵. طهمورث: ۱۵۰۰ سال؛

۶. سطیع کاهن: ۶۰۰ سال؛

۷. مهلائیل: ۸۹۵ سال؛

۸. سلمان فارسی: ۲۵۰ سال؛

۹. ادريس عليه السلام: ۹۶۵ سال؛

۱۰. اسماعیل علیه السلام: ۱۳۷ سال؛

۱۱. اسحاق علیه السلام: ۱۸۰ سال؛

۱۲. یردبن مهلائیل: ۹۶۲ سال؛

۱۳. متوشلح (متوشالح): ۹۶۹ سال و ... ۲۹۰.

پنج. قرآن و روایات

در دین اسلام، امکان عمر طولانی، یکی از مسائل مورد اتفاق است و آیات بسیاری در قرآن هست که امکان طول عمر زیاد را یادآوری می کند و در تفاسیر و کتاب های روایی نیز آمده است.

قرآن به صراحت از عمر طولانی نوح علیه السلام خبر می دهد: **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا^{۲۹۰}**؛ «به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ پس در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد».

^{۲۹۰} (۱). برای مطالعه در این زمینه: امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۰۲ و ۴۰۴؛ علی محمد دخیل، الامام المهدی؛ محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۹۹؛ خورشید تابناک، ص ۱۵۱ و ۱۵۲؛ حیدری کاشانی، حکومت عدل گستر؛ علامه مجلسی، بحار الانوار ..

^{۲۹۱} (۲). عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴ ..

عموم مسلمانان اتفاق دارند که عیسی و بلکه خضر و ادریس و الیاس نیز زنده هستند و عیسی علیه السلام در آخرالزمان به زمین خواهد آمد و به حضرت مهدی (عج) در نماز اقتدا خواهد کرد^{۲۹۲}.

قرآن درباره عیسی علیه السلام می‌فرماید:

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ... وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا. بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ...^{۲۹۳}؛ «گفته ایشان - که ما مسیح عیسی بن مریم، رسول خدا را کشتیم - صحیح نیست، زیرا آنها نه او را کشتند و نه به دار آویختند؛ بلکه [امر] بر آنها مشتبه شد ... او یقیناً کشته نشده؛ بلکه خدا او را به سوی خود بالا برده است».

در روایات زیادی نیز به زنده بودن عیسی و بازگشت او در آخرالزمان و همراهی‌اش با مهدی موعود، اشاره شده است؛ به عنوان نمونه: «کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»؛ چگونه خواهید بود هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما (مهدی) از خودتان باشد؟»

علاوه بر این در روایات طول عمر دجال نیز مطرح شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دجال زنده است و غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود»^{۲۹۴}.

شش. اعجاز و قدرت الهی

یکی از راه‌های مهم اثبات امکان «طول عمر»، «اعجاز» و قدرت الهی است.

با توجه به نصوص معتبر روایی، حضرت مهدی (عج)، با قدرت الهی زنده است و در میان مردم به حیات خود ادامه می‌دهد، همان خدایی که آتش را

برای ابراهیم سرد و وسیله سلامتی قرار می‌دهد، عیسی و خضر را پس از قرن‌ها زنده نگه‌می‌دارد؛ می‌تواند مهدی موعود را نیز با قدرت بی‌کران خود، زنده نگه‌دارد.

علامه طباطبائی نیز از مسئله «طول عمر» به عنوان «خرق عادت» یاد کرده، می‌نویسد:

«نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت می‌توان پذیرفت. البته خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند، تنها همان‌ها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی - که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم - وجود ندارد».

^{۲۹۲} (۱). امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۷۳ ..

^{۲۹۳} (۲). نساء (۴)، آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ ..

^{۲۹۴} (۳). مسند احمد، ج ۴، ص ۴۴۴ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
از این رو ممکن است در فردی و یا افرادی از بشر، اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیاری طولانی - هزار یا چندین هزار ساله - برای ایشان تأمین نماید»^{۲۹۵}.

در هر صورت؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داده و ائمه معصومین نیز بشارت داده‌اند که حضرت حجت، فرزند امام حسن عسکری، همان کسی است که در بامداد روز نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق عالم را به نور جمال خود منور ساخته است.

او بعد از غیبت بسیار طولانی، ظهور نموده و جهان را پر از عدل و داد می‌کند^{۲۹۶}.

با توجه به اینکه این بشارت‌ها قطعی، مسلم و متواتر است و خداوند نیز بر هر کاری قادر و توانا است؛ دیگر جای شبهه و شک و تردید نیست.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«در نظر تان شگفت نیاید که خداوند، عمر صاحب این امر را طولانی کند؛ همچنان که عمر نوح را طولانی نمود».

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز فرموده است:

«فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین علیه السلام؛ خداوند عمرش را در غیبتش طولانی کند، سپس به قدرت خود آشکار سازد، به صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد»^{۲۹۷}.

سفیران و جانشینان امام در عصر غیبت

نائبان امام زمان (عج)

پرسش ۱۹. می‌گویند حضرت ولی عصر (عج) در غیبت صغری، سفیران مخصوصی داشته که مطالب لازم و وقایع را به حضور امام می‌رسانند، برای آشنایی بیشتر، خصوصیات و فعالیت‌های آنان را بنویسد.

اینان افرادی امین، پرهیزگار و مورد اعتماد و با نام و نشان خاصی در میان شیعیان بودند و به عنوان نماینده و نایب خاص حضرت در بین مردم زندگی می‌کردند.

هدف از نیابت و سفارت

^{۲۹۵} (۱). شیعه در اسلام، ص ۱۵۱ ..

^{۲۹۶} (۲). امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۷۴ و ۳۷۵ ..

^{۲۹۷} (۱). منتخب الاثر، ص ۲۰۶، ح ۲ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
نمایندگی و نیابت امام زمان (عج)، با دو هدف عمده صورت می گرفت:

یک. آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری و عادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام علیه السلام و جلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت؛ اگر امام معصوم علیه السلام، به طور ناگهانی غیبت می کرد، چه بسا موجب انکار مطلق وجود مهدی (عج) و انحراف افکار عمومی می شد. نمایندگان خاص امام زمان (عج) در دوران غیبت صغری، به این هدف و غرض - که آماده سازی

افکار و اذهان عمومی برای «غیبت کبری» بود - نایل آمدند و لذا لزومی به امتداد غیبت صغری نبود.

دو. رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان (عج) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان. بدین وسیله امام زمان (عج) توانست رهبری خویش را در جامعه اعمال و خسارت های ناشی از عدم حضور مستقیم خود را تا حدودی جبران کند.^{۲۹۸}

مهم ترین وظایف و فعالیت های نوآب خاص عبارت بود از:

۱. پنهان نگه داشتن نام و مکان زندگی امام مهدی (عج) و رفع شک و تردید درباره آن حضرت؛

۲. جلوگیری از تفرقه، اختلاف، فرقه گرایی و انشعابات شیعیان؛

۳. پاسخ گویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی مردم؛

۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت و افشا و رسوا کردن آنها؛

۵. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام؛

۶. سازماندهی های دیگر و کیلان و سفرای امام در شهرها و مناطق مختلف و ...^{۲۹۹}

تعداد و اسامی نوابان خاص

در عدد نوآب امام زمان (عج) اختلاف هست. سید بن طاووس در کتاب **ربیع الشیعه** اسامی آنان را چنین ذکر کرده است: ابوهاشم داوود بن قاسم، محمد بن علی بن بلال، عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، عمر الاهوازی، احمد بن اسحاق، ابو محمد الوجنان، ابراهیم بن مهزیار و محمد بن ابراهیم.^{۳۰۰}

^{۲۹۸} (۱). تاریخ غیبت صغری، ص ۴۲۶ ..

^{۲۹۹} (۲). برای مطالعه بیشتر ر. ک: زندگانی نوآب خاص امام زمان (عج)، ص ۸۴ - ۸۹ ..

^{۳۰۰} (۳). رجال ابو علی، ص ۳۱۲ ..

شیخ طوسی نیز وکلا را این گونه معرفی کرده است: عمری و پسرش، حاجز، بلالی و عطار از بغداد، عاصمی از کوفه، محمد بن ابراهیم بن مهزیار از اهواز، احمد بن اسحاق از قم، محمد بن صالح از همدان، شامی و اسدی از ری، قاسم بن العلاء از آذربایجان و محمد بن شاذان از نیشابور^{۳۰۱}.

اما وکالت چهار نفر در بین شیعیان معروف است: عثمان بن سعید، محمد عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري. هر یک از آنها نیز در شهرهای مختلف نمایندگانی داشتند^{۳۰۲}.

ظاهراً نمایندگان اصلی امام، همین چهار نفر بودند و افراد دیگر، یا نماینده این چهار تن در شهرستان ها و بلاد بودند و یا اگر هم نماینده امام بودند، از طریق این چهار تن، امور مردم را به عرض امام می‌رساندند و یا به گفته سید محسن امین، سفارت این چهار تن مطلق و عام بود؛ ولی سفارت و نیابت دیگران در موارد خاص بود^{۳۰۳}.

در روایتی از غیاث بن اسد، تعداد و اسامی نائبان امام، چنین آمده است:

«... نماینده آن حضرت، عثمان بن سعید بود. عثمان هنگام مرگ، نمایندگی را به پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان سپرد و او این منصب را برای ابو جعفر ابو القاسم حسین بن روح وصیت کرد. او نیز منصب نمایندگی را به ابوالحسین علی بن محمد سمري ... واگذار کرد. وقتی هنگام وفات علی بن محمد سمري رسید، از او خواستند که برای نمایندگی وصیت کند، او گفت: خدا را امری است که خود آن را به انجام می‌رساند. غیبت تأمه (کبری)، همان غیبتی است که بعد از سمري (ره) واقع شد»^{۳۰۴}.

اینان یکی پس از دیگری، برنامه نیابت و نمایندگی از طرف امام علیه السلام را اجرا می‌کردند و تعیین آنان به دست خود امام علیه السلام بود که به وسیله توقیع مبارک، که در آخر عمر یکی از این نواب صادر می‌شد، نایب بعدی تعیین می‌گردید.

ملاک اساسی و اصلی در تعیین نایب عبارت بود از: تقوا و خدا ترسی، زهد و دیانت، درک صحیح و فهم عمیق درباره مسائل اجتماعی و سیاسی، حسن سابقه و خوش نامی (که موجب اطمینان و اعتماد کامل مردم شود)، شجاعت، قدرت تحمل و استقامت و شکیبایی در برابر پیشامدهای غیرمنتظره و بالاخره دوستی و دشمنی در راه خدا و برای رضای او و فدا کردن همه چیز در راه اقامه حق و اجرای تعلیمات اسلام.

در اینجا به معرفی اجمالی نایبان چهارگانه پرداخته می‌شود:

۱. عثمان بن سعید عمری

^{۳۰۱} (۱). رجال مامقانی ج ۱ ص ۲۰۰ اثبات الهداة ج ۷ ص ۲۹۴.

^{۳۰۲} (۲). رک ابراهیم امینی دادگستر جهان ص ۲۹۴.

^{۳۰۳} (۳). اعیان الشیعة ج ۴ ص ۲۱ (بخش ۳)

^{۳۰۴} (۴). بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۵ ح ۱۵

عثمان بن سعید، نخستین نایب خاص و سفیر امام زمان (عج) و دارای مقامی والا در نزد شیعیان است^{۳۰۵}. او از شاگردان و وکیلان مورد اعتماد امام دهم و یازدهم و مردی جلیل‌القدر و مورد اطمینان بوده است.

کنیه وی «ابو عمرو» و لقب‌های پر افتخارش، عبارت بود از: عمری، اسدی، عسکری، سمان و زیات. این لقب‌ها به جهت انتساب او به قبیله بنی‌اسد، نام جد مادرش (عمری)، سکونت در عسکر (سامرا)، روغن فروشی به دستور امام علیه السلام جهت استتار در فعالیت‌های سیاسی - مذهبی و ... بوده است.

امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود: «عمری و پسرش، هر دو ثقه و مورد اعتمادند؛ هر آنچه از سوی من برای تو آوردند، تردید مکن که از سوی ما است و هر چه می‌گویند از جانب ما است. بنابراین سخنان آن دو را بشنو و از آنان پیروی کن و بدان که هر دو امین و مورد اعتمادند»^{۳۰۶}.

پس از رحلت امام یازدهم، حضرت مهدی (عج) جناب عمری را در وکالت ابقا و به سفارت خویش برگزید. بر این اساس او نخستین سفیر و نایب امام زمان (عج)، رابط میان او و شیعیان و دوستانش در رسانیدن نامه‌ها و مسائل و حل مشکلات آنان بود^{۳۰۷}.

۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری

بعد از وفات عثمان بن سعید، فرزندش محمد به جای پدر نشست و به وکالت ناحیه مقدسه منصوب شد. کنیه وی ابو جعفر و القابش، عمری، عسکری و زیات بوده است.

حضرت مهدی (عج)، محمد بن عثمان را به جای پدر برگزید تا همان نقش حساس و اساسی را که پدرش در دوران پر افتخار خود بر عهده داشت، ایفا کند و طی نامه‌های متعددی به بزرگان شیعه، به همه اطلاع داد که محمد را به عنوان نایب دوم برگزیده است.

یعقوب بن اسحاق گفته است: به وسیله محمد بن عثمان، نامه‌ای خدمت امام زمان (عج) فرستادم و از برخی مشکلات دینی سؤال کردم؛ جواب نامه به خط مبارک امام واصل شد و در ضمن آن نوشته بود: «محمد بن عثمان عمری، موثق و نامه‌هایش، نامه‌های من است»^{۳۰۸}.

محمد بن عثمان همانند پدر، از بزرگان شیعه و از نظر تقوا، عدالت و موقعیت اجتماعی، مورد قبول و احترام خاص شیعیان و از یاران مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود.

^{۳۰۵} (۱). تاریخ غیبت صغری، ص ۳۷۹ و ۳۹۵ ..

^{۳۰۶} (۱). اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۰؛ الغیبة، ص ۲۱۹ ..

^{۳۰۷} (۲). ر. ک: امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور، ص ۲۷۲ ..

^{۳۰۸} (۳). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹، ج ۲ ..

محمد بن عثمان، بسان پدرش سفیر و رابط میان حضرت مهدی (عج) با تمامی شیعیان آن حضرت بود؛ چه شیعیانی که در عراق می‌زیستند و چه دوستداران و ارادتمندانی که از قم و دیگر شهرهای اسلامی در پی امام خویش بودند و از سفیر و نایب خاص او، سراغش را می‌گرفتند. محل خدمت و سفارت او در بغداد بود^{۳۰۹}.

او اموال و حقوق شرعی را از شیعیان دریافت می‌داشت و به صورت نهانی، همه را به حضرت مهدی (عج) تقدیم می‌کرد و یا به گونه‌ای که امام، مقرر می‌فرمود، به مصرف می‌رساند.

محمد بن شادان درباره او گفته است:

«۴۸۰ درهم مال امام، نزد من جمع شده بود. چون خوش نداشتم آن را ناتمام نزد امام بفرستم، بیست درهم از مال خودم رویش گذاشتم، توسط محمد بن عثمان خدمت امام فرستادم؛ ولی از اضافه کردن بیست درهم چیزی ننوشتیم. رسید آن مال از ناحیه امام واصل شد که نوشته بود: پانصد درهم - که بیست درهمش مال خودت بود - واصل گشت»^{۳۱۰}.

محمد بن عثمان، حدود پنجاه سال متصدی نیابت بود و در سال ۳۰۴ ه. ق درگذشت. وی بارها به شایستگان خبر داد که پس از رحلتش، حسین بن روح نوبختی، به جای او منصوب شده و انجام وظیفه خواهد کرد^{۳۱۱}.

در زمان وی، مدعیان دروغین زیادی پیدا شدند و به همین جهت یکی از کارها و فعالیت‌های مهم او، مبارزه مستمر با این مدعیان دروغین نیابت بود.

او با سعی و تلاش بی‌وقفه، توانست عموم شیعیان را از چنگال آنان برهاند

۳. حسین بن روح نوبختی

وی، سومین وکیل امام زمان و داناترین فرد عصر خویش بود. کنیه وی ابوالقاسم و لقبش نوبختی است. در جامعه شیعه آن روزگار، شخصیتی پرآوازه، اندیشمند و معروف داشت و پیش از افتخار تصدی نیابت خاص، وکیل دومین سفیر حضرت مهدی (عج) جناب محمد بن عثمان بود. حسین بن روح هم به املاک او نظارت داشت و هم رابط میان او و بزرگان شیعه در نقاط مختلف کشور پهناور اسلامی بود و از این راه، دستورات و تعلیمات اهل بیت و اخبار نهانی را به آنان می‌رساند. وی به خردمندی و فرزاندگی و رشد فکری و دینی، شهرت بسزایی داشت و موافق و مخالف بر این واقعیت گواهی می‌دادند تا جایی که اهل سنت نیز او را تکریم و احترام می‌کردند^{۳۱۲}.

^{۳۰۹} (۱). امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور، ص ۲۷۶ ..

^{۳۱۰} (۲). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵، ح ۴۴ ..

^{۳۱۱} (۳). ر. ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۳؛ کتاب الغیبه، ص ۲۲۶ ..

^{۳۱۲} (۱). امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۲۷۷ ..

پیش از رحلت دومین نایب خاص، فرمانی از جانب ولی عصر (عج) صادر گردید که به موجب آن، محمد بن عثمان دستور یافت تا حسین بن روح را به جای خویش معرفی کند و چنین کرد. مجلسی نوشته است: وقتی مرض محمد عثمان شدت یافت، گروهی از بزرگان و معروفین شیعه - مانند ابو علی بن همام، ابو عبدالله بن محمد کاتب، ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی و ... - خدمتش رسیده، از جانشینش سؤال کردند؛ جواب داد: حسین بن روح جانشین من و وکیل و مورد اعتماد حضرت صاحب الامر است. در کارها به وی رجوع کنید.

من از جانب امام، مأمورم که حسین بن روح را به نیابت منصوب کنم»^{۳۱۳}.

شیخ طوسی درباره حسین بن روح می گوید: «ابو القاسم، از عاقل ترین مردم نزد مخالف و موافق بود و به تقیه رفتار می کرد». وی در میان شیعیان بغداد،

از موقعیت اجتماعی خوبی بهره مند بود و حتی نفوذ و احترام قابل ملاحظه ای نزد مقامات بالای مملکتی داشت و از سوی آنان، به وی کمک های مالی می شد^{۳۱۴}.

حسین بن روح، بعد از وفات محمد بن عثمان، امور وکالت را در دست گرفت. در همان آغاز کار، ذکاء (خادم محمد بن عثمان عمری)، به نزدش آمد و امانت هایی از قبیل عصا و کلید صندوقچه ابوجعفر را به وی تحویل داد و گفت:

ابوجعفر به من فرمود: این اشیاء را بعد از خاکسپاری من، به ابوالقاسم حسین روح، جانشین من، تحویل بده^{۳۱۵}.

سفارت حسین بن روح تا حدودی بین شیعیان به صورت آشکار مطرح بود و حکومت هم هیچ مشکلی برای او به وجود نمی آورد. وی به مدت ۲۱ سال (از سال ۳۰۵ ه. ق تا سال ۳۲۶ ه. ق)، منصب سفارت از ناحیه مقدسه را بر عهده داشت و در تاریخ هجدهم، شعبان چشم از دنیا فرو بست. پیکر این سفیر گرامی حضرت را در بغداد به خاک سپردند. مقبره اش زیارتگاه شیعیان است و مردم به زیارت او، تبرک می جویند.

محمد بن علی اسود نقل کرده است: علی بن حسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق) به وسیله من، به حسین بن روح، پیغام داد که از حضرت صاحب الامر تقاضا کند برایش دعایی بفرماید؛ شاید خداوند پسری به او مرحمت کند.

من خواسته او را خدمت حسین بن روح عرض کردم. بعد از سه روز اطلاع داد که امام برایش دعا فرمود [و گفت:] به زودی خداوند پسر پربهرکتی که نفعش به مردم می رسد، به وی عطا خواهد کرد. در همان سال، محمد برایش متولد شد و بعد از او هم، فرزندان دیگری پیدا کرد.

^{۳۱۳} (۲). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۵ ..

^{۳۱۴} (۱). الغیبة نعمانی، ص ۲۳۶ ..

^{۳۱۵} (۲). تاریخ عصر غیبت، ص ۲۹۶ و ۲۹۷؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۹۵ ..

صدوق (ره) بعد از نقل این داستان، می نویسد: هر وقت محمد بن علی اسود، مرا می دید که در مجالس درس محمد بن حسن بن احمد، شرکت می کنم و شوق زیادی به خواندن و حفظ کتاب های علمی دارم؛ می گفت: چندان تعجب ندارد که این قدر به تحصیل علم، علاقه داری؛ تو به برکت دعای امام زمان (عج) به دنیا آمده ای^{۳۱۶}.

بنا به وصیت حسین بن روح و به دستور امام مهدی (عج)، مقام نیابت خاص بعد از او، به «ابوالحسن علی بن محمد سمري» رسید.

۴. علی بن محمد سمري

چهارمین و آخرین نایب خاص امام مهدی (عج)، ابوالحسن علی بن محمد سمري است. او بعد از درگذشت حسین بن روح، به دستور آن حضرت، عهده دار امر نیابت شد. وی از تاریخ هجدهم شعبان سال ۳۲۶ ه. ق تا پانزدهم شعبان سال ۳۲۹ ه. ق، وکالت و نیابت را رهبری کرد.

او از خاندانی متدین و شیعه بود که در وکالت امامیه، به حسن خدمت گزاری شهرت داشت. همین گذشته نیکوی وی و حسن اعتماد و امانت داری اش، موجب شد تا در پذیرش امر سفارت خود از سوی شیعیان با مشکلی رو به رو نشود. وکیلان و خواص شیعه، او را به عنوان سفیر راستین امام مهدی (عج) به رسمیت شناختند و وجوهات شرعی خود را به وی تحویل می دادند تا او آن را به ناحیه مقدسه برساند^{۳۱۷}.

ابوالحسن علی بن محمد سمري، فرصت زیادی برای فعالیت نداشت؛ هم به جهت کوتاه بودن مدت نیابت و هم به جهت وضعیت خاص سیاسی او.

بدین جهت نتوانست فعالیت های گسترده ای انجام دهد و یا اگر هم موفق به فعالیت های گسترده ای شده بود، به جهت شدت رعایت تقیه و احتیاط و استتار، آن فعالیت ها برای آیندگان نقل نشده است.

احمد بن ابراهیم بن مخلد گفته است: روزی علی بن محمد سمري، بدون مقدمه فرمود: خداوند، علی بن بابویه قمی را رحمت کند. حاضران، تاریخ این کلام را یادداشت کردند. بعدها خبر رسید که علی بن بابویه، در همان روز از دنیا رفته است، خود سمري هم در سال ۳۲۹ ه. ق وفات کرد^{۳۱۸}.

با پایان یافتن زندگی چهارمین نایب خاص امام عصر، «غیبت صغری» به پایان رسید و از آن روز، غیبت طولانی امام علیه السلام آغاز گردید و تاکنون نیز ادامه دارد.

^{۳۱۶} (۱). کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۲ ..

^{۳۱۷} (۲). تاریخ عصر غیبت، ص ۲۹۸ (به نقل از: کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۷) ..

^{۳۱۸} (۱). بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶ ..

شیخ طوسی در کتاب الغیبه^{۳۱۹} به سند خود، نقل می کند: سمري، چند روز قبل از وفاتش، این توقیع امام عصر (عج) را به بزرگان شیعه ارائه داد:

«بسم الله الرحمن الرحيم يا علي بن محمد السمري! اعظم الله اجر اخوانك فيك فأنك ميتٌ و بين ستّة أيام، فاجمع امرک و لا تُوصِ الى أحدٍ فيقوم مقامک بعد وفاتک...»^{۳۱۹}؛ «ای علی بن محمد سمري! خداوند اجر برادرانت را در سوگ تو بزرگ گرداند؛ تو تا شش روز دیگر، حیات را وداع می گویی. پس به کارهای خود رسیدگی کن و به احدی وصیت مکن که مقام تو را در اختیار گیرد. به تحقیق که غیبت تامه (کبری) شروع شد، و ظهوری نخواهد بود؛ مگر بعد از اذن خدای بلندمرتبه و آن بعد از گذشت دورانی طولانی و قساوت قلبها و پر شدن زمین

از جور و ظلم می باشد. در میان شیعیان من، کسانی پیدا می شوند که ادعا می کنند مرا مشاهده می نمایند. آگاه باش که هر که قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی مدعی مشاهده شود، دروغ گو است».

شیخ صدوق (ره) به نقل از ابومحمد حسن بن احمد می نویسد:

«ما در سال درگذشت ابوالحسن علی بن محمد سمري، در مدینه السلام بغداد بودیم. چند روز قبل از درگذشت او، به حضورش رسیدیم، او این توقیع حضرت را به ما نشان داد و ما از روی آن نوشتیم و نسخه برداری کردیم و از نزدش خارج شدیم. چون روز ششم (روز موعود) فرا رسید، به نزد سمري رسیدیم و او را در حالت احتضار مشاهده کردیم. دیدیم که وی در حال جان دادن است؛ به وی گفتند: وصی و جانشین تو چه کسی است؟

در پاسخ گفت: خدا را مشیّتی است که خود انجام خواهد داد (یعنی دوره غیبت صغری به پایان رسیده و کسی نایب امام نیست). این مطلب را گفت و آن گاه جان به جان آفرین تسلیم کرد. این آخرین سخن بود که از وی شنیده شد»^{۳۲۰}.

از این تاریخ به بعد، ارتباط بین نوّاب خاص با امام مهدی (عج)، به پایان رسید و دوره غیبت کبری، آغاز شد^{۳۲۱}.

ولایت فقیه در عصر غیبت

پرسش ۲۰. چگونه می توانید ثابت کنید که «ولی فقیه»، نایب و جانشین امام زمان (عج)، رهبر و ولیّ جامعه اسلامی است؟

وقتی که آن حضرت در غیبت طولانی مدت به سر می برد، چه نیازی به نایب و نماینده دارد؟

دوران غیبت کبری را می توان یکی از سخت ترین و حساس ترین دوره های حیات سیاسی - دینی دانست.

^{۳۱۹} (۲). الغیبه نعمانی، ص ۲۴۲ و ۲۴۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶ ..

^{۳۲۰} (۱). کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۱۶ ..

^{۳۲۱} (۲). تاریخ عصر غیبت، ص ۳۰۰ ..

در عصر غیبت، مسئله زعامت و رهبری از دیدگاه اسلام، نادیده گرفته نشده است. شریعت که برای تنظیم حیات اجتماعی است، همواره به مسئول یا مسئولان اجرا نیاز دارد تا حافظ مصالح امت و ناظر بر اجرای صحیح عدالت اجتماعی باشند و نمی توان آن را مخصوص دوران حضور دانست.

بحث «ولایت فقیه» از گذشته مورد توجه بسیاری بود. شیخ مفید (م ۴۱۳ ه. ق) می گوید: «اجرای حدود اسلام به عهده ائمه هدی از آل محمد است که منصوب از سوی خدا هستند و دیگر حاکمان و امرایی که ائمه علیهم السلام نصب کردند و آنها این منصب را به فقهای شیعه تفویض کردند»^{۳۲۲}.

شیخ طوسی (م ۴۴۶ ه. ق) می گوید: «قضاوت تنها برای کسی جایز است که امام معصوم علیهم السلام به او اجازه داده باشد و ائمه علیهم السلام این منصب را به فقهای شیعه تفویض کردند»^{۳۲۳}.

ابو الصلاح حلبی (م ۴۴۷ ه. ق) می نویسد: «... در واقع فقیه، نایب ولی عصر (عج) در حکومت است و اهلیت آن را دارد»^{۳۲۴}.

محقق کرکی (م ۹۴۰ ه. ق) می گوید: «فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که فقیه جامع شرایط - که از آن به مجتهد تعبیر می شود - از سوی ائمه هدی علیهم السلام در همه مواردی که نیابت بردار است، نیابت دارد»^{۳۲۵}.

محقق اردبیلی (م ۹۹۳ ه. ق) گفته است: «فقیه در همه امور نایب امام است»^{۳۲۶}.

فقیه خلیفه و جانشین امام معصوم است؛ پس آنچه به او برسد، به امام معصوم تحویل داده شده است».

صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ه. ق) گوید: «ظاهر روایات حاکی از آن است که فقیه، به طور کامل، اختیار دارد (ولایت) و تمام اختیاراتی که برای امام است، برای او هم می باشد»^{۳۲۷}.

حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ ه. ق) می گوید: «در هر صورت، اشکالی در نیابت فقیه جامع شرایط فتوا از امام زمان (عج) در زمان غیبت امام نیست و ...»^{۳۲۸}.

مولا احمد نراقی (م ۱۴۳۵ ه. ق) تصریح می کند: «آنچه برای پیامبر و امام که پیشوای مردم بودند - ثابت بود، برای فقیه نیز ثابت است؛ مگر اینکه دلیلی، حقی را تنها به آنان اختصاص داده باشد»^{۳۲۹}.

^{۳۲۲} (۱). المقنعه، ص ۸۱۱ ..

^{۳۲۳} (۲). نهاییه، ص ۳۰۱ و ۳۰۲ ..

^{۳۲۴} (۳). کافی، ص ۴۳۵ ..

^{۳۲۵} (۱). رسائل المحقق الكرکی، (رسالة الصلاة الجمعة)، ج ۱، ص ۱۴۲ ..

^{۳۲۶} (۲). مجمع الفائدة و البرهان، ج ۹، ص ۱۳۱ ..

^{۳۲۷} (۳). جواهر، ج ۴۰، ص ۱۸ و ۱۹ ..

^{۳۲۸} (۴). مصباح الفقیه، ص ۱۶۱؛ برای مطالعه بیشتر ر. ک: تحلیلی نو و عملی از ولایت فقیه، ص ۳۵ - ۳۸؛ کتاب نقد، ش ۷، (تابستان ۷۷)، مقاله حکومت اسلامی (نوشته

مهدی هادوی) و مقاله ولایت فقیه (نوشته محمد هادی معرفت) ..

امام خمینی - به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان ولایت فقیه - می‌فرماید: «... فقها از طرف ائمه علیهم السلام، در همه مواردی که امامان در آن دارای ولایت هستند، ولایت دارند ...»^{۳۳۰}.

از نظر وی: «کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست - که برای پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مقرر شده - در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد؛ زیرا حاکم اسلامی - هر کس که باشد - اجرا کننده احکام شریعت و برپا دارنده حدود و قوانین الهی و گیرنده مالیات‌های اسلامی و مصرف کننده آن در راه مصالح مسلمانان است»^{۳۳۱}.

او تأکید می‌کند: «امر ولایت و سرپرستی امت، به «فقیه عادل» راجع است و او است که شایسته رهبری مسلمانان است؛ چه، حاکم اسلامی باید متصف به «فقه» و «عدالت» باشد. پس اقامه حکومت و تشکیل دولت اسلامی، بر فقیهان عادل، واجب کفایی است. بنابراین، اگر یکی از فقیهان زمان، به تشکیل حکومت، توفیق یافت، بر سایر فقها لازم است که از او پیروی کنند و چنانچه امر تشکیل دولت اسلامی، جز با هماهنگی و اجتماع همه آنان میسر نشد، بر همگی آنان واجب است که مجتمعاً بر این اهتمام ورزیده، در صدد تحقق آن برآیند ...»^{۳۳۲}.

با نگرشی واقع بینانه در این دیدگاه‌ها، می‌توان به روشنی دریافت که «ولایت فقیه» نظریه‌ای مترقی و پیشینه دار بوده و تنها نظام مطلوب و شرعی جایگزین نظام امامت در عصر غیبت به شمار می‌رود. البته ظهور و بروز کامل آن - به خصوص در عرصه سیاسی - در عصر حاضر است.

ادله ولایت فقیه

در اثبات این نظریه، دلایل عقلی و نقلی فراوانی وجود دارد که در این نوشتار مختصر، به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

یک. دلایل عقلی

به نظر امام خمینی (ره) دلیل عقلی در اثبات «ولایت برای فقیه» تام است و دلیل‌های نقلی، مؤیدی است برای آنچه که از عقل به دست می‌آید: «به تحقیق، لزوم برقراری حکومت برای بسط عدالت و تعلیم و تربیت و رفع ظلم و حفظ مرزها و منع از تجاوز اجانب از واضح‌ترین داورهای عقلی است

مجری حکومت، باید شخصی آگاه به احکام و ملتزم به رعایت کامل وظایف دینی باشد. پس اگر معصوم در بین مردم بود، عقل حکم به لیاقت او برای این مقام می‌کند و اکنون که معصوم حضور ندارد، افرادی باید عهده دار این امر شوند

^{۳۲۹} (۵). عوائد الایام، ص ۱۸۷ ..

^{۳۳۰} (۶). کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۸۸ و ۴۸۹ ..

^{۳۳۱} (۱). شئون ولایت فقیه، ص ۳۵؛ ولایت فقیه، ص ۱۷۲ ..

^{۳۳۲} (۲). شئون ولایت فقیه، ص ۳۳ ..

که از نظر علم به احکام اسلام و تقوا و عدالت، شبیه ترین مردم به امام معصوم باشند و منظور از «ولی فقیه»، چنین کسی است^{۳۳۳}.

صاحب جواهر نیز دلیل عقلی بر ولایت فقیه را با بیانی ذکر می کند که از سه مقدمه، تشکیل می شود:

نخست؛ آنکه شیعیان، در عصر غیبت امرشان، به هرج و مرج واگذار نشده است. جامعه باید انتظام داشته باشد و چنین نباشد که زورمندان بر جامعه غلبه یابند.

دوم؛ علاوه بر آنکه باید در جامعه نظم وجود داشته باشد، این نظم باید مبتنی بر قسط و عدل نیز باشد؛ چرا که ممکن است جامعه ای منظم باشد، اما نظم آن بر اساس کفر مستقر گردد.

سوم؛ اینکه قانون الهی را باید قانون شناسی که خود به قانون عمل می کند، اجرا کند و چنین کسی تنها فقیه اهل بیت می تواند باشد.

وی در این رابطه می نویسد: «گسترده گی دستورات رسیده در زمینه اجرای احکام انتظامی و رسیدگی به مصالح امت، عصر غیبت را نیز فرا می گیرد و تعطیل احکام اسلامی در این رابطه، مایه گسترش فساد در جامعه می گردد که شرع مقدس هرگز به آن رضایت نمی دهد و حکمت و مصلحت وضع و تشریع چنین احکامی، نمی تواند مخصوص عصر حضور باشد؛ لذا بایستی حتماً اجرا گردد و این وظیفه فقها است که به جای امامان معصوم، موظف به اجرای آن می باشند»^{۳۳۴}.

دو. دلایل نقلی و روایی

در اثبات «ولایت فقیه» و اینکه طرح اصلی آن از سوی خود امامان معصوم علیهم السلام ارائه شده است، روایات فراوانی وجود دارد. بر اساس این احادیث، امامان معصوم علیهم السلام مردم را جهت رفع نیازهای حکومتی - به ویژه مسائل قضایی و منازعات - به فقها ارجاع داده اند و آنان را با تعبیری چون «امنا»، «خلفا»، «وارثان پیامبران» و «کسانی که مجاری امور به دست ایشان است»، معرفی کرده اند. در این نوشتار به بیان چند روایت بسنده شده و درباره یکی از آنها توضیحاتی ارائه خواهد شد:

۱-۲. مقبوله عمر بن حنظله: امام صادق علیه السلام می فرماید: «من کان منکم قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا، فلیرضوا به حکماً فانّی قد جعلته حاکماً علیکم فاذا حکم بحکمنا فلم یقبل منه فانّما استخف بحکمنا و علینا ردّ و الرادّ علینا کالرادّ علی الله و هو علی حد الشرک به»^{۳۳۵}؛ «هر کس از شما که راوی حدیث ما باشد

^{۳۳۳} (۱). ر. ک: جوادی آملی، ولایت فقیه (ولایت فقاها و عدالت)، ص ۱۶۸ - ۱۷۸؛ فلسفه سیاست (سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی ۶)، ص ۱۷۲ ..

^{۳۳۴} (۱). جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵ ..

^{۳۳۵} (۲). کافی، ج ۱، ص ۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۸ ..

و در حلال و حرام ما بنگرد و صاحب نظر باشد و احکام ما را بشناسد و او را به عنوان داور بپذیرد، همانا من او را بر شما حاکم قرار دادم. پس هرگاه

حکمی کرد و از او قبول نکردند، حکم ما را سبک شمرده و ما را رد کرده اند و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و رد کردن خدا، در حد شرک به خدای متعال است».

۲-۲. صحیحہ ابی خدیجہ (سالم بن مکرم): امام صادق علیه السلام فرمود: «ایاکم ان یحاکم بعضکم بعضاً الی اهل الجور ولكن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئاً من قضائنا (قضایانا)، فاجعلوه بینکم قاضیاً فانّی قد جعلته قاضیاً فتحاكموا الیه»^{۳۳۶}؛ «زنهار که مسائل اختلافی خود را نزد اهل جور (کسانی که جایگاه عدالت را به ناحق اشغال کرده اند) نبرید؛ بلکه از میان خود کسی را که از روش حکومت و دادرسی ما آگاه باشد، برای قضاوت برگزینید. من چنین کسی را بدین مقام منصوب کرده ام؛ پس داوری را به نزد او برید».

۲-۳. روایت امام حسین علیه السلام؛ «... مجاری الامور و الاحکام علی ایدی العلماء بالله و الامناء علی حلاله و حرامه»^{۳۳۷} «مجاری امور و احکام به دست علمای ربانی است که امین بر حلال و حرام خدا هستند».

۲-۴. روایت شیخ صدوق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ وی از قول آن حضرت آورده است:

«اللهم ارحم خلفائی. قيل: يا رسول الله و من خُلفائک؟ قال: الذین یأتون بعدی و یروون منّی حدیثی و سنتی ...»^{۳۳۸}؛ «خدایا! بر جانشینان من رحمت فرست، پرسیدند: ای رسول خدا! جانشینان شما کیانند؟ فرمود: آنان که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا نقل می کنند».

۲-۵. توقیع شریف امام زمان (عج)؛ حضرت ولی عصر (عج) در پاسخ به نامه

اسحاق بن یعقوب این توقیع را صادر فرمود: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رؤاۃ حدیثنا فانّهم حجّتی علیکم و انا حجّۃ الله علیهم»^{۳۳۹}؛ «در رخدادهایی که اتفاق می افتد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجّت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنان هستم».

از آنجایی که این توقیع گرامی، مناسب با بحث ما و دارای اهمیت زیادی است، توضیحاتی چند درباره آن بیان می شود:

منظور از راویان حدیث در توقیع شریف ولی عصر (عج)، قطعاً کسانی نیستند که الفاظ حدیث را بدون تفهّم و تفقّه در مفاد آن نقل می کنند؛ بلکه مقصود فقها و اهل نظراند که از ناحیه آن حضرت، حجّت بر مردم هستند.

^{۳۳۶} (۱). من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲؛ کافی، ج ۷، ص ۴۱۲، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳ ..

^{۳۳۷} (۲). تحف العقول، ص ۱۶۹؛ مستدرک الوسائل، ص ۳۵، ص ۱۸۸ ..

^{۳۳۸} (۳). من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵ ..

^{۳۳۹} (۱). کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۳ و ۴۸۴، ح ۴ ..

منظور از حادثی که به وقوع می پیوندد و مردم باید در آن حوادث به علما مراجعه کنند، یقیناً امور اجتماعی و حکومتی است؛ نه صرفاً بیان احکام و مسائل شرعی حلال و حرام.

شیخ انصاری در کتاب **مکاسب**، با سه دلیل ثابت می کند که منظور از «حوادث واقعه»، همه اموری است که عقلاً و شرعاً در مورد آن، باید به حاکم مراجعه کرد.

از جمله اینکه امام، مردم را در اصل حوادث، به فقها (ارجاع داده است، نه در حکم حوادث). اگر می فرمود: در احکام حوادث به فقها مراجعه کنید، ممکن بود بگوییم: فقها در بیان حلال و حرام خدا و فتوا، حجت و نماینده امام زمان هستند، نه در امور سیاسی و اجتماعی؛ ولی در این توقیع خود حوادث، به فقها ارجاع داده است.

از جمله «فانهم حجتی علیکم»، استفاده می شود که از سوی حضرت مهدی (عج)، فقیهان در کارهایی منصوب هستند که از شئون امامت و امور

اجتماع باشد. آنان در کارها و اموری حجت امام زمان (عج) هستند که اگر حضرت حضور می داشت می بایست، خود انجام دهد؛ ولی به دلیل عدم حضورش، آنها را به فقیهان محول کرده و مردم را نیز به آنان ارجاع داده است.

نتیجه گیری

برآیند این بحث آن است که «ولی فقیه»، رهبر جامعه اسلامی در عصر غیبت و دارنده مقام افتا، قضاوت و حکومت است و بدون او جامعه دچار حاکمان غاصب و جائر و عدم رعایت موازین دینی می شود.

مراجع تقلید در عصر غیبت

پرسش ۲۱. با توجه به احتمال خطای مراجع تقلید و مجتهدان، چرا ما از داشتن امام در زمان غیبت محروم هستیم؟

در پاسخ این سؤال، بیان چند نکته بایسته است:

یکم. امامان معصوم علیهم السلام، در دوران حضور خود، یکی از مهم ترین وظایف و مسئولیت های خود را به انجام رساندند و غیبت و پنهان زیستی امام عصر (عج)، اشکال و خللی در انجام این وظیفه، وارد نکرده است. این وظیفه مهم و بنیادین، عبارت است از «تبیین دین» به گونه ای که دین مصون از تحریف بماند.

امامان معصوم علیهم السلام در طول حیات خود، با انجام سه عمل و برنامه، جلوی تحریف دین را گرفتند:

الف. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را آن گونه که بود، بیان کردند.

ب. روش فهم دین از کتاب و سنت (اجتهاد) را آموزش دادند.

ج. کسانی را که صلاحیت چنین فهمی دارند، به مردم معرفی کرده و آنان را در زمان غیبت به این افراد ارجاع دادند.

فلسفه غیبت امام زمان (عج)، چه آزمایش انسان باشد و چه عدم قابلیت امت برای امامت معصوم و ... در این نکته فرقی نمی کند که وظیفه شیعیان در زمان غیبت، عمل به دستورات و تعالیم اسلام است و این دین نیز روش خاصی را در شناخت فروع و آموزه های اسلام (اجتهاد و تفقه) آموزش داده است. در واقع مسیر درست شناخت احکام اسلام، همین راه است و خود مجتهد و مقلدان او، احکام اسلام را از همین راه می شناسند.

مشکلی که شاید در این زمینه پدید آید - و شاید این پرسش نیز درباره همین مشکل باشد - این است که فقیه، مصون از خطا نیست و ممکن است در استنباط حکم شرعی از قرآن و سنت و عقل و یا در رهبری و زعامت امت خطا کند.

آیا همین امکان خطای او، باعث نمی شود، وجود امام معصوم علیه السلام، ضروری باشد و غیبت آنان، خلاف فلسفه اصلی امامت باشد؟!

در پاسخ به این پرسش در ابتدا باید دانست که خطا دو گونه است.

۱. خطاهای فاحش و روشنی که حد اقل برای عموم کارشناسان مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی، بطلان آن روشن است. کسی که مرتکب چنین خطاهایی شود، شایستگی جانشینی امام و رهبری امت را ندارد.

۲. خطاها و اشتباهات پیچیده و کار شناختی که در میان کارشناسان نیز بطلان آن چندان روشن نیست و معمولاً مورد اختلاف آرا و نظرات است.

در این صورت نمی توان با قاطعیت حکم کرد که نظر کدام یک صحیح است؛ زیرا هرکس بر اساس مبانی پذیرفته شده خود حکم می کند ... در چنین مواردی، باید یک رأی ملاک عمل قرار گیرد.

تردید نیست که تنها، امام معصوم، مصون از خطا است و دیگران، به هر حال درصدی از خطا را دارند؛ ولی در عین حال باید گفت، مراجع تقلید، کارشناسان دین هستند و در فهم و دریافت احکام دینی، به همان شیوه ای عمل می کنند که معصومان آموزش داده اند؛ یعنی، در استنباط احکام شرعی، به منابعی تکیه می کنند که معصوم علیه السلام آن را معرفی کرده و نیز طبق قواعدی، احکام را به دست می آورند که خود پیشوایان معصوم، به عنوان راه کار بیان کرده اند.

وقتی مجتهد جامع شرایط، بر اساس منابع اصیل دینی و راه کارهای مورد تأیید امامان، احکام و وظایف دینی را استخراج و بیان کرد، نزد خداوند، مأجور و معذور است؛ یعنی، هم دارای اجر و پاداش است و هم به فرض خطا و اشتباه، معذور خواهد بود و عذرش پذیرفته شده است. همچنین کسانی که بر اساس احکام او عمل کرده و احیاناً به خطا رفته اند، هم به اجر و ثواب می رسند و هم معذور خواهند بود. این مطلب هم پشتوانه عقلی دارد و هم دلیل نقلی.

دوم. محرومیت از معصوم و هدایت مستقیم او، به هر حال پیامدهایی دارد؛ ولی این محرومیت به سبب کوتاهی خود مردم است؛ یعنی سوء اختیار مردم و خوی عصیان گری مردم، علت غیبت و محرومیت آنان از علم و هدایت های او، است و تا زمانی که چنین وضعیتی وجود دارد، ظهور امام علیه السلام نیز همواره به تعویق خواهد افتاد، چنان که خواجه تعبیر می کند: وجوب ظهور، ملازم با زوال سبب است.

«و الظهور يجب عند زوال السبب»^{۳۴۰}.

سوم. دین اسلام، شامل بخش های مختلفی، از جمله: عقاید، اخلاق و احکام است و آنچه در سؤال مطرح شده (احتمال خطای مراجع تقلید)، مربوط به بخش احکام شرعی است؛ آن هم در مسائل فرعی شرعی؛ نه در احکام کلی که نزد همه، مورد اتفاق است و هیچ اختلافی در آن نیست. بنابراین هم در صد خطا کم است و هم محدوده و گستره آن.

با این حال امام زمان (عج) - هر چند دخالت مستقیمی در مسائل ندارد - حافظ معارف و آموزه های دین اسلام و جامع همه دانش ها و علوم است؛ یعنی، از آنجا که میراث علمی تمام پیامبران و امامان در نزد ایشان است، آن حضرت حامل این علوم بوده و همه آنها را حفظ می کند تا در زمان ظهور به همه مردم بیاموزد. در موارد لزوم نیز گوشه ای از این معارف و دانش را، به بزرگان و علما یاد می دهد و مشکلات علمی و فقهی آنان را حل می کند.

صاحب مفتاح الکرامه (سید جواد عاملی) نیز نقل می کند: شبی استادم سید بحر العلوم، از دروازه شهر نجف بیرون رفت و من نیز به دنبال او رفتم تا وارد مسجد کوفه شدیم. دیدم آن جناب، به طرف مقام حضرت صاحب الامر رفت و با شخصی (امام عصر (عج))، گفت و گویی کرد. از جمله اینکه سؤالی پرسید و او در جواب فرمود: «در احکام شرعی، وظیفه شما عمل به ادله ظاهری است و آنچه از این ادله به دست می آورید، همان را باید عمل کنید و شما مأمور به احکام واقعی نیستید»^{۳۴۱}.

توجه به این نکته ضروری است که مرجعیت فقیه با کفایت و جامع شرایط، بهترین فرض ممکن در غیبت امام معصوم است. به همین دلیل نهاد مرجعیت در متن تعلیمات دین (قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام) و سیره آنان،

مطرح بوده است و آنان عملاً نهاد مرجعیت را در جامعه اسلامی تأسیس و عینیت بخشیده و مشکل و معضل جامعه اسلامی در عصر غیبت تا حدود زیادی برطرف کرده اند و شیعه به برکت چنین نهادی، در طول تاریخ پریچ و خم و با بدترین شرایط اجتماعی و حکومتی، در بهترین وضعیت فکری، علمی و سیاسی قرار داشته است. آیات مربوط «تفقه و انذار» و «سؤال از اهل ذکر»، خط کلی شریعت را در فهم و فراگیری، احکام دین از متخصصان مطرح کرده است.

^{۳۴۰} (۱). رساله امامت، ص ۲۵؛ به نقل از: نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۱۹۹ ..

^{۳۴۱} (۱). ر. ک: تلاش گر پنهان، ص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ میر مهر، ص ۶۰ و ۶۱ (به نقل از: قصص العلماء)، ص ۱۷۳ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
روایات وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز علما را وارثان انبیا دانسته و فقها را امانت داران پیامبران و حاکمان بر مردم قرار داده است.

روایات منقول از معصومین علیهم السلام نیز لزوم تقلید از فقها و مرجعیت علمی و دینی آنان را یاد کرده و آنان را حاکم و حجت بر مردم قرار داده است و عملاً مردم را بر همین مسلک تربیت نموده و بزرگ ترین مشکل عصر غیبت را، چاره اندیشی کرده است.

کارکردهای امام در عصر غیبت

فریادرسی امام زمان (عج)

پرسش ۲۲. اینکه حضرت مهدی (عج) می فرماید: «اگر ما مراعات شما را نمی کردیم و یاد شما را از خاطر می بردیم بلا بر شما نازل می شد»

؛ پس این همه بلایی که بر سر شیعیان وارد می شود چیست؟ چرا به داد فقیران و بیچارگان نمی رسد؟!

ابتدا خوب است بدانیم اصل این جملات برای شیخ مفید نوشته شده است.

در ابتدای نامه حضرت می خوانیم:

«نامه ای به برادر با ایمان و دوست رشید، ابو عبدالله محمد بن نعمان - شیخ مفید- که خداوند عزت وی را از محل ودیعه نهادن عهده که بر بندگان گرفته شده است مستدام بدارد. اما بعد سلام بر تو ای دوستی که در دین مخلص و در مورد ما به یقین مخصوص گشته ای، ما در مورد (نعمت وجود) تو، خداوند را سپاس گزاریم ...».

آن گاه خطاب به شیعیان مؤمن می فرماید: «علم ما به اخبار شما احاطه دارد و هیچ چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست ...»، تا می رسد به جمله مورد پرسش که می نویسد:

«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذكرکم و لو لا ذلک لنزل بکم البلاء

و احطمکم الاعداء»؛ «از یاری رساندن به شما کوتاهی نکرده فراموشتان نمی کنیم، و اگر چنین نبود ناگواری ها بر شما نازل و دشمنان شما را نابود می ساختند ...»^{۳۴۲}.

^{۳۴۲} (۱). محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷؛ احتجاج طبرسی، ص ۴۹۷ ..

اگر دقت شود ذیل حدیث می گوید: بلایی که باعث نابودی شیعیان می شود با لطف و عنایت آن حضرت برطرف می شود؛ نه اینکه در دنیا سختی و گرفتاری هایی چون جنگ و زندان، سیل و زلزله و ... دامن گیر هیچ یک از افراد نمی شود. چرا که این سنت الهی است و بلاها باعث تربیت و تقویت و رشد انسان می شود.

گفتنی است؛ زمانی شیعه در اقلیت بود، اما با عنایات حضرت مهدی (عج) هر روز قدرت و توان آن بیشتر می شود؛ با اینکه تمام قدرت ها به نوعی تلاش می کنند شیعه را نابود سازند، مهم ترین شرط این عنایت و تداوم آن، دین داری است که باید بکوشیم تا به دامن گناه و فساد سقوط نکنیم ... پس معنای حدیث این نیست که گرفتاری های شخصی و امتحانات پیش رو نداریم.

علاوه بر این شیوه و سیره عملی امام عصر (عج) (مانند سایر ائمه اطهار علیهم السلام) است؛ یعنی، همان طور که در زمان آن بزرگواران این طور نبود که مردم ستم دیده، فقیر و یا مریض فوراً نزد ائمه علیهم السلام بیایند و حل مشکل را از آنان بخواهند؛ بلکه اگر می آمدند ائمه آنان را به تلاش و یا صبر در مقابل سختی ها تشویق می کردند. با این حال آن بزرگواران و به خصوص امام زمان (عج) - در موارد فراوانی به نیازمندان کمک کرده و از آنها دستگیری نموده اند و یا نسبت به افراد مشتاق و شایسته، نظر لطف خود را بروز داده اند و

نظارت امام زمان (عج) و ستاریت خدا

پرسش ۲۳. آیا امام زمان (عج) شاهد و ناظر اعمال ما است و به کارهای خوب و بد ما آگاهی دارد؟

در این صورت آیا این منافای با ستار بودن خداوند نیست؛ زیرا خود او به پیامبرش فرموده است: گناهان امت تو را هم به تو نمی گویم ...؟!۳۴۳

در پاسخ این سؤال، بیان چند نکته ضروری است:

یکم. گواه و شاهد بودن پیامبر صلی الله علیه و آله [و امامان معصوم] بر رفتارهای مردم، در آیاتی از قرآن کریم بیان شده است؛ از جمله: **فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً**^{۳۴۳}؛ «حال آنان چگونه است، در روزی که از هر امتی شاهد و گواهی [بر اعمالشان] می آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد».

افزون بر فرشتگان (نویسندگان رفتارها)، اعضا و جوارح انسان، زمان و مکان، پیامبران و معصومین نیز از جمله گواهان یاد شده در آیه شریفه می باشند^{۳۴۴}.

^{۳۴۳} (۱) نساء (۴)، آیه ۴۱ ..

^{۳۴۴} (۲) طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۹ ..

مراد از «شهادت و گواهی» یاد شده در آیه، آگاهی از حقایق و ژرفای رفتارهای مردم در دنیا، از جهت نیل به نیک بختی یا تیره روزی، پذیرفته شدن یا رد شدن در پیشگاه الهی، امتحان فرمانبری یا سرپیچی از احکام الهی و سپس گواهی دادن بر آن در روز قیامت است. آن گاه که خداوند از بسیاری - از جمله پیامبر و معصومین علیهم السلام - گواهی می طلبد^{۳۴۵}.

دوم. با توجه به مطالب یاد شده، مراد از گواه بودن امام زمان بر رفتارهای ما، آگاهی از اعمال ما است و منظور از دیدن اعمال، دیدن با «چشم دل» است، نه چشم سر؛ همچنان که خداوند ناظر و آگاه بر اعمال است، بدون اینکه چشم مادی داشته باشد.

امام زمان (عج) چشم خدا در میان انسان ها است «السلام علیک یا عین الله فی خلقه»^{۳۴۶} و بر کل هستی و همه جوامع انسانی، اشراف و نظارت کامل دارد «و عینک الناظره باذنک»^{۳۴۷}.

سوم. بر اساس روایات مختلف و تفاسیر، اعمال و تقدیرات انسان ها هر سال - در شب قدر و توسط ملائکه و روح - بر امام زمان (عج) عرضه می شود و او از همه آنها مطلع است. امام علیه السلام، همچون پدری مهربان، از شیعیان خود مراقبت می کند و در لحظات سرنوشت ساز، با شیوه های مختلف به یاری آنها می شتابد و چنان که در توقیع شریف آن حضرت به شیخ مفید آمده است:

«فَأَنَا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»^{۳۴۸}؛ «ما بر اخبار و احوال شما، آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع و احوال شما، بر ما پوشیده و مخفی نیست».

حضرت علی علیه السلام در حدیثی در این باره می فرماید:

«لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مَوْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا فِي غَرْبِهَا»^{۳۴۹}؛ «هیچ مؤمنی در شرق و غرب زمین، از نظر ما غایب نیست».

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

«إِنَّ الدُّنْيَا لَتَمَثَّلُ لِلْإِمَامِ مِثْلَ خَلْقَةِ الْجَوْزِ فَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ شَيْءٌ»^{۳۵۰}؛ «آسمان و زمین در نزد امام، چون پاره گردویی حاضر و نمایان است».

^{۳۴۵} (۳). علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱، ص ۳۲۱ ..

^{۳۴۶} (۱). مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶ و ۹۹۲ ..

^{۳۴۷} (۲). مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶ و ۹۹۲ ..

^{۳۴۸} (۳). احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶ ..

^{۳۴۹} (۴). يوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۴۸ ..

^{۳۵۰} (۱). اختصاص، ص ۲۱۷ ..

در واقع بر اساس احادیثی که تفسیر سوره «قدر» و آیات آغازین سوره «دخان» ... وجود دارد؛ فهمیده می شود که فرشتگان در شب قدر، مقدرات یکساله را به نزد «ولی مطلق زمان» می آورند و بر او عرضه می دارند و به او تسلیم می کنند. این واقعیت همواره بوده و خواهد بود. در روزگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محل نزول فرشتگان شب قدر، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

بر اساس دلایل معتبر و احادیث وارده از سوی اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت، پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، شب قدر هم چنان وجود دارد^{۳۵۱} و این مقام شایسته جانشینان واقعی پیامبر است.

امام علی علیه السلام درباره این دو واقعیت بزرگ می فرماید: «شب قدر هر سال هست. در این شب امور همه سال (تقدیرها و سرنوشت ها)، فرو فرستاده می شود. پس از درگذشت پیامبران، نیز این شب، صاحبانی دارد ...»^{۳۵۲}.

چهارم. روایات عرض اعمال بر امام عصر (عج)، معتبر بوده و منافی با ستاریت خداوند و معارض با دیگر روایات نیست؛ زیرا امام زمان، واسطه فیض الهی و رابط خلق و خالق است و تمام عنایات و الطاف الهی به جهان، به وساطت و به برکت وجود آن حضرت جاری می شود و لازمه اینکه به بهترین وجهی، این وساطت تحقق پذیرد و در مواقع لازم، فیوضات به بندگان برسد، این است که آن حضرت از قابلیت ها و افعال همگان با خبر باشد.

پنجم. میزان ستار بودن پروردگار نسبت به هر کس، به تناسب لیاقت، شایستگی و درجات قرب او در پیشگاه الهی است. از این رو خداوند برای کافران و فسادگران، پرده پوشی ندارد و ستاریت او نسبت به مؤمنان نیز، به تناسب درجات ایمان آنها، متفاوت است. بنابراین چه بسا بعضی از اعمال مؤمنان مقرب را از نظر امام زمان (عج) نیز مخفی بدارد و شاید در همین مرتبه است که در قیامت، برخی اعمال را از پیامبر اکرم نیز پوشیده می دارد.

ششم. امامان معصوم علیهم السلام از همه صفات الهی برخوردارند و همه کمالات حق در وجود پاک آنها تجلی یافته است. از جمله این صفات، صفت ستار بودن است.

همان گونه که حق تعالی ستار است و بندگان مؤمنش را رسوا نمی کند، ولی حق و حجت الهی نیز که مظهر ستاریت حق است، رازدار اسرار و اعمال مردم است و اعمال مؤمنان را برای دیگران فاش نمی سازد. در واقع ستار بودن ولی حق پرتوی از ستار بودن خداوند است و از آن جدا نیست، همانطوری که خود حجت الهی تجلی کمال (و جمال و جلال حق است) و ظهور کامل و تمام عیار صفات حسنی ربوبی است. پس در اینجا دوگانگی وجود ندارد تا منافاتی لازم بیاید.

^{۳۵۱} (۲). ر. ک: اصول کافی، (کتاب الحجّه، باب فی شأن انا انزلناه ...)، ح ۵ و ۷ ..

^{۳۵۲} (۳). کافی، تناسب الحجّه، ح ۲ ..

زندگی امام زمان (عج)

پرسش ۲۴. آیا امام زمان (عج)، می تواند به صورت یک فرد ناشناس در میان مردم زندگی کند؟ در این صورت مسکن و محل زندگی او کجا است؟!

در پاسخ به این پرسش گفتنی است که نمی توان محل خاصی برای آن حضرت در نظر گرفت و منطقه و شهری را به عنوان محل سکونت او معرفی کرد.

اصولاً «پنهان زیستی امام» ایجاب می کند که مسکن و مکان زندگی او، کاملاً مخفی و ناشناخته بماند.

سیدیر صیرفی از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «صاحب الامر» از این جهت با یوسف علیه السلام شباهت دارد که برادران یوسف - با اینکه عاقل و دانا بودند و قبلاً هم با وی معاشرت داشتند - وقتی پیش او رفتند تا خودش را معرفی نکرد؛ او را نشناختند و با اینکه بین او و یعقوب علیه السلام، بیش از هیجده روز راه فاصله نبود، یعقوب از وی اطلاعی نداشت. پس چرا این مردم انکار می کنند که خداوند همین عمل را نسبت به حجت خویش صاحب الامر نیز انجام دهد؟ او نیز در بین مردم تردد می کند و در بازار ایشان راه می رود و بر فرش های آنان قدم می گذارد؛ ولی [مردم] او را نمی شناسند و به همین وضع زندگی می کند تا هنگامی که خداوند به او اذن معرفی به مردم را بدهد»^{۳۵۳}.

آن حضرت برای انجام وظایف و تکالیف خود از مکانی به مکان دیگر می رود و بر اساس حکایات معتبره در شهرها و اماکن مختلفی دیده شده است. مدینه، مکه، نجف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد و قم، از جمله آن است.

و در بعضی از زمان ها و مناسبت ها در مکانی مقدس حضور دارد. در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

مکان های خاصی

۱. مدینه و پیرامون آن (رضوی)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «ناچار برای صاحب الزمان، عزلت و غیبتی است و طیبه (مدینه) خوب جایگاهی [برای ایشان] است»^{۳۵۴}.

۲. مکه و اطراف آن (ذی طوی)

^{۳۵۳} (۱). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴؛ کمال الدین، ج ۲، ب ۳۳، ج ۲۱ ..

^{۳۵۴} (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۶، باب فی الغیبه ..

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «يكون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض الشعاب، [و] أوماً بیده الی ناحیه ذی طوی ...»^{۳۵۵}؛ «صاحب الامر در یکی از این دره‌ها غیبتی خواهد داشت، سپس با دستش به بخشی از ذی طوی اشاره کرد».

در دعای ندبه می‌خوانیم: «لیت شعری این استقرت بک النوی بل ایّ ارض تُقلّک او ثریّ او برضوی او غیرها ام ذی طوی»^{۳۵۶}؛ «ای کاش می‌دانستم که در کدامین زمین قرار داری و کدام زمین یا خاک وجود نازنینت را بر خود حمل می‌کند؟ آیا در رضوی هستی یا در جای دیگر؟ آیا در ذی طوی هستی؟»

۳. حضور هر ساله در حج و عرفات

از زمان‌ها و مکان‌هایی که امام در آن حضور مستمر و دائمی دارد، موسم حج و روز عرفه و در سرزمین عرفات است؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «يفقد الناس امامهم يشهد الموسم فيراهم و لا يرونه»^{۳۵۷}؛ «مردم امام زمان خود را نمی‌یابند، او در موسم حج [و عرفات] شرکت می‌کند و آنان را می‌بینند؛ ولی آنان او را نمی‌بینند».

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «انه لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ فَيَقْضِي جَمِيعَ الْمَنَاسِكِ ...»^{۳۵۸}؛ «[امهدی] در موسم حج حاضر می‌شود و همه اعمال را انجام می‌دهد و در عرفه نیز وقوف می‌کند و دعای مؤمنان را آمین می‌گوید».

محمد بن عثمان عمری، یکی از نائبان چهارگانه امام زمان (عج) می‌گوید:

«به خدا سوگند: صاحب الزمان در موسم حج، همه ساله حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند و می‌شناسد. مردم [هم] او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند»^{۳۵۹}.

۴. مسجد کوفه، سهله، کربلا و نجف

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «گویا می‌بینم که قائم ما با خانواده‌اش در مسجد سهله اقامت گزیده است»^{۳۶۰}.

بر اساس حکایات معتبر، ملاقات بزرگانی چون مقدس اردبیلی، علامه بحرالعلوم، شیخ محمد تقی آملی و ... در مسجد سهله و کوفه صورت گرفته است^{۳۶۱}.

^{۳۵۵} (۳). الغيبة النعماني، ص ۱۸۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۰، ح ۵۵۹ ..

^{۳۵۶} (۴). اقبال الاعمال، ص ۲۹۸ ..

^{۳۵۷} (۱). منتخب الاثر، ص ۳۱۹ ..

^{۳۵۸} (۲). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۲ ..

^{۳۵۹} (۳). همان، ج ۵۲، ص ۱۵۲ ..

^{۳۶۰} (۴). همان، ص ۵۸۳، ح ۷۷۶ ..

^{۳۶۱} (۵). ر. ک: توجهات ولی عصر (عج) به علما و مراجع، ص ۱۴۶-۱۵۵ ..

از مجموع این روایات و حکایات معتبر، برداشت می شود که آن حضرت در شهرها و مناطق مختلف حضور دارد و محل زندگی ایشان، جای خاصی نیست. پس زندگی او به شیوه عادی و معمولی است؛ زیرا این گونه زندگی، حساسیت برانگیز نیست و برای آن حضرت نیز آسان تر و طبیعی تر است.

ازدواج امام زمان (عج)

پرسش ۲۵. از اینکه حضرت مهدی (عج)، می تواند یکی از بهترین الگوهای جامعه امروزی باشد، شکی نیست؛

اما از نظر ازدواج چگونه می تواند الگو باشد؛ در حالی که آن حضرت ازدواج نکرده است؟

البته درباره ازدواج حضرت مهدی (عج) دو نظریه وجود دارد و هر کدام شواهدی دارند. بر اساس قواعد کلی، می توان گفت: آن حضرت ازدواج نکرده و اشکالی هم نخواهد داشت؛ زیرا آن حضرت هر چیزی را که با غیبت منافات داشته باشد، انجام نمی دهد؛ زیرا ازدواج با غیبت منافات داشته و مستلزم آشکار شدن وضعیت امام (عج) خواهد بود؛ ازدواج با وجود غایب بودن آن حضرت (با توجه به نظر مخفی شدن بدن او از دیده ها)، امکان ندارد و اگر بخواهد ظاهر شود و ازدواج کند، این همان محذوری است که باید از آن دوری کند ... اگر نظر دیگران (پنهان بودن عنوان و شخصیت امام)، را مورد توجه قرار دهیم، باز می گوئیم که ازدواج آن حضرت با شخصیت واقعی خود، امکان ندارد و منافای با اصل «غیبت» است^{۳۶۲}.

از طرف دیگر، هیچ دلیل روشن و قطعی، بر وجود زن و فرزند برای آن حضرت نیست؛ چون مسئله غیبت، مهم تر از ازدواج است و می تواند برای مصلحت بالاتر، مسئله مهم (ازدواج) را ترک کند و اهم را انجام دهد و عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می تواند بعد از ظهور و قیام انجام گیرد و ایشان تشکیل خانواده دهد و بنابر قولی احتمال دارد، ایشان در زمان غیبت صغری ازدواج کرده باشد؛ اما با آغاز غیبت کبری به دلیل مصالح مهم تر ازدواج را ترک کرده باشد.

بعضی از شواهد، دال بر وجود همسر و فرزند برای او است؛ از جمله:

الف. قواعد کلی

احکام کلی شریعت محمدی صلی الله علیه و آله ایجاب می کند که حضرت بقیه الله (عج) نیز مانند دیگر پیشوایان معصوم تشکیل خانواده داده و از سنت جد بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیروی کند. محدث نوری می گوید: «چگونه ترک خواهد نمود چنین سنت عظیمه جد بزرگوار خود را، با آن همه ترغیب و تحریضی که در فعل

^{۳۶۲} (۱). محمد صدر، تاریخ غیبت کبری، ص ۸۰ و ۸۱ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
آن و تهدید و تخویف که در ترک آن شده است! سزاوارترین امت در اخذ به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، امام هر عصر است و تاکنون کسی ترک آن را از خصایص آن جناب نشمرده است»^{۳۶۳}.

ب. روایات

در کتاب الغیبه، از مفضل بن عمر از صادق علیه السلام نقل شده است: «لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلَدِهِ وَ لَا غَيْرِهِ»^{۳۶۴}؛ «بر مکان ایشان هیچ کس، حتی فرزندی از فرزندان او اطلاع ندارد».

سید بن طاووس در جمال الاسبوع می گوید: «روایتی با سندهای متصل یافتیم که حضرت ولی عصر (عج) را اولاد بسیاری هست که در شهرهای کرانه دریا حاکم و والی هستند و در نیکی و بزرگواری، در رأس نیکان روزگار و در قله صفات ابرار و اخیار هستند»^{۳۶۵}.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «گویا می بینم که قائم ما با خانواده اش در مسجد سهله اقامت گزیده است. ابوبصیر می گوید: گفتم: فدایت شوم! قائم همیشه در آن مسجد است؟ فرمود: آری»^{۳۶۶}.

البته با بررسی های سندی و دلایل این روایات، به طور قطع نمی توان وجود فرزند را برای آن حضرت اثبات کرد^{۳۶۷}.

دو. دعاها

ابن طاووس دعای امام رضا علیه السلام را در مورد حضرت مهدی (عج) چنین نقل کرده است: «اللهم صلّ علی ولّاه عهد و الائمه من ولده»^{۳۶۸}.

همچنین از آن حضرت نقل شده که دعا می فرمود: «اللهم اعطه فی نفسه و اهله و ولده و ذریته و امته و جمیع رعیتہ ما تقرّبہ عینه و تُسرّ به نفسه»^{۳۶۹}.

در بخشی از صلواتی که از ناحیه مقدسه صادر شده، آمده است: «و صلّ علی ولیک و ولات عهد و الائمه من ولده و مدّ فی اعمارهم و زد فی آجالهم»^{۳۷۰}.

^{۳۶۳} (۱). نجم الثاقب، ص ۲۲۴ ..

^{۳۶۴} (۲). الغیبه، ص ۱۰۲ ..

^{۳۶۵} (۱). جمال الاسبوع، ص ۵۱۲ ..

^{۳۶۶} (۲). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۳، ح ۷۷۶ ..

^{۳۶۷} (۳). برای مطالعه درباره این روایات ر. ک: حبیب الله ظاهری، ص ۴۹۵ و ۴۹۶ ..

^{۳۶۸} (۴). جمال الاسبوع، ص ۵۱ ..

^{۳۶۹} (۵). بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۳۲ ..

^{۳۷۰} (۶). کتاب الغیبه، ص ۱۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
این ادعیه به صورت کلی وجود زن و فرزند را برای آن حضرت مطرح می کنند؛ اما درباره همین ادعیه و الفاظ آنها نیز بین علما اختلاف نظر هست؛

برای مثال برخی دعای امام رضا علیه السلام «اللهم صلی علی ولایه عهده و الائمه من ولده» را چنین نقل کرده اند:
«اللهم صل علی ولایة عهده و الائمة من بعده».

سه. اسامی فرزندان امام

روایت انباری، گویای این مطلب است که آن حضرت فرزندی دارد؛ بدین ترتیب:

۱. طاهر فرمان روای یکی از جزایر (واقع در دریای مدیترانه)، به نام زاهره؛

۲. قاسم فرمان روای جزیره رائقه؛

۳. ابراهیم، حاکم شهر صافیه؛

۴. عبد الرحمان حاکم شهر طلوم؛

۵. هاشم حاکم شهر عناطیس؛

داستان این شهر در بعضی از منابع ذکر شده است؛^{۳۷۱} ولی بی شباهت به افسانه نیست و مدرک معتبری هم ندارد^{۳۷۲}.

بر اساس روایتی: «هر امام باید فرزند داشته باشد، به جز حضرت مهدی (عج) که فرزند ندارد»^{۳۷۳}. در این صورت، عدم ازدواج آن حضرت، مخالف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست؛ زیرا آن امام همام زندگی عادی و طبیعی مثل دیگران ندارد و پنهان زیستی ایشان نیز بر اساس دستور و مصلحت خداوندی است.

افراد دیگری نیز- همچون خضر و عیسی علیهم السلام- با اینکه زنده اند، ازدواج نکرده و تشکیل خانواده نداده اند.

جزیره خضراء

پرسش ۲۶. آیا «جزیره خضراء» که گفته می شود امام زمان (عج) در آن هستند، واقعیت دارد یا نه؟

منشأ این پرسش و سایر برداشت هایی که در مورد محل زندگی امام زمان (عج) و پیوند آن با جزیره خضراء و مثلث برمودا صورت گرفته، داستانی است که علامه مجلسی در بحار الانوار نقل کرده است. ابتدا خلاصه ای از این داستان

^{۳۷۱} (۱). ر. ک: نجم الثاقب، ص ۲۲۰-۲۲۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۳-۲۲۱ ..

^{۳۷۲} (۲). ر. ک: ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۰۱ و ۲۰۲ ..

^{۳۷۳} (۳). کتاب الغیبه، ص ۱۳۴ ..

طولانی نقل می شود و ضمن نقد و بررسی آن، پاسخ سؤال ارائه می گردد. علامه مجلسی می گوید: «رساله ای یافتیم مشهور به داستان جزیره خضراء ... و چون آن را در کتاب های روایی ندیدم، عین آن را در فصل جداگانه ای آوردم ... بر اساس این داستان، شخصی به نام زین الدین، علی بن فاضل مازندرانی نقل می کند:

سال ها در دمشق نزد شیخ عبد الرحیم خنفی و شیخ زین الدین علی مغربی اندلسی، تحصیل می کردم. روزی شیخ مغربی عزم سفر به مصر کرد. من وعده ای از شاگردان با او همراه شدیم؛ تا اینکه به قاهره رسیدیم. استاد مدتی در الازهر به تدریس پرداخت. پس از مدتی، نامه ای از اندلس آمد که خبر از بیماری پدر استاد می داد. وی عزم اندلس کرد؛ من و برخی از شاگردان با او همراه شدیم.

در یکی از قریه های اندلس، بیمار شدم؛ به ناچار استاد مرا به خطیب آن قریه سپرد و خود به سفر ادامه داد. سه روز بیمار بودم. پس از آن روزی در اطراف ده قدم می زدم که کاروانی از طرف کوه های ساحل دریای غربی وارد شد و با خود پشم و روغن و کالاهای دیگر داشت. پرسیدم: از کجا می آید؟ گفتند: از دهی از سرزمین بربرها که نزدیک جزایر رافضیان (شیعیان) است.

هنگامی که نام «رافضیان» را شنیدم، مشتاق زیارت آنان شدم. تا محل آنان، ۲۵ روز راه بود (دو روز بی آب و آبادی و بقیه آباد) حرکت کردم و به سرزمین آبادی رسیدم. آنجا جزیره ای بود با دیوارهایی بلند و پرچم های مستحکم که بر ساحل دریا قرار داشت. مردم آن جزیره، شیعه بودند و اذان و نمازشان به شکل شیعیان بود. در آنجا از من پذیرایی کردند، پرسیدم: غذای شما از کجا تأمین می شود؟ گفتند: از جزیره خضراء در دریای سفید که جزایر فرزندان امام زمان (عج) است که سالی دو مرتبه برای ما غذا می آورند.

مدتی منتظر شدم تا کاروان کشتی ها از جزیره خضراء رسید. فرمانده آن، پیرمردی بود که مرا می شناخت (اسم من و پدرم را نیز می دانست). او مرا با خود به جزیره خضراء برد؛ شانزده روز گذشت، آب سفیدی در اطراف کشتی دیدم و علت آن را پرسیدم؛ شیخ گفت: این دریای سفید و آن جزیره خضراء است.

این آب های سفید، اطراف جزیره را فرا گرفته است و هرگاه کشتی دشمنان ما وارد آن شود، غرق می گردد. وارد جزیره شدیم؛ شهر دارای قلعه ها و برج های زیاد و هفت حصار بود ...^{۳۷۴}.

درباره این داستان، نظرات مختلفی ارائه شده است:

۱. گروهی اندک براین عقیده اند که داستان واقعی است.

۲. برخی از کسانی که اصل داستان را پذیرفته اند، آن را با «مثلت برمودا» تطبیق داده اند^{۳۷۵}.

^{۳۷۴} (۱). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹؛ اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۷۱ ..

^{۳۷۵} (۲). ر. ک: ناجی نجار، جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا؛ سید جعفر رفیعی، جزیره خضراء ..

۳. پژوهشگران بزرگی چون آقا بزرگ تهرانی، علامه شوشتری، علامه جعفر مرتضی عاملی، شیخ جعفر کاشف الغطا و ... بر این عقیده‌اند که داستان جزیره خضرا واقعیت ندارد و بر حکایت نقل شده، اشکالات متعدّد سندی، تاریخی و متنی وارد کرده و آن را از درجه اعتبار ساقط کرده‌اند.^{۳۷۶}

یک. بررسی سندی و منابع داستان

۱-۱. منابع و مدارک

این داستان ابتدا در مجالس المؤمنین قاضی نور الله شوشتری (۱۰۱۹ ه. ق) نقل شده و آن گاه در کتاب بحار الانوار آمده است. صاحب بحار الانوار می‌گوید:

«این داستان را در کتاب‌های معتبری ندیدم»؛ یعنی، آن را از یک کتاب خطی ناشناخته نقل کرده است. پس نمی‌توان منبع معتبری برای آن در نظر گرفت؛ در این صورت از درجه اطمینان و اعتبار ساقط است.

۱-۲. راوی داستان

شخصیت اصلی داستان، بیش از یک نفر نیست (علی بن فاضل مازندرانی)؛ ولی کتاب‌های رجال و معاصران او، نامی از وی به میان نیاورده و او را تأیید نکرده‌اند. پس نمی‌توان به صحت روایت او اطمینان داشت.

دو. بررسی متن داستان

۲-۱. وجود تناقضات و تضادها

در متن داستان، تضادهایی به چشم می‌خورد. در بخشی سید شمس الدین به راوی داستان می‌گوید: من نایب خاص امام هستم؛ ولی خودم آن حضرت را تاکنون ندیده‌ام؛ (در حالی که در عصر غیبت کبری، امام نایب خاص ندارد)؛ پدرم نیز آن جناب را ندیده؛ ولی سخنش را شنیده است. اما جدم هم خودش را دیده، هم حدیثش را شنیده است.

با این حال خود او در جای دیگر می‌گوید: من هر صبح جمعه برای زیارت امام به آن کوه می‌روم و خوب است تو هم بروی. شیخ محمد هم راوی داستان گفته است: فقط سید شمس الدین و کسانی مانند وی می‌توانند خدمت امام زمان مشرف شوند (تناقض).

۲-۲. بیان نادرست احکام و عقاید

در این داستان دو نکته انحرافی و نادرست وجود دارد که هر دو مردود است:

^{۳۷۶} (۱). سید جعفر موسوی نسب، مقاله جزیره خضرا، نینوا و انتظار، تأملی نو، ص ۲۶ ..

الف. تحریف قرآن؛ که به اعتقاد شیعه و سنی قرآن مصون از تحریف است و این ادعا به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست.

ب. اباحه (نپرداختن) خمس؛ که به اتفاق فقیهان مردود است.

۲-۳. بیان محل زندگی امام زمان

این مطلب، خلاف بسیاری از روایاتی است که محل سکونت آن حضرت را مخفی و در شهرهای مختلف و (حتی در میان کوه‌ها) می‌داند. همین منافی با حکمت و سرّ غیبت است؛ چون «پنهان زیستی» امام برای دفع خطرات احتمالی و مصون ماندن از دشمنان است و در صورت افشای محل زندگی، احتمال خطر باقی است.

۲-۴. وجود سیصد فرمانده و یار خاص

اگر داستان را بپذیریم، باید بگوییم که این سیصد نفر (که منتظر ملحق شدن سیزده نفر دیگر هستند)، عمر طولانی دارند و مانند امام زندگی می‌کنند؛ در حالی که این مسئله هیچ مستندی ندارد و بلکه بر اساس روایات، آنان به طور ناگهانی از بسترهای خود غایب می‌شوند و به امام می‌پیوندند.^{۳۷۷}

سه. جزیره خضراء و مدعیان مهدویت

برآیند مباحث گذشته، این است که داستان جزیره خضراء، اعتبار سندی و روایی ندارد و نمی‌تواند اثبات کند که آنجا محل سکونت امام زمان (عج) و فرزندان آن حضرت است یا اینکه او دارای همسر و فرزند است و ... حال بنا بر فرض اینکه علی بن فاضل مازندرانی، شخصی راستگو بوده و چنین جزیره‌ای را دیده است؛ «باید دید که آیا جزیره خضراء امری واقعی است یا نه و افرادی که او دیده است، چه کسانی‌اند؟ در پاسخ به طور خلاصه می‌توان گزینه‌های زیر را بیان کرد:

۳-۱. دریای سفید و جزیره خضراء

دریای سفید، همان دریای مدیترانه است که در زبان عرب آن را «البحر الابيض المتوسط» می‌نامند. دلیل نام گذاری آن نیز، سفید بودن آب دریا، به دلیل نوع رسوبات آن است. جزیره خضراء نیز قسمتی از انتهای جنوب غربی اسپانیای فعلی (اندلس قدیم) است که به همین نام در گذشته اشتها داشت است و در حال حاضر نیز با نام «Algeiras» شناخته می‌شود.

در سال ۹۱ ه. ق موسی بن نصیر (فرماندار آفریقا از طرف ولید بن عبد الملک) و طارق و یکی از فرماندهان سپاهش آنجا را فتح کردند. از این تاریخ تا قرن نهم و دهم، جزیره خضراء در دست مسلمانان بود و حاکمانی از طرف خلفای

^{۳۷۷} (۱). برای مطالعه بیشتر ر. ک: سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، ص ۲۰۱-۲۲۹؛ ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۰۵ و ۲۰۶ ..

اموی، عباسی و امویان اندلس و فاطمیان مصر، بر آنجا منصوب می شدند. پس از آن نیز بین مسلمانان و مسیحیان دست به دست می شد. به هر حال جزیره خضراء مکان مشهوری در اندلس (اسپانیای فعلی) بوده است.

به نظر می رسد، علی بن فاضل، در سواحل جنوبی مدیترانه سیر کرده و از سرزمین بربرها گذشته و به جزیره خضراء نیز رفته است.

۳-۲. حکومت موحدین

سرزمین مصر و شمال آفریقا، چندین قرن تحت استیلای حکومت فاطمی (از فرق شیعه) قرار داشت. همچنین دولت موحدین - که با عقاید انحرافی مرابطین و ... به ستیز برخاست - از نظر پایه های فکری، شباهت زیادی به شیعه داشت.

موحدین از سال ۵۱۷ ه. ق به نبرد با مرابطین پرداختند و در سال ۵۴۱ ه. ق اندلس را فتح کردند. بنیان گذار این حرکت، شخصی به نام محمد بن عبد الله تومرت بود که در «سوس» قیام کرد و خود را از فرزندان «حسن مثنی» می دانست.

افکار و عقاید وی عبارت بود از: مبارزه با منکرات و فساد حاکمان، تکیه بر نام «مهدی آل محمد» و تبلیغ وسیع از اهل مهدویت و حتی ادعای مهدویت (اینکه او مهدی موعود است) و^{۳۷۸}

ن بر قسمت غربی اندلس تسلط یافته و جزیره خضراء، اشبلیله و قرطبه را فتح کردند. پس مهم ترین ادعای آنان (ترویج موضوع مهدویت و ادعای آن از سوی محمد بن تومرت)، می توانست در شکل گیری داستان جزیره خضراء نقش داشته باشد. این عقیده در میان پیروان او باقی ماند، به گونه ای که برخی از آنان مرگ تومرت را منکر شدند و باور داشتند که او بار دیگر ظهور خواهد کرد.

از طرفی مسلمانان در آن زمان دارای نیروی دریایی قدرتمند و کشتی های فراوانی بودند و بر کلیه سواحل دریای مدیترانه تسلط داشتند و دولت موحدین نیز در آن زمان، در اوج عظمت بوده و پایگاه دریایی بزرگ و نیرومندی تأسیس کرده بودند.

نتیجه گیری

از مجموع آنچه در این بخش گفته شد بر می آید که:

۱. تفکر مهدویت و تکیه بر ظهور مصلح فاطمی (از نسل فاطمه زهرا علیها السلام از جمله موضوعاتی بوده که در آن سامان تبلیغ می شده است و عده ای در آن سامان مدعی مهدویت بوده اند. دولت فاطمی نیز «تفکر مهدویت» را نشر می داده است.

^{۳۷۸} رحیم کارگر، دفتر بیست و هفتم (مهدویت پیش از ظهور)، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: هشتم، ۱۳۹۰.

۲. امکان دارد علی بن فاضل، خود به سرزمین اندلس و جزیره خضراء مسافرت کرده باشد و در زمان سفر او، در جزیره خضراء، حکومتی شیعی و از اعقاب موحدان و یا خاندان های دیگر شیعی حاکم بوده اند؛ ولی علی بن فاضل، مهدی موعود مورد ادعای آنان را با معتقدات شیعه اثنا عشری، اشتباه گرفته و هنگام نقل نیز، عقاید خود را با آن مخلوط کرده است.

۳. احتمال دارد علی بن فاضل، خود به سرزمین اندلس و ... سفر نکرده است؛ بلکه از دیگرانی که در آن سرزمین (و جزیره خضراء) تردد داشته اند، اخباری را از حکومت مهدی (ابن تومرت) و فرزندان و جانشینان او و یا دیگر حکومت های شیعی، شنیده و آرمان های خود را با آنچه که شنیده است، تطبیق داده و یا داستانی از سفر خود به جزیره خضراء مطرح کرده و افراد هم که آن را شنیده اند (به علت کم اطلاعی از حوادث تاریخی آن زمان)، آن را بدون هیچ نقدی، نقل کرده اند.

حاصل آنکه ماجرای جزیره خضراء، مخلوطی از واقعیات آن زمان است که رنگ شیعه اثنا عشری به آن زده شده و در کتاب های شیعه راه پیدا کرده است.^{۳۷۹}

ارتباط بین جزیره خضراء و مثلث برمودا نیز منتفی است و به هیچ عنوان، نمی توان آن دو را بر هم تطبیق داد و آنجا را محل زندگی امام زمان (عج) دانست.

علاوه بر اینکه مثلث برمودا، همواره محل زندگی، مسابقه، تفریح و ... بوده است و مشکلات یاد شده برای کشتی ها و هواپیماها در بعضی از کتاب ها، همیشگی نبوده و گاهی اتفاق می افتاده است.^{۳۸۰}

در پایان گفتنی است در موضوع امام زمان (عج) که از عقاید حتمی و جهانی همه مسلمانان است، سزاوار نیست که با اتکا به خبرهای غیر موثق و حدسیات، سخن گفت.

سرداب امام زمان (عج)

پرسش ۲۷. آیا این ادعا صحیح است که امام زمان (عج) در سردابی که محل غیبت ایشان است، باقی مانده و از آنجا ظهور خواهد کرد؟

سرداب مقدس

پیش از بیان پاسخ، ابتدا باید به معرفی سرداب مقدس پرداخت؛ آن گاه درستی یا نادرستی این ادعا را مورد بررسی قرار داد. بیشتر خانه ها در مناطق گرمسیر عراق، از دیرباز تاکنون به جهت رهایی از گرمای سخت و طاقت فرسای

^{۳۷۹} (۱). ر. ک: مجتبی کلباسی، بررسی تاریخی داستان جزیره خضراء، فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۱۰-۱۲۶ ..

^{۳۸۰} (۱). برای مطالعه درباره «مثلث برمودا» و عدم ارتباط آن با جزیره خضراء ر. ک: مجتبی کلباسی، بررسی افسانه جزیره خضراء، فصلنامه انتظار، ش ۳، ص ۱۳۱ و ش ۴، ص

۱۵۹؛ سیدجعفر مرتضی آملی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، ص ۲۲۹-۲۴۰ ..

خورشید، دارای سرداب یا زیر زمین بوده‌اند. خانه امام حسن عسکری علیه السلام نیز در شهر سامرا دارای چنین زیر زمینی بود که در تاریخ به «سرداب» مشهور شده است. زمانی که خانه آن حضرت در حلقه محاصره سپاه خلیفه عباسی بود و آنان برای دستگیری فرزندش مهدی (عج) آنجا را در میان گرفته بودند؛ از سرداب بیرون آمد و از صف آنان عبور کرد و رفت و یا از محل سرداب ناپدید شد و پس از آن غیبت و پنهان شدن آن حضرت آغاز شد. همین سرداب محل زندگی و عبادت سه امام بوده و الان نیز در جوار مرقد امامان گران قدر حضرت هادی و عسکری علیهم السلام در سامرا موجود است. شیعیانی که برای زیارت آن دو امام، وارد سامرا می‌شوند، بعد از زیارت قبر آن بزرگواران، در محل عبادت آنان نماز خوانده و آنجا را زیارت می‌کنند.

تهمت و ادعای نادرست

حضور و مقدس شمردن این سرداب از طرف شیعیان، موجب شده که دشمنان مغرض و کینه جو، تهمت‌های ناروایی را در این رابطه مطرح کنند؛ از جمله:

۱. شیعه قائل است مهدی موعود، بعد از تولدش در سردابی مخفی شده و غیبت خود را از آنجا شروع کرده است. تاکنون نیز در آن سرداب به سر می‌برد و ظهورش نیز از همان سرداب خواهد بود!!
۲. برخی در کتاب‌های خود نوشته‌اند: این سرداب، در شهر حله عراق است؛ برخی آن را در بغداد و عده‌ای نیز در سامرا دانسته‌اند!!
۳. شیعیان در بامداد هر جمعه، سوار بر مرکب‌ها و مسلح و آماده پیکار، در مقابل درب این سرداب اجتماع می‌کنند و فریاد می‌کشند: سالار ما! بیا! بیا! ^{۳۸۱}

پاسخ‌ها

یک. باور شیعه در مورد سرداب

شیعه برای سردابی که در سامرا است، احترام خاصی قائل است و آنجا را از اماکن مقدسه می‌داند و در آنجا به نماز و دعا و زیارت حضرت مهدی (عج) می‌پردازد؛ ولی این کار نه برای این است که امام در آنجا مخفی و پنهان است یا کسی امام را مقیم آنجا می‌داند؛ بلکه برای آن است که آن محل نواحی آن و حرم عسکرین، منازل و مساکن شریفه و خانه‌ها و محل ولادت آن حضرت و بروز بعضی از معجزات بوده است و تجدید خاطرات آن اعصار و یاد آن زمان‌هایی است که امام عصر و پدر و جدش در آنجا زندگی و عبادت می‌کردند و آنجا محل آمد و شد شیعیان و محبان اهل بیت بوده است.

دو. عدم اعتقاد شیعه به ظهور امام از سرداب

^{۳۸۱} (۱). به نقل از: سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۳۱۷ و ۳۱۸ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

در هیچ یک از آثار روایی و تاریخی شیعی، نیامده که حضرت مهدی (عج) در سرداب مقدس زندگی می کند و در آنجا باقی است و از آنجا نیز ظهور خواهد کرد!! چنان که علامه امینی تصریح دارد: ... شیعه اعتقاد ندارد که غیبت امام در سرداب است و خودشان را در سرداب مخفی کرده اند و از همان جا نیز ظهور خواهد کرد؛ بلکه اعتقاد شیعه آن است که او از مکه معظمه، مقابل خانه خدا ظهور خواهد کرد و آن سرداب تنها خانه امامان در سامرا بوده است؛ این مسئله ای همگانی است ...»^{۳۸۲}.

سه. باور شیعه درباره محل زندگی امام (عج)

به نظر شیعه، حضرت ولی عصر (عج)، همه ساله در مراسم حج شرکت می جوید و قبر اجداد طاهرینش را در مدینه، عراق و طوس زیارت می کند.

پس اساساً شیعه برای حضرت مهدی، محلّ و مکان خاصی قائل نیست تا نوبت به آن رسد که بگوییم در سرداب است یا غیر سرداب؟!

چهار. علت مقدس شمردن سرداب

چنان که گذشت، شیعیان به دلایل مختلف، آنجا را مقدس و محترم می شمردند، از جمله:

۴- ۱. آنجا محل زندگی و سکونت سه امام معصوم بوده و از وجود مبارک آنان، شرافت و برکت کسب کرده است.

۴- ۲. آنجا محل عبادت و نیایش و تلاوت قرآن آن سه بزرگوار بوده است.

۴- ۳. سرداب، در جوار مرقد دو تن از امامان معصوم قرار دارد و زائران امام هادی و عسکری علیهما السلام، آنجا را نیز زیارت می کنند.

۴- ۴. امام زمان (عج) هر سال برای زیارت قبور شریفه پدر، جدّ، مادر و عمه اش، به آنجا تشریف فرما شده است.

۴- ۵. امام زمان (عج) در آن خانه تولّد یافته از آنجا غایب شده است (نه اینکه در آنجا پنهان شده است).

پس شیعیان معتقدند: مقدّس شمردن سرداب، صرفاً به دلایل یاد شده است و این تقدیس، اختصاص به این مکان ندارد؛ بلکه هر کجا که مشخصاً محل عبادت یکی از امامان معصوم بوده است، بدان تبرک می جویند و هر کجا بدانند حتی یک بار و یک لحظه حضرت ولی عصر (عج) دیده شده است آنجا را هم زیارت کرده و بدان تبرک می جویند (همچون مسجد سهله، مسجد کوفه، مسجد جمکران و ...) و هرگز به راز دیگری در آن معتقد نیستند^{۳۸۳}.

^{۳۸۲} (۱) الغدير، ج ۳، ص ۳۰۸ و ۳۰۹ ..

^{۳۸۳} (۱) يوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۸۸ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
نتیجه آنکه این گونه افتراءات و سخنان صد در صد کذب و نادرست، بر اساس انگیزه دشمنی با شیعه و انحراف از اهل بیت و از سوی دشمنان خاندان رسالت بیان شده است.

عجیب تر آن که به مذهبی که هزاران نویسنده عالی قدر، آرا و عقاید شان را به صراحت در تألیفات خود نگاشته اند، نسبتی داده می شود که در هیچ عصری احدی از آنها، احتمال آن را نیز مطرح نکرده است! در موضوع غیبت و مهدویت، کتاب های فراوانی تألیف و خصوصیات آن ذکر شده است؛ اما در هیچ کتاب و نوشته ای، اثری از این افترا نیست! هیچ کس نگفته که امام در سرداب سامرا مخفی است؛ بلکه روایات و آن همه معجزات و کرامات که از آن حضرت در غیبت صغری و کبری نقل شده و حکایات کسانی که به حضورش در طول این مدت مشرف شده اند، همه این نسبت را تکذیب می کنند!!^{۳۸۴}

انتظار امام زمان (عج)

انتظار فرج

پرسش ۲۸. فرج مردم جهان در چیست و چرا انتظار فرج فضیلت و ارزش بیشتری دارد؟

در روایات شیعه، عبارت و اصطلاح بسیار لطیف و مناسبی برای انتظار در نظر گرفته شده و آن «انتظار فرج» است. فرج، به معنای نصرت و پیروزی و گشایش گره های زندگی از جانب خداوند است. مقصود از انتظار فرج، انتظار دگرگونی مثبت و گسترده در زندگی بشر و زدوده شدن ناکامی ها و نابسامانی ها از چهره غمزده جامعه انسانی است و پیروزی حکومت عدالت گستر و معنویت گرای مهدوی بر دولت های شرک و کفر و ستم است.

در روایات، توصیه های فراوانی در مورد انتظار فرج و ارزش، و فضیلت های بی شمار آن شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را برترین اعمال و عبادات می داند: «افضلُ اعمالِ امتی انتظارُ الفرَجِ مِنَ اللَّهِ عزَّوجلَّ»^{۳۸۵}؛ «انتظار فرج [و گشایش] از جانب خدای بلند مرتبه، برترین عمل امت من است» و نیز می فرماید: «افضلُ العبادةِ انتظارُ الفرَجِ»^{۳۸۶}؛ «با فضیلت ترین عبادات، انتظار فرج است».

حضرت علی علیه السلام نیز آن را محبوب ترین اعمال در نزد خداوند و منتظر فرج را، همانند شهید راه حق می داند: «انتظروا الفرَجَ و لا تَیأسُوا من رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ الْأَخْذُ بِأَمْرِنَا مَعَنَا غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدُسِ وَ الْمُنْتَظَرُ لِلْفَرَجِ كَمُتَشَحِّطٍ بَدْمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^{۳۸۷}؛ «منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که

^{۳۸۴} (۱). ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۳۶۷ ..

^{۳۸۵} (۱). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸ ..

^{۳۸۶} (۲). معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۶۸ ..

^{۳۸۷} (۱). بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳ ..

محبوب ترین اعمال نزد خداوند- عزّ و جل- انتظار فرج است. کسی که پذیرای امر ما باشد، فردا [ها] در «حظیره القدس» با ما است و کسی که منتظر فرج باشد، مانند کسی است که در راه خدا، به خون خود آغشته گشته است».

امام جواد علیه السلام آن را با فضیلت ترین و راه گشایترین امور می داند: «افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج من عرف هذا الامر فقد فرج عنه بانتظاره»^{۳۸۸}؛ «برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است. هر کس این امر را بداند و آن را بشناسد، با همین انتظار در کارش گشایش و فرج می شود».

امام هادی علیه السلام به روشنی معنای فرج را- که همان انتظار ظهور مهدی موعود است- توضیح می دهد.

علی بن مهزیار می گوید: نامه ای به امام هادی علیه السلام نوشتم و از ایشان درباره «فرج» پرسیدم؛ حضرت فرمود: «اذا غاب صاحبکم عن دار الظالمین فتوقعوا الفرج»^{۳۸۹}؛ «هر گاه امام شما از بین ظالمان و ستمگران مخفی شد، چشم به راه فرج باشید».

امام صادق علیه السلام نیز حالات شیعیان در دوران غیبت و انتظار گشایش و فرج را چنین بازگو می فرماید: «نزدیک ترین جایی که خدای متعال به بندگانست و نیز بیشترین زمانی که از ایشان راضی است، وقتی است که حجت الهی را از دست بدهند و او بر ایشان ظاهر نشود و جایش را ندانند؛ در عین حال یقین دارند که آن حجت باقی است و باطل نشده است. پس در آن هنگام، هر صبح و شام، منتظر فرج باشید...»^{۳۹۰}.

برآیند این روایات آن است که عموم مردم جهان- به خصوص شیعیان- باید منتظر ظهور و قیام مهدی موعود باشند که از سرآورده غیبت بیرون آید.

انتظار فرج، در واقع نوعی آمادگی و استقبال از نیکی ها است. آمادگی برای تلاش و حرکتی مداوم و کوششی خستگی ناپذیر همراه با تهذیب نفس، پاک زیستن، حق خواهی و دور ماندن از زشتی ها و آلودگی ها ... به همین جهت وقتی ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید که: فرج کی خواهد بود؟ آن حضرت فرمود: «یا ابوبصیر و انت ممن یرید الدنیا؟ من عرف هذا الامر، فقد فرج عنه لانتظاره»^{۳۹۱}؛ «ای ابوبصیر! تو هم از کسانی هستی که دنیا را طلب می کنند؟ آن کس که قیام امام را بشناسد، برای او به جهت انتظارش فرج شده است».

بر این اساس، انتظار فرج، فراتر از انتظار معمولی است؛ یعنی انتظاری همراه با آگاهی، بصیرت، درایت، معنویت، آمادگی، حق گرایی، عدل خواهی و ...

^{۳۸۸} (۲). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰ ..

^{۳۸۹} (۳). کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲ ..

^{۳۹۰} (۱). همان، ص ۳۳۷، ح ۱۰ ..

^{۳۹۱} (۲). کافی، ج ۱، ص ۳۷۱ ..

به عبارت روشن‌تر، انتظار فرج، شناخت حق و شناختن رهبر و امام حق و انتظار یاری رساندن به او است. چنین شخصی در غیبت امام، چنان رفتار می‌کند که گویا در زمان ظهور و حضور او زندگی می‌کند. به همین جهت شیعه تمامی دشواری‌ها و کاستی‌ها را پشت سر نهاده و از خطر انقراض و زوال به دور مانده است. این نوع انتظار است که دارای فضیلت و ارزش بی‌شماری است.

امام سجّاد علیه السلام می‌فرمود: «انتظار الفرج من اعظم الفرج»^{۳۹۲}؛ «انتظار فرج، خود از بزرگ‌ترین گشایش‌ها است».

امام کاظم علیه السلام هم فرمود: «انتظار الفرج من الفرج»^{۳۹۳}؛ «انتظار فرج، نشانه فرج و گشایش است».

به صراحت می‌توان گفت: از مهم‌ترین رازهای نهفته بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده ساخته و پیوسته او را به تلاش، کوشش، جنبش و جوشش وادار می‌دارد.

«انتظار»، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی اسلام ایجاد می‌کند و رفتارها و برنامه‌ها را بدان سمت سوق می‌دهد. این والاترین عبادت و بهترین عمل است؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «افضلُ عبادة المؤمن انتظارُ فرج الله»^{۳۹۴}؛ «بهترین عبادت مؤمن، انتظار کشیدن فرج خداوند است». به طور خلاصه مؤلفه‌های زیر را می‌توان از «انتظار فرج» برداشت کرد:

۱. تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی؛
۲. اصلاح‌طلبی و امید به زندگی بهتر (گشایش در امور)؛
۳. نفی وضع موجود (ظلم و بی‌عدالتی، فساد و تباهی)؛
۴. طرد و عدم پذیرش حکومت‌های سیاسی (نامشروع دانستن آنها)؛
۵. قیام و انقلاب و نهضت مداوم و فعال؛
۶. ضرورت تشکیل حکومت‌های دینی و مشروع؛
۷. عدم انقیاد و سازش در برابر جباران و مفسدان و ...^{۳۹۵}.

انتظار پویا

^{۳۹۲} (۱). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴ ..

^{۳۹۳} (۲). الغیبة طوسی، ص ۴۵۹ ..

^{۳۹۴} (۳). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶ ..

^{۳۹۵} (۴). برای مطالعه بیشتر ر. ک: نگارنده، مقاله انقلاب و انتظار، فصلنامه انتظار، ش ۲، ص ۱۳۰ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
پرسش ۲۹. چه تناسبی میان انتظار موعود و حیات پویا، کسب علم، ظلم ستیزی و مبارزه با فساد وجود دارد؟

آیا خود انتظار و چشم به راه ماندن، به گوشه‌ای خزیدن و ساکن و ساکت ماندن نیست؟

اگر مفهوم انتظار به درستی فهمیده شود، معلوم می‌گردد بین انتظار موعود و حیات پویا و ظلم ستیزی و ریشه کنی فساد از زمین، ملازمه هست و روایات فراوانی که فضیلت انتظار و مقام منتظران را بیان می‌کند، این تصویر زیبا را ارائه کرده است. در پرتو انتظار موعود، حرکت‌های اصلاحی شکل می‌گیرد و به برکت آن، حیات انسانی، مفهوم و جایگاه الهی خود را پیدا می‌کند و بشر را به سوی اهداف والای انسانی به پیش می‌برد.

انتظار، امید می‌آورد و امید به آینده روشن، سبب حرکت و نشاط و پویایی می‌گردد. امید به تحقق ارزش‌ها سبب تقویت روحیه صالحان می‌گردد و بسیج عمومی به سوی رفع ظلم و فساد را اعلام می‌دارد. امید به موعود جهانی و انقلاب ارزشی او، هر گونه سستی، افسردگی، سکوت و سکون را از افراد برمی‌دارد و اقدام و عمل و تحرک را به جای آن می‌نشاند.

گفتنی است به رغم این انگاره روشن، دو نوع برداشت متفاوت و جدا از هم از «انتظار» صورت گرفته است:

۱. انتظاری که سازنده، نگه‌دارنده، تعهدآور، نیروآفرین و تحرک بخش است؛ به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود.

۲. انتظاری که سستی، بی تفاوتی و تحمل اسارت و سلطه از نشانه‌های بی‌نشان آن است.

یک. انتظار منفی و ویرانگر

در این نگرش، انتظار، عامل رکود و عقب ماندگی است و منتظران از هر تلاش و کوشش اصلاحی دست می‌شویند و در برابر زور و فشار و ظلم و فساد راه خاموشی و سکوت در پیش می‌گیرند. حتی به این باور می‌رسند که می‌بایست به گسترش جور و فساد کمک کنند و یا نسبت به آن بی تفاوت باشند تا گیتی پر از ستم و تباهی گردد و ظهور مهدی موعود نزدیک شود. چنین اندیشه‌ای باعث انزوا و دوری از عرصه سیاست می‌شد و گاهی ابزار دست حکومت‌های جور برای انحراف اذهان و سوء استفاده از افکار مهدی باوری بوده است!

به نظر شهید مطهری؛ انتظار ویرانگر، برداشت قشری از مهدویت و قیام مهدی موعود است؛ به طوری که برخی گمان می‌کند قیام حضرت مهدی (عج)، صرفاً ماهیت انفجاری دارد و تنها به دنبال گسترش و رواج ظلم، تبعیض و تباهی‌ها شکل می‌گیرد^{۳۹۶}. این دیدگاه جایگاه خاصی در شیعه نداشته و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رهبری و روشنگری‌های امام خمینی، رو به افول و خاموشی نهاده است.

^{۳۹۶} (۱). ر. ک: قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۲..

بر این اساس، انتظار همه گاه جنبش آفرین، سرچشمه قیام و مقاومت و ایثار و حرکت می باشد و حالت فرسایشی و سست کنندگی ندارد؛ زیرا منتظر می تواند با تلاش و زمینه سازی خود، فرج و گشایش را نزدیک کند و امکانات و بسترهای فرهنگی، نظامی، سیاسی و اجتماعی آن را فراهم سازد.

نقطه شکوفایی و اوج این تفکر (انتظار مثبت)، در عصر پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمودار گشت؛ و دوران تاریک و پر از ظلم و فساد رژیم پهلوی را از صفحه تاریخ محو کرد. آگاهی فزون تر علما و عموم شیعیان، زمینه را برای ظهور و بروز آثار و پیام های اصلی انتظار فراهم ساخت و آن عبارت بود از: عدم پذیرش نظام فاسد حکومتی، عدم تحمل ظلم و ستم فراوان و دین ستیزی آشکار و تشکیل حکومت دینی در راستای تعمیق بخشی به اندیشه مهدویت.

پس «انتظار ظهور مهدی موعود» منشأ خمودگی و رکود جوامع اسلامی نیست و عدم تحقق آن تا امروز، موجب دلسردی و یأس نمی شود؛ زیرا در روایات متعددی بیان شده است که دوران غیبت، دوره امتحان و آزمایش مردم است.

باید تلاش کرد تا با تقویت باورها و اعتقادات در مقابل سختی های زمان غیبت، مقاومت کرد و در عین حال، خود را برای ظهور و شرکت در قیام امام مهدی (عج) آماده ساخت.

البته آثار انتظار منحصر در بُعد «سیاسی» نیست؛ بلکه انتظار و مهدی باوری، زوایا و ابعاد مختلفی دارد. از جمله:

۱. بُعد توحید؛ انتظار در ماهیت خود، انسان منتظر را متوجه خدای جهان می کند. توجه به خدا و طلب فرج از درگاه او، از مهم ترین اصول «مهدی باوری» است.

۲. بُعد نبوت؛ منتظران چشم به راه کسی هستند که در او، صفات و آثار پیامبر گرد آمده است. هر کس دوست دارد، آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد را ببیند، می تواند چهره آنان را در مهدی (عج) ببیند. او می آید تا آرمان پیامبران را تحقق بخشد و دین خدایی را بگستراند و ندای توحید را به همه عالم برساند.

۳. بُعد قرآنی؛ مهدی (عج)، زنده کننده همه احکام قرآن است. انسان منتظر همواره این آرمان را در دل زنده می دارد که روزی با ظهور آن حضرت، قرآن و آموزه های آن در سراسر جهان حاکمیت یابد و برنامه زندگی گردد.

۴. بُعد امامت؛ مهدی، وصی صدیقین و خاتم ائمه طاهرین است. امامان پیشین یکایک او را یاد کرده اند. او فرزند و یادگار و ادامه دهنده راه آنان است.

مهدی، مظهر قائم امامت است و انتظار ظهور او، بزرگ ترین تأکید بر اصل امامت و رهبری است.

۵. بُعد عدل؛ انتظار مهدی، انتظار ظهور عدل است. او جهان آکنده از بیداد را، از داد پر می سازد و عدل خدایی را در همه جا و همه سو سرایت می دهد.

۶. بُعد معاد؛ در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم «معاد» و بازگشت مسئولانه به نزد خداوند، همواره حضور دارد ... مهدی به هنگام ظهور، ستمگران را کیفر می دهد و ظالمان را به سزای اعمال خود می رساند و مؤمنان را عزیز می دارد. به هنگام ظهور او، گروهی از پاکان و پلیدان به جهان بازمی گردند (و پلیدان کیفر و مجازات می بینند). از علایم حتمی فرا رسیدن رستاخیز، ظهور مهدی است، تا او نیاید، عمر جهان به سر نمی رسد و قیامت برپا نمی گردد ... ۳۹۷.

۷. بُعد دانش و خردورزی؛ مهم تر از همه، توجه ویژه منتظران به علم و دانایی است؛ به طوری که در پرتو ظهور حضرت، عقل و خرد جامعه بشریت کامل می گردد و زمینه های رشد، توسعه و سعادت در تمام زمینه های علمی، معنوی، صنعتی و آبادانی فراهم می شود.

وظیفه منتظران

پرسش ۳۰. وظیفه فردی، اخلاقی و اعتقادی شیعیان و منتظران واقعی حضرت مهدی (عج) چیست؟

کسی که منتظر و چشم به راه ظهور و قیام جهانی نجات دهنده بزرگ و موعود امت ها است، بایسته است از نظر عملی، فکری و اعتقادی نیز انتظار و آمادگی خود را نشان دهد. تنها با لقلقه زبان و ادعای چشم به راه بودن، نمی توان خود را منتظر واقعی دانست!! البته مرحله نخست «انتظار سازنده»، باور به وجود منجی و اعتقاد به ظهور او و برپاداشت انقلاب جهانی به دست او است. سپس نوبت به اصلاح و همسوسازی رفتارها، گفتارها و پندارها با این اعتقاد و باور است.

وقتی انسان حقیقتاً منتظر کسی باشد، تمام رفتارها و سکناش نشان از منتظر بودن او دارد.

به عنوان مثال اگر منتظر میهمان باشد، حتماً خانه را تمیز و مرتب می کند، وسایل پذیرایی را آماده می کند و با لباس مرتب و چهره ای شاداب، در انتظار می ماند. چنین کسی می تواند ادعا کند که منتظر میهمان است. اما کسی که نه خانه را مرتب کرده و نه وسایل پذیرایی را آماده نموده است و نه لباس مرتب و تمیزی پوشیده و نه اصلاً به فکر میهمان بوده است؛ اگر ادعا کند که در انتظار میهمان است. همه او را ریشخند کرده، بر گزافه گویی او خواهند خندید!!

عشق بازان چنین مستحق هجرانند

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ

بعضی از بایسته ها و وظایف منتظران امام مهدی (عج) را چنین می توان شمارش کرد:

یک. وظایف فردی و اخلاقی

۱- ۱. سنخیت با امام

منتظران واقعی، وضعیت فکری، روحی و عملی خود را به گونه ای سامان می بخشند که سنخیت کاملی با امام زمان (عج) داشته باشد. به طور کلی هر انسانی دارای سه مرتبه وجودی (افکار، صفات و اعمال) است و هیچ انسانی از این قاعده مستثنا نیست. اگر کسی بخواهد به انسان دیگری نزدیک شود، چاره ای ندارد جز اینکه بکوشد نوع اعتقاد، باورها، صفات و رفتار خود را به ایشان نزدیک سازد تا از این طریق شیعه و پیرو واقعی او باشند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا**^{۳۹۸} فرمود: «اصبروا»، یعنی صبر کنید بر ادای واجبات و «صابروا»، یعنی شکیبا باشید بر اذیت دشمنان و «رابطوا»، یعنی رابطه ناگسستنی با امام خود، مهدی منتظر (عج) داشته باشید»^{۳۹۹}.

۱- ۲. پرهیزکاری و تزکیه نفس

یکی از وظایف و بایسته های مهم منتظران، آراستن درون با فضایل انسانی و چنگ زدن به مکارم اخلاقی است؛ یعنی، همان طور که قرآن می فرماید:

«اگر می خواهید محبوب خدا باشید، تقوا پیشگی کنید»؛ این قانون در مورد حضرت مهدی (عج) نیز هست.

مجرد شو، تو هم عیسای عهدی

بسی گفتند از عیسی و مهدی

بکش دجال خود، مهدی خویشی

ز مهدی گر چه روزی چند پیشی

چه دانی، قدر علم و فضل مهدی؟!

چو تو در معرفت، چون طفل مهدی

که تا بتوانیش هر لحظه دیدن^{۴۰۰}

به نور علم می کن دیده روشن

^{۳۹۸} (۱). آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰ ..

^{۳۹۹} (۲). منتخب الاثر، ص ۵۱۵، ج ۸؛ الغیبة النعمانی، ص ۱۹۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۴ ..

^{۴۰۰} (۱). ر. ک: کنزالحقایق، شیخ محمود شبستری.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «برای صاحب الامر، غیبتی طولانی است؛ در این دوران هر کس باید تقوا پیشه سازد و به دین خود چنگ زند»^{۴۰۱}.

۱- ۳. یاد یار

منتظر حقیقی، کسی است که از یاد و نام محبوب خود غافل نمی‌شود و پیوسته در فکر و اندیشه او است. شخص مؤمن، در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکان‌ها، از یاد امامش و انتظار قدوم مبارک او، خالی و فارغ نیست.

روایت شده است: وقتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام غایب و نعمت باطنی خدا یاد کرد، فردی پرسید: آیا از امامان کسی غایب می‌شود؟ فرمود: «نعم یَغِیْبُ عَنْ ابْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا یَغِیْبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِیْنَ ذِکْرُهُ وَ هُوَ الثَّانِی عَشَرَ مِنْهَا»^{۴۰۲}؛ «بلی، شخص او از دیدگاه‌های مردم غایب می‌شود؛ ولی یاد او از دل‌های مؤمنان پنهان نمی‌شود و او دوازدهمین نفر از ما است».

بزرگداشت یاد و نام امام مهدی (عج) مصادیق و شکل‌های مختلفی دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱- ۳- ۱. برپا داشتن به هنگام شنیدن نام ایشان؛ نقل شده است: «روزی

در مجلس حضرت صادق علیه السلام، نام مبارک حضرت مهدی (عج) برده شد؛ امام ششم به منظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای خود برخاست و قیام فرمود»^{۴۰۳}. «امام رضا علیه السلام نیز با شنیدن نام آن حضرت برخاست و دست خود را به نشانه تواضع بر سر گذاشت»^{۴۰۴}.

۱- ۳- ۲. نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت؛ مانند نیمه شعبان و اعیاد چهارگانه اسلامی: فطر، قربان، غدیر و جمعه.

۱- ۳- ۳. آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه امام علیه السلام؛ منتظران امام مهدی (عج) در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را فراموش نمی‌کنند و متناسب با فرصت وقت، یکی از زیارت‌ها و دعاها را می‌خوانند و ...^{۴۰۵}.

۱- ۴. اظهار محبت و مودت

^{۴۰۱} (۲). الغیبة النعمانی، ص ۲۵۰، باب ۱۴، ح ۵ ..

^{۴۰۲} (۳). علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰ ..

^{۴۰۳} (۱). نجم الثاقب، ص ۵۲۳ ..

^{۴۰۴} (۲). بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۳۷ ..

^{۴۰۵} (۳). ر. ک: نشریه موعود، مقاله شیعه، انتظار و وظایف منتظران، مهر و آبان ۸۰ ..

یکی از اوصاف منتظران شیعیان خالص امام زمان (عج)، مهرورزی و محبت سرشار به آن حضرت است. البته این محبت و مهرورزی دو طرفه است؛ زیرا امام معصوم نیز شیعیان و یاران خود را دوست دارد و شفیق و دلسوز آنها است:

« [الامام] الانیس الرفیق و الوالد الشفیق و الاخ الشفیق ... »^{۴۰۶}؛ «امام همدم و رفیق، پدر مهربان و برادر دلسوز است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره لزوم دوستی حضرت مهدی (عج) می فرماید:

«مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَ حَسَنَ اسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْمُنْتَظَرَ»^{۴۰۷}؛ «هر کس دوست دارد خدا را ملاقات کند؛ در حالی که

ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، پس باید دوستدار حضرت حجت، صاحب الزمان منتظر باشد».

خود امام مهدی (عج) نیز مردم را به کارهایی سفارش فرموده که موجب ازدیاد محبت و مودت می شود: «هر یک از شما باید به اموری پردازد که او را به محبت ما نزدیک کند و از کارهایی که ناخوشایند ما است، دوری جوید؛ زیرا ظهور ما به صورت ناگهانی فرا می رسد»^{۴۰۸}.

۱- ۵. حزن و اندوه و ندبه

محزون بودن در فراق امام مهدی (عج)، ندبه و اظهار شوق به لقای او از اوصاف منتظران عاشق پیشه است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «لَا تَزَالُ شِيعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»^{۴۰۹}؛ «شیعیان ما در یک اندوه دائم به سر می برند تا فرزندم - که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نوید ظهورش را داده است - ظاهر شود».

۱- ۶. اظهار اشتیاق و چشم به راه بودن

شور طلب و علاقه دیدار یار و اظهار شیدایی و اشتیاق به محبوب، از ویژگی های بارز منتظران است؛ چنان که در دعای ندبه آمده است: «لَيْتَ شِعْرِي إِنْ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيْ أَرْضِ تُقَلِّكْ أَوْ ثَرَى اِبْرَضِي أَمْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوِي ...»^{۴۱۰}؛ «ای کاش می دانستم در چه جایی منزل گرفته ای و چه سرزمین و مکان تو را در بر گرفته است! آیا در کوه رضوی هستی و یا در جای دیگر و یا در ذی طوی هستی ...».

^{۴۰۶} (۴). کافی، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۱ ..

^{۴۰۷} (۵). بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶، ح ۱۲۵ ..

^{۴۰۸} (۱). همان، ج ۵۳، ص ۱۷۶ ..

^{۴۰۹} (۲). يوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۴۴۵ ..

^{۴۱۰} (۳). اقبال الاعمال، ص ۲۹۸ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسمان دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
امام علی علیه السلام وقتی از امام مهدی (عج) و صفات آن حضرت می گوید؛ ناگاه از درون سینه آهی می کشد و شوق دیدار آن بزرگوار را ابراز می دارد.

۱- ۷. صبر و بردباری

در روایات زیادی توصیه به صبر و بردباری در این دوران شده و برای منتظران صابر، پاداش ها و ثواب های چندی بیان گشته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من دین الائمه الورع و العقه و الصلاح و انتظار الفرج بالصبر»^{۴۱۱}؛ «از آیین امامان است: تقوا، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی».

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «خوشا به حال شکیبایان در غیبت و محبت او، که آنان را خدای تبارک و تعالی، در کتابش چنین توصیف فرموده است: هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^{۴۱۲}. در روایات دیگر نیز «متقین» به شیعیان و «غیب» به حجت غایب تفسیر شده است^{۴۱۳}.

همچنین روایت شده است: «کسی که منتظر امر ما باشد (ظهور مهدی) و بر آنچه در این راه از آزار و ترس و وحشت می بیند، صبر کند، فردا (روز رستاخیز)، در جرگه ما خواهد بود»^{۴۱۴}.

دو. وظایف دینی و اعتقادی

۲- ۱. ثبات قدم در دین داری

پیروی از پیشوایان معصوم، پای فشردن بر شاخص های زندگی سالم، اجرای حدود الهی، حق مدار ماندن، تقویت ایمان و اعتقاد و داشتن ثبات قدم در دین داری، گرفتار نیامدن در دام بدعت ها و انحرافات و ... از بایسته های اساسی عصر غیبت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت! فرزند به پا خاسته من غایب خواهد شد ... پس هر که روزگار غیبت وی را درک کند؛ بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسون شک و تردید، او را از آیین من، دور و از دین من بیرون سازد»^{۴۱۵}.

^{۴۱۱} (۱). منتخب الاثر، ص ۴۹۸ ..

^{۴۱۲} (۲). يوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۵۶، ح ۳۶۱ ..

^{۴۱۳} (۳). الزام الناصب، ص ۱۳۷ ..

^{۴۱۴} (۴). بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶ ..

^{۴۱۵} (۱). اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۵۹ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار
باید به این هشدار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز توجه کرد که: «او غیبتی طولانی نخواهد داشت و امت ها درباره او به سرگردانی و حیرت خواهند افتاد و از دین خود منحرف می شوند؛ در این هنگام او مثل ستاره ای درخشان به سوی مردم رو می آورد».

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند! او غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خداوند آنان را بر قول امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش، موفق کرده است»^{۴۱۶}.

۲-۲. دعا

مؤثرترین وسیله برای ایجاد رابطه روحی با امام عصر (عج) و نیز عامل مؤثر در ظهور آن حضرت، دعای مردم برای فرج آن حضرت است. در کتاب **مکیال المکارم**، برای دعا در فرج امام زمان (عج) صد فایده مهم نقل شده است؛ از جمله:

۱. دعا برای فرج، موجب فرج خواهد بود.
۲. موجب زیاد شدن نعمت پروردگار می شود.
۳. سبب ناراحتی و اضطراب شدید شیطان می گردد.
۴. باعث کامل شدن ایمان است.
۵. با ارزش ترین اعمال و اجر رسالت پیامبر است.
۶. موجب دعا کردن متقابل امام زمان (عج) برای دعا کننده است.
۷. موجب نجات از فتنه های آخرالزمان و سالم ماندن از هلاکت روحی است و ...^{۴۱۷}.

۲-۳. شناخت و معرفت امام

یکی از وظایف و بایسته های مهم منتظران، شناخت امام علیه السلام و آشنایی و ارتباط هر چه بیشتر با آن حضرت است. شناخت امام علیه السلام به حدی ضرورت دارد که در روایات معتبر شیعه و سنی آمده است: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است»^{۴۱۸}. این معرفت هم شامل نام و نسب می شود و هم شامل اوصاف

^{۴۱۶} (۲). بحارالانوار، ج ۵۱، ۷۲؛ کتاب الغیبه طوسی، ص ۱۷۶ ..

^{۴۱۷} (۱). ر. ک: مکیال المکارم، ج ۱، ص ۶۲۶-۶۴۹ ..

^{۴۱۸} (۲). کمال الدین، ج ۱، ص ۳۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰؛ ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۷۲ ..

و ویژگی ها و هم اهداف و برنامه ها می باشد. به همین جهت در یکی از دعاها معتبر و معروف می گوییم: «اللهم عرّفنی نفسک فانّک ان لم تُعرّفنی نفسک لم اعرّف نبیک، اللهم عرّفنی رسولک فانّک ان لم تُعرّفنی رسولک، لم اعرّف حجّتک، اللهم عرّفنی حجّتک فانّک ان لم تُعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی»^{۴۱۹}.

۲-۴. ارتباط و پیوند با ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر (عج) و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

۲-۵. توسّل و زیارت آن حضرت

بایسته است شیعیان منتظر در همه حالات - به ویژه هنگام شدايد و سختی ها و تهاجم دشمن - به امام زمان (عج)، متوسّل شوند و رفع مشکل خود را

از مولای خود بخواهند؛ چنان که توصیه شده هنگام سختی گفته شود:

«یا صاحب الزمان اغثنی: یا صاحب الزمان ادرکنی»^{۴۲۰}.

در این رابطه زیارت روز جمعه، زیارت یاسین، دعای عهد و ... را بخوانند^{۴۲۱} و با امام خود، ارتباط قلبی و انس درونی فراهم سازند.

۲-۶. صدقه و زیارت از طرف امام علیه السلام

صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت از اوصاف منتظران و دوستداران حقیقی امام مهدی (عج) است. اعمالی چون قرائت قرآن، حج، طواف، زیارت مرقد ائمه علیهم السلام و هر کار خیر دیگری را می توان به نیابت از آن حضرت به جای آورد و ضمن اظهار ارادت و دوستی واقعی خود، یاد و نام او را همیشه در دل و جان خود زنده نگه داشت. سید ابن طاووس در **کشف المحجّة** سفارش می کند: «صدقه دادن از سوی آن جناب را، پیش از صدقه دادن از سوی خود و عزیزانت، قرار ده و دعا برای آن حضرت را، بر دعا کردن برای خودت مقدّم بدار و نیز در هر کار خیری که مایه وفای به حق آن حضرت است، آن بزرگوار را مقدّم بدار که سبب می شود به سوی تو توجّه فرماید و به تو احسان کند»^{۴۲۲}.

۲-۷. تسلیم بودن و عدم تعیین وقت

^{۴۱۹} (۳). کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲ ..

^{۴۲۰} (۱). مختصر نجم الثاقب، ص ۱۳۳ ..

^{۴۲۱} (۲). ر. ک: سیمای آفتاب، ص ۲۹۲ و ۲۹۳ ..

^{۴۲۲} (۳). کشف المحجّة، ص ۱۵۲ ..

روزی مهزم به امام صادق علیه السلام، عرض کرد: فدایت شوم! خبر ده مرا از این امری که منتظرش هستیم کی خواهد بود؟ امام فرمود: «ای مهزم! تعیین کنندگان وقت دروغ می گویند و عجله کنندگان هلاک می گردند و تسلیم شدگان نجات اند»^{۴۲۳}.

همچنین در تفسیر آیه **أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ**^{۴۲۴}، فرمود: «این امر ما است، خدای عزوجل امر فرموده که در آن عجله نشود تا اینکه سه لشکر آن را تأیید کنند: فرشتگان، مؤمنان و رعب؛ خروج قائم، همانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود ...»^{۴۲۵}.

پرسش ۳۱. آیا شیعیان و منتظران ظهور، علاوه بر وظایف فردی و دینی، تکالیف سیاسی و اجتماعی نیز دارند؟

یعنی، باید در اجتماع و صحنه سیاست نیز اقداماتی انجام دهند که شایسته عنوان «منتظر واقعی» باشند؟

آری، عرصه سیاست و اجتماع، مهم ترین میدان بروز و ظهور بایسته های انتظار و مؤثرترین زمینه در جهت تحقق اهداف امام زمان (عج) در عصر غیبت و قبل از قیام ایشان است. بعضی از وظایف و بایسته های سیاسی و اجتماعی منتظران امام زمان (عج) عبارت است از:

۱. مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر

علاقه مندان و یاوران حضرت مهدی (عج)، هیچ گاه نباید سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او را فراموش کنند؛ بلکه باید همواره آن را در نظر داشته و آماده پیوستن به قیام جهانی حضرت مهدی (عج) باشند و در عین حال خود علیه ظلم و ستم و فساد، مبارزه کنند.

رسول گرامی اسلام فرمود: **«لَا يَزَالُونَ قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»**^{۴۲۶}؛ «همواره گروهی از امت من تا روز رستاخیز، پیروزمندانه در راه حق نبرد می کنند».

در روایات به نمونه ای از منتظران و شیعیان واقعی امام علیه السلام در عصر غیبت اشاره شده که علیه ظلمت و فساد قیام می کنند و راه امامان خود را تداوم می بخشند و جانشین ولی عصر (عج) در روی زمین هستند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: **«فَيَجْعَلُ اللَّهُ قِمَّ وَ أَهْلَهَا قَائِمِينَ مَقَامَ الْحَجَّةِ»**^{۴۲۷}؛ «خدای تبارک و تعالی، قم و اهل قم را قائم مقام حجّت قرار می دهد» و نیز «قم به این جهت قم نامیده شده که اهل آن در محضر قائم آل محمد (عج) گرد می آیند و با او قیام می کنند و از یاری او منحرف نمی شوند»^{۴۲۸}.

^{۴۲۳} (۴). کافی، ج ۱، ص ۳۶۸ ..

^{۴۲۴} (۱). نحل (۱۶)، آیه ۱ ..

^{۴۲۵} (۲). الغیبة النعمانی، ص ۱۰۴ ..

^{۴۲۶} (۱). نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۱۴ ..

۲. حق خواهی و حق مداری

تاریخ، صحنه حضور و نزاع دو گروه حق و باطل و دو اندیشه طغیان گری و حق گرایی است؛ راه حق و صلاح، راه پیامبران و صالحان و راه باطل و کفر، راه شیاطین و سردمداران زر و زور و تزویر است. این دو گروه و نبرد میان آنها، همیشه در جامعه بوده و همه منتظران واقعی امام زمان (عج)، باید پیرو و طرفدار حق و مخالف و دشمن باطل باشند. با ظهور حضرت مهدی (عج)، جهان شاهد مصاف نهایی حق و باطل و پیروزی و غلبه حق به رهبری آن حضرت خواهد بود و منتظران ظهور نیز در هر حال باید برای چنین مصافی آماده باشند و خود نیز باید حق و حق خواهی را محور و مدار برنامه ها و فعالیت هایشان قرار دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه می فرماید: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ»^{۴۲۹}؛ «گروهی از امت من همواره حق را آشکار می کنند تا فرمان خدا (امر ظهور) فرا رسد».

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَأْمَلُونَ حَتَّى يَهْلِكَ الْمَبْطُلُونَ وَيُضْمَحَلَّ الْجَاهِلُونَ وَيَأْمَنَ الْمُتَّقُونَ...»^{۴۳۰}؛ «به خدا سوگند! آنچه آرزو می کنید، تحقق نمی یابد، مگر هنگامی که باطل از بین رود و نادان ها نابود شوند و پرهیزگاران، آرامش خود را باز یابند...».

۳. استقامت و ایستادگی در سختی ها

«انتظار ظهور»، یکی از بزرگ ترین عوامل پایداری، استقامت و مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات عصر غیبت است. انتظار مسلمانان - به ویژه شیعیان - را در برابر ظلم ها، فسادها، زور گویی ها و انواع بلاها و سختی ها، ثابت و پا برجا نگه می دارد و به آنان دل و جرأت می دهد تا در برابر تهدیدها، تطمیع ها و سخت گیری های دشمنان اسلام، خود را نبازند و از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان صدر اسلام فرمود: «بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شما است». گفتند:

ای رسول خدا! مگر نه این است که ما در حضور شما، در بدر و احد و حنین شرکت کردیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: «اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می داد؛ شما نمی توانستید چون آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید»^{۴۳۱}.

۴۲۷ (۲). منتخب الاثر، ص ۴۴۳ ..

۴۲۸ (۳). همان، ص ۴۸۵ ..

۴۲۹ (۱). نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۵۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۵۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲ ..

۴۳۰ (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۸؛ الغیبه طوسی، ص ۲۷۹ ..

۴۳۱ (۳). منتخب الاثر، ص ۵۱۵؛ الغیبه طوسی، ص ۲۷۵ ..

جزوه پرسش ها و پاسخ های دانشجویی موضوع: مهدویت قبل از ظهور برگرفته شده از پرسنامه دانشجویی استاد: م. بیدی - دانشگاه علوم پزشکی سبزوار و نیز فرمود: «... برادران من کسانی اند که در آخرالزمان می آیند و ندیده، به من ایمان می آورند ... استقامت هر یک از آنها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است.

آنها مشعل های هدایت اند که خداوند آنان را از فتنه های تیره و تار، نجات می بخشد»^{۴۳۲}.

امام حسین علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

«... اما الصابر فی غیبتہ علی الادی و التکذیب، بمنزلۃ المجاہد بالسیف بین یدی رسول اللہ»^{۴۳۳}؛ «... کسانی که در زمان غیبت او در مقابل آزار و تکذیب، استقامت می کنند، مانند کسانی اند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند».

۴. کسب آمادگی برای ظهور

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم [سلاحی] مهیا کند- هر چند یک تیر باشد- خدای تعالی هرگاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [او از یاران و همراهانش قرار گیرد]^{۴۳۴}».

پس برای ظهور حضرت مهدی (عج) و یاری آن حضرت، باید در هر لحظه ای آماده بود و خود را مهیا نگه داشت و این شامل آمادگی نظامی، جسمانی و ... می شود؛ اما مهم تر از همه آمادگی فکری، علمی و سیاسی در عصر غیبت است.

۵. اتحاد و همدلی

مهم ترین چیزی که در عصر غیبت واجب است، یکپارچگی و اتحاد شیعیان و پای بندی به عهدشان با امام زمان (عج) است. هرگونه اخلاف در صفوف متحد منتظران، منافی با وظایف دینی آنان و کمک به دشمنان آن حضرت است.

امام (ره) در توقیع معروف خود به شیخ مفید (ره) می نویسد: «ولو انّ اشیاعنا- وفقہم اللہ لطاعۃ- علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعہد علیہم لما تأخر عنہم الیمن بلقائنا و لتعجلت لہم السعادتۃ بمشاهدتنا علی حق المعرفة منہم بنا»^{۴۳۵}؛ «اگر شیعیان ما- که خداوند به اطاعت خویش موفقشان بدارد- در وفا به پیمانی که با ما دارند، یکپارچه می شدند و هرگز از میمنت ملاقات ما محروم نشده و ظهور ما به تأخیر نمی افتاد و البته سعادت حضور در محضر ما، با معرفتی حقیقی هر چه زودتر نصیبشان می شد».

۶. رعایت حقوق دیگران

^{۴۳۲} (۱). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۴ ..

^{۴۳۳} (۲). همان، ج ۵۱، ص ۱۳۳ ..

^{۴۳۴} (۳). الغیبة النعمانی، ص ۳۲۱، ح ۱۰ ..

^{۴۳۵} (۱). بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸ ..

از مهم ترین امور در زندگی محبان و منتظران قائم (عج) رعایت حقوق برادران و مسلمانان و کمک به آنان است. انسان منتظر، نمی تواند به گونه ای زندگی کند که حقوق دیگران بر عهده اش باشد و در عین حال خود را دوستدار و منتظر مهدی موعود بداند؟!

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: «ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت هستم، کافی است؟! سوگند به خدا، شیعه ما نیست، مگر کسی که پرهیزگار بوده و اطاعت از خداوند کند. شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت داری، بسیار در یاد خدا بودن ...

ای جابر! به ولایت و دوستی ما، جز از راه عمل و پرهیزگاری نمی توانی برسی^{۴۳۶}».

به همین جهت امام صادق علیه السلام وظایف شیعیان را در رابطه با برادران مسلمان خود، چنین معرفی می کند: آنچه را برای برادر مسلمان دوست بداری که برای خودت دوست می داری؛ از خشمگین کردن برادر مسلمان دوری کنی و آنچه را که مورد رضایتش است، انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی؛ چشم و راهنما و آئینه او باشی و ... وقتی چنین کردی، دوستی خود را، به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای^{۴۳۷}».

نتیجه اینکه علاقه مندان و یاران امام مهدی (عج)، باید کاملاً خود را وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسئول بدانند و همواره مراقب احوال و کارهای خود باشند و از انحرافات دوری جسته و پناه به خدا ببرند و مو به مو احکام اسلام را عمل نمایند تا شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند^{۴۳۸}.

۷. اطاعت از نایبان امام علیه السلام

عصر غیبت، دوران پنهان زیستی امام و عدم دسترسی به او است؛ در این صورت برای اخذ احکام و تعالیم دینی و عمل به وظایف و تکالیف سیاسی، اجتماعی و عقیدتی، باید به نایبان عام آن حضرت مراجعه کرد و به ولایت و رهبری آنان گردن نهاد. فقها و علما، به عنوان جانشینان امام معصوم علیه السلام، راهبران جامعه و هادیان امت و محل رجوع مردم هستند و احکام دینی را با اجتهاد و تفقه خود، به آنان ابلاغ می کنند.

منتظران گناهکار

پرسش ۳۲. آیا شخصی که گناه کرده، می تواند با امام زمان (عج) ارتباط داشته باشد؟

من خودم از امامم شاکی هستم؛ چون وقتی ازش می خواهم بیاید نجاتم دهد، نمی آید یا فکر می کنم به خاطر گناهانی که می کنم، محلّم نمی گذارد؟

^{۴۳۶} (۱). کافی، ج ۳، ص ۷۴ ..

^{۴۳۷} (۲). کافی، ج ۲، ص ۱۶۹ ..

^{۴۳۸} (۳). ر. ک: محمد مهدی اشتهاردی، حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت، ص ۲۵۹ و ۲۶۰ ..

ابتدا باید دانست که یکی از عوامل دوری انسان از امام زمان (عج) و قطع ارتباط روحی و معنوی و ناخشنودی آن حضرت، ارتکاب محرمات الهی و گناهان است.

آن حضرت در توقیع شریف به شیخ مفید (ره) می فرماید: «شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستانمان برسانید، با اینکه ما بر اساس فرمان خداوند بزرگ و صلاح واقعی خود و شیعیانمان - تا زمانی که حکومت بر دنیا در اختیار ستمگران است - در نقطه ای دور و پنهان از دیده ها به سر می بریم؛ ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می گذرد، کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاها و گناهانی که بندگان صالح خداوند، از آنها دوری می کنند؛ اما شما آنها را مرتکب می شوید نیز با خبریم.

از عهدشکنی ها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمان ها با اطلاعیم ... پس از خداوند بترسید و تقوا پیشه کنید و ما خاندان رسالت را مدد رسانید ... سعی کنید اعمالتان به گونه ای باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهانی که موجبات نارضایتی ما را فراهم می نماید، بترسید و دوری کنید ...»^{۴۳۹}.

بر اساس این توقیع شریف، همه شیعیان و دوستداران حضرت، توصیه به تقوا و ورع شده اند و این بهترین راه دوستی و خشنودی امام زمان (عج) است؛

همان طوری که گناهان و معاصی، باعث نارضایتی آن حضرت و قطع پیوند و ارتباط با او است. حتی در توقیع دیگر، علت طولانی شدن غیبت و عدم مشاهده و دیدار آن حضرت، گناهان و انحرافات شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است: «... ما عهد می کنیم با شما ای دوست مخلص (شیخ مفید) که در راه ما با ظالمان مجاهده می کنی؛ هر کس از برادران دینی شما - که تقوا را سرمایه خویش قرار دهد - از فتنه های گمراه کننده و ظلمت خیز، در امان خواهد بود ... آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم کرده است، گناهان و خطاهای آنان و تخلف از فرمان های خداوند است»^{۴۴۰}.

جالب آنکه در آغاز قیام جهانی حضرت مهدی (عج) یاران و اصحاب نزدیک ایشان، پیمان و بیعت سختی با آن حضرت می بندند و تعهد می کنند که از گناهان و انحرافات دوری جویند و از ظلم و فسادگری بپرهیزند. امیرمؤمنان علی علیه السلام، در ضمن یک حدیث طولانی، در وصف بیعت یاران امام زمان (عج) چنین می فرماید:

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند «یَبَایِعُونَ عَلِیَّ بْنَ یَسْرِقُوا»؛ زنا نکنند «وَلَا یَزْنُوا»؛ مسلمانی را دشنام ندهند «وَلَا یَسُبُّوا مُسْلِمًا»؛ خون کسی را به ناحق نریزند «وَلَا یَقْتُلُوا مُحْرَمًا»؛ به آبروی کسی لطمه نزنند «وَلَا یَهْتِکَ حَرِیمًا مُحْرَمًا»؛ به خانه کسی هجوم نبرند «وَلَا یَهْجُمُوا مَنْزِلًا»؛ کسی را به ناحق نزنند «وَلَا یَضْرِبُوا أَحَدًا إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند «وَلَا یُکْنِزُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا وَلَا شَعِیرًا»؛

۴۳۹ (۱). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵ ..

۴۴۰ (۱). نجم الثاقب، ص ۵۶۷ ..

مال یتیم را نخورند «وَلَا يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيمِ»؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند «وَلَا يَشْهَدُوا بِمَا لَا يَعْلَمُونَ»؛ مسجدی را خراب نکنند «وَلَا يُخْرِبُوا مَسْجِدًا»؛ مشروب نخورند «وَلَا يَشْرَبُوا مَسْكِرًا»؛ حریر و خز نپوشند «وَلَا يَلْبَسُوا الْخَزَّ وَلَا الْحَرِيرَ»؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند «وَلَا يَتَمَنَّقُوا بِالذَّهَبِ»؛ راه را بر کسی نبندند «وَلَا يَقْطَعُوا طَرِيقًا»؛ راه را نا امن نکنند «وَلَا يَخِيفُوا سَبِيلًا»؛ گرد همجنس بازی نگیرند «وَلَا يَفْسُقُوا بَغْلَامًا»؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند «وَلَا يَحْبِسُوا طَعَامًا مِنْ بُرِّ وَلَا شَعِيرَ»؛ به کم قناعت کنند «وَلَا يَرْضَوْنَ بِالْقَلِيلِ»؛ طرفدار پاکی باشند «وَلَا يَشْتَمُونَ عَلَى الطَّيِّبِ»؛ از پلیدی گریزان باشند «وَلَا يَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ» و ...»^{۴۴۱}.

پس گناهان و رذایل اخلاقی، عامل مهمی در محرومیت انسان از عنایات امام زمان (عج) است. با این حال باید دانست که امام هر زمان، مظهر رحمت و رأفت الهی و واسطه فیض بین خالق و مخلوق است. تمام نعمت‌ها به برکت وجود امام و حجت هر زمان به مردم می‌رسد و تمام بلاها نیز به برکت وجود او رفع می‌شود و با اندکی اشتباه و خطایی، این الطاف و برکات از انسان دریغ نمی‌گردد. او مظهر رحمت الهی است و هیچ سود و منفعتی را از دیگران توقع ندارد و جز در راه منافع آنان قدم بر نمی‌دارد. در عنایت و لطف او، هیچ بخل و کاستی راه ندارد.

آن حضرت در سخنان خیرخواهانه‌ای می‌فرماید: «پس باید هر یک از شما [شیعیان]، کارهایی را که موجب جلب محبت می‌گردد، انجام دهید و باید از کارهای ناپسندی که خشم و غضب ما را در پی دارد، اجتناب کنید. پس [آگاه باشید که] مرگ آدمی ناگهان می‌رسد که در آن، دیگر توبه سودی نمی‌رساند و ندامت، نمی‌تواند او را از عذاب برهاند»^{۴۴۲}.

یقین بدانیم اگر کوچک‌ترین انحرافی که در بین شیعه ایجاد شود، قلب امام زمان را ناراحت و رنجور خواهد کرد. به همین جهت آن حجت خداوند، شکوه خویش را از دست شیعیان جاهل و منحرف به این صورت اظهار می‌دارد:

«به حقیقت، نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه بر دین آنها برتری دارد، ما را آزار می‌دهند»^{۴۴۳}.

در پایان توصیه می‌شود، ارتباط خود را با خواندن دعا و انجام اعمال نیک، با امام زمان (عج) پررنگ‌تر کنید و خود را همیشه مدیون و بدهکار او بدانید.

اگر دعاها و خواسته‌ها، همراه با گریه، پشیمانی و اشک شوق باشد، احتمال استجاب آن بیشتر است؛ پس سوز و ندبه خود را با خواندن دعای عهد و ندبه، اعلام دارید و در عین حال استغفار و توبه را فراموش نکنید. بهترین شفیع در بارگاه الهی برای آمرزش گناهان، امام معصوم است و دعای او در حق شیعیانش به یقین اجابت می‌شود^{۴۴۴}.

^{۴۴۱} (۱). منتخب الاثر، ص ۵۸۱، ح ۴؛ الملاحم و الفتن، ص ۵۳ ..

^{۴۴۲} (۱). بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴، ح ۷ ..

^{۴۴۳} (۲). احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۷۴ ..

^{۴۴۴} (۳). برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ؛ محمد محمدی ری شهری، کیمیای محبت؛ علیرضا رجالی، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) و

پرسش ۳۳. اینکه در مجالس می گویند «برای سلامتی امام زمان (عج) صلوات» یا «برای تعجیل در فرج دعا کنید»،

مگر ایشان هم مثل بقیه مردم دچار بیماری می شوند یا با دعای ما فرج و ظهور ایشان نزدیک می شود؟!

دعا برای سلامتی و فرج امام عصر (عج)، اطاعت از امر خداوند و پیروی از رسول اکرم و اهل بیت علیهم السلام است. «دعا» برای آن حضرت دارای آثار و حکمت هایی است؛ از جمله:

۱. نشانه علاقه و محبت قلبی به آن حضرت است و در نتیجه موجب تقویت ایمان و یقین است.

۲. گشایش و فرج مؤمنان در آن است؛ چنان که خود آن حضرت در نامه ای مرقوم داشتند: «برای تعجیل در ظهورم دعا کنید که ظهور من، به نفع شما و موجب فرج و گشایش امور شما خواهد بود»^{۴۴۵}.

۳. فزونی نعمت، یکی از آثار دعا برای آن حضرت است؛ زیرا شکر نعمت های الهی - به خصوص نعمت امامت ولایت آن حضرت - موجب افزونی نعمت است. علاوه بر اینکه شکر واقعی، موجب فاصله گیری از گناه و تقرب به خداوند است و این در جلب نعمت های الهی مؤثر است.

مسلم است که دعا برای امام زمان (عج) موجب احترام و بزرگداشت آن حضرت و توجه بسیار و دائمی به او و ادای شکر نعمت وجود آن حضرت است.

۴. دعا، اظهار تجدید عهد و پیمان با آن حضرت است و محتوای پیمان با او، دین داری، شریعت محوری و تصمیم قلبی بر اطاعت امر امام علیه السلام و یاری رساندن او با نثار جان و مال است.

۵. سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران است. زنده نگه داشتن مسئله امامت، از امور بسیار ضروری و مورد تصدیق عقل و شرع است و دعا برای امام زمان (عج)، در راستای همین مهم قابل ارزیابی است.

۶. ادای حقوق بسیاری که آن حضرت بر ما دارد، دعاها را ما دارای این فایده است که بعضی از حقوق او را ادا کنیم^{۴۴۶}.

۷. دعا برای آن حضرت، این فایده را هم دارد که خود آن حضرت نیز برای یاری دهنده و دعا کننده اش دعا می کند^{۴۴۷}؛ زیرا این دستور دینی ما است که قطعاً مورد عمل او قرار دارد.

^{۴۴۵} (۱). کمال الدین، ج ۳، ص ۶۸۵ ..

^{۴۴۶} (۱). ر. ک: کافی، ج ۲، ص ۱۷۲؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۶ ..

^{۴۴۷} (۲). ر. ک: مهج الدعوات، ص ۳۰۲ ..

۸. از دیگر فواید دعا، تقرّب دعا کننده به خداوند متعال است؛ زیرا ائمه اطهار علیهم السلام وسیله های تقرّب و وصول الی الله هستند.

۹. از دیگر آثار دعا برای ولی عصر (عج) نورانیت قلب دعا کننده و کسب نور از آن خورشید فروزان الهی است. اشراق نور امام علیه السلام بر قلب مؤمن، درخشنده تر از خورشید نور افشان است^{۴۴۸}.

۱۰. طول عمر، از دیگر منافع و آثار دعا برای امام زمان (عج) است و روایات متعددی بر این امر دلالت دارد و ...^{۴۴۹}.

مضمون کلی دعای «اللهم کن لولیک ...» درخواست یاری الهی و حفظ و سلامتی آقا امام زمان (عج) است که از جمله وظایف مهم شیعیان

در عصر غیبت است. در این دعا از خداوند می خواهیم که ولیّ و سرپرست آن حضرت باشد؛ یعنی، او را تحت ولایت خاصه خودش - که مخصوص مقرّبان درگاهش است - قرار بدهد و حافظ و نگه دار او از جمیع بدی ها، بلاها و سختی ها باشد. همچنین قائد و رهبر و پیشوا برای آن حضرت باشد؛ یعنی، او را تحت زعامت و قیادت مخصوص خود قرار دهد ... در ادامه از خداوند می خواهیم که «عین»، یعنی، نگهبان آن حضرت باشد و او را تحت حراست و حمایت خاصه خودش، از هر گزند و حفظ کند و آن حضرت را به گونه ای در زمین مستقرّ سازد که مردم با میل و رغبت، ولایت او را بپذیرند و سالیان سال، حضرت بدین گونه بر مردم حکومت کند.

اوقات دعا

از ادله نقلی استفاده می شود که اگر دعا برای امام زمان (عج) در موقعیت ممتاز و حالت مناسب روحی و جسمی و در مکان و زمان خاصی مطرح شود، اجابتش سریع تر و تحقّق آثارش زودتر و بیشتر خواهد بود. بعضی از زمان ها و موقعیت های ویژه و ممتاز در مورد دعا برای آن حضرت عبارت است از:

۱. بعد از نمازهای واجب (به خصوص نماز ظهر، نماز عصر و نماز صبح)؛

۲. بعد از هر دو رکعت نماز شب؛

۳. در قنوت نماز و سجده شکر نماز؛

۴. هر صبح و شام، به خصوص روزهای پنج شنبه و جمعه؛

۵. روزهای نوروز، عرفة، عید فطر و عید قربان؛

^{۴۴۸} (۳). کافی، ج ۱، ص ۱۹۴ ..

^{۴۴۹} (۴). ر. ک: سید مهدی شمس الدین، در ساحل انتظار، ص ۳۸ - ۴۱ ..

۶. ماه مبارک رمضان، روز دحوالارض، روز عاشورا و شب و روز نیمه شعبان؛

۷. بعد از ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام و بعد از زیارت امام زمان (عج)؛

۸. به هنگام گریه از ترس خداوند؛

۹. به هنگام نجات از غصه ها، در سختی ها و مشکلات، در نزد هر نعمت و زوال آن؛

۱۰. بعد از نماز جعفر طیار؛

۱۱. در مسجدالحرام، وادی عرفات، سرداب مقدس سامرا، حرم امام حسین علیه السلام، حرم امام رضا علیه السلام و حرم تمام ائمه علیهم السلام؛

۱۲. در تمام مکان های منسوب به امام زمان (مانند مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران)؛

۱۳. مداومت چهل روزه بر دعا و ...^{۴۵۰}.

دعاها و زیارت نامه ها

پرسش ۳۴. دعا هایی که به طور خاص در زمان غیبت توصیه به خواندن آن شده است را نام ببرید؟

در رابطه با امام زمان (عج)، دعاها و زیارت های فراوانی نقل شده که در کتب ادعیه موجود است و در کتابی به نام **صحیفه مهدیه** نیز گردآمده است. به بعضی از این دعاها و زیارت ها اشاره می شود.

۱. **دعای ندبه**؛ مهم ترین دعاها در عصر غیبت، دعای ندبه است که سفارش فراوانی به خواندن آن شده است.

صدرالاسلام همدانی در کتاب **تکالیف الأنام** می گوید: از خواص دعای ندبه این است که اگر در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود، عنایت و توجه امام زمان (عج) را به آن مکان جلب می کند، بلکه آن حضرت در آنجا حضور می یابد، چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است^{۴۵۱}.

علامه مجلسی نیز در کتاب **زاد المعاد** با سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «قرائت دعای ندبه در اعیاد چهارگانه: روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر» مستحب است^{۴۵۲}.

^{۴۵۰} (۱). ر.ک: در ساحل انتظار، ص ۴۳ - ۴۵؛ بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۶۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۴۸؛ فلاح السائل، ص ۱۹۹؛ مهج الدعوات، ص ۴۹؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸؛ اقبال الاعمال، ص ۱۳۳، ۱۶۴ و ۳۱۲؛ زادالعماد، ص ۳۸۴ و ۲۷۷؛ کامل الزیارات، ص ۲۳۸ و ...

^{۴۵۱} (۱). تکالیف الأنام فی غیبة الامام، ص ۱۹۷ ..

^{۴۵۲} (۲). زاد المعاد، ص ۴۹۱ ..

۲. دعا برای ظهور امام زمان (عج) در روز جمعه؛ شیخ طوسی آن را در مصباح المتعجل نقل کرده است: «اللهم اجعل صلاتک و صلوات ملائکتک و رُسُلک علی محمد و آل محمد وعجل فرَجهم» یا بگوید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم»^{۴۵۳}.

۳. صلوات ضراب اصفهانی؛ «اللهم صل علی محمد سید المرسلین و خاتم النبیین ...

اللهم و صل علی ولیک المَحیی سَنَتک القائم بامرک ...». این دعا در چند کتاب از کتاب های معتبر و با سندهای معتبر روایت شده است و همیشه می توان آن را خواند^{۴۵۴}.

۴. صلوات بر امام زمان (عج)؛ «اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم ... الهم انتصر به لدینک وانصر به اولیائک و اولیاءه ...»^{۴۵۵}.

۵. دعای فرج «الهی عظم البلاء»؛ مرحوم کفعمی در کتاب البلد الامین دعایی را بر حضرت امام زمان (عج) نقل می کند که آن حضرت این دعا را به مردی زندانی

یاد داد و بعد از خواندن، او از زندان آزاد شد:

«الهی عظم البلاء و برَح الخفاء وَاَنْکَشَفَ الغطاء وَاَنْقَطَعَ الرَّجاء ...»^{۴۵۶}.

۶. دعای افتتاح؛ «اللهم انّی افتتح الثناء بحمدک و انت مسددٌ للصواب بمتک ...» علامه مجلسی می گوید: با سند معتبر روایت شده که امام عصر (عج) خطاب به شیعیان فرمود: این دعا را در تمام شب های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می دهند و برای خواننده این دعا، طلب بخشش می کنند^{۴۵۷}.

۷. حضرت صادق علیه السلام در روایتی به یکی از اصحابش فرمود: در زمان غیبت، دعای غریق بخوانید. راوی پرسید: دعای غریق چگونه است؟ حضرت فرمود:

این چنین است: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک»^{۴۵۸}.

۸. زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر من زمان غیبت امام زمان (عج) را درک کردم و در آن زمان واقع شدم، چه کاری انجام دهم؟ حضرت فرمود: ای زراره! اگر این زمان را درک کردی، پیوسته این دعا را بخوان:

^{۴۵۳} (۳). مصباح المتعجل، ص ۲۸۴ ..

^{۴۵۴} (۴). همان، ص ۴۰۶؛ البلد الامین، ص ۱۲۰؛ دلائل الامامة، ص ۵۴۹ ..

^{۴۵۵} (۵). مصباح المتعجل، ص ۴۰۵ ..

^{۴۵۶} (۱). البلد الامین، ص ۶۰۷؛ مزار شهید، ص ۲۳۱ ..

^{۴۵۷} (۲). زاد المعاد، ص ۱۱۰؛ مصباح المتعجل، ص ۵۷۷ ..

^{۴۵۸} (۳). برای مطالعه بیشتر ر. ک: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۶؛ مهج الدعوات، ص ۳۹۶ ..

«اللهم عرفنی نفسک فانّک أن لم تعرفنی نفسک لم أعرف نبیک، اللهم عرفنی رسولک فانّک أن لم تعرفنی رسولک لم أعرف حجّتک؛ اللهم عرفنی حجّتک فانّک أن لم تعرفنی حجّتک ضللت عن دینی»^{۴۵۹}؛ «خدایا! خودت را به من بشناسان، چون اگر خویش را به من شناسانی پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! فرستاده ات را به من بشناسان، چون اگر او را به من شناسانی، حجّتت را نمی شناسم، خدایا! حجت خود را به من بشناسان و گرنه گمراه خواهیم شد و از دینم منحرف می گردم».

۹. دعای عهد؛ «اللهم ربّ النور العظیم وَ ربّ الكرّسی الرّفیّع ...»؛ امام صادق علیه السلام در مورد این دعا می فرماید: «هر کس چهل صبح این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون می آورد تا در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه از این دعا هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه او را می بخشد»^{۴۶۰}.

۱۰. زیارت آل یاسین که دارای مضمون عالی و محتوای ارزنده ای است.

این زیارت مورد تأکید امام زمان (عج) است و خود می فرماید: «هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند و به سوی ما- چنان که خدای تعالی فرموده است- چنین بگویید: «سلام علی آل یاسین، السلام علیک یا داعی الله و ربّانی آیاته ...»^{۴۶۱}.

۱۱. دعای فرج: «اللهم کن لولیک ...»؛ شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان این دعا را در اعمال شب ۲۳ ماه مبارک رمضان ذکر کرده است.

۱۲. دعای «اللهم ارزقنی توفیق الطاعه و بعد المعصیه ...»؛ این دعا در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی آمده است^{۴۶۲}.

^{۴۵۹} (۴). بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰؛ جمال الاسبوع، ص ۳۱۴ ..

^{۴۶۰} (۱). مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۱؛ زادالمعاد، ص ۴۸۸؛ البلد الامین، ص ۱۲۴ ..

^{۴۶۱} (۲). مفاتیح الجنان ..

^{۴۶۲} (۳). ر. ک: مکمال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم (عج)، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۲ ..